



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

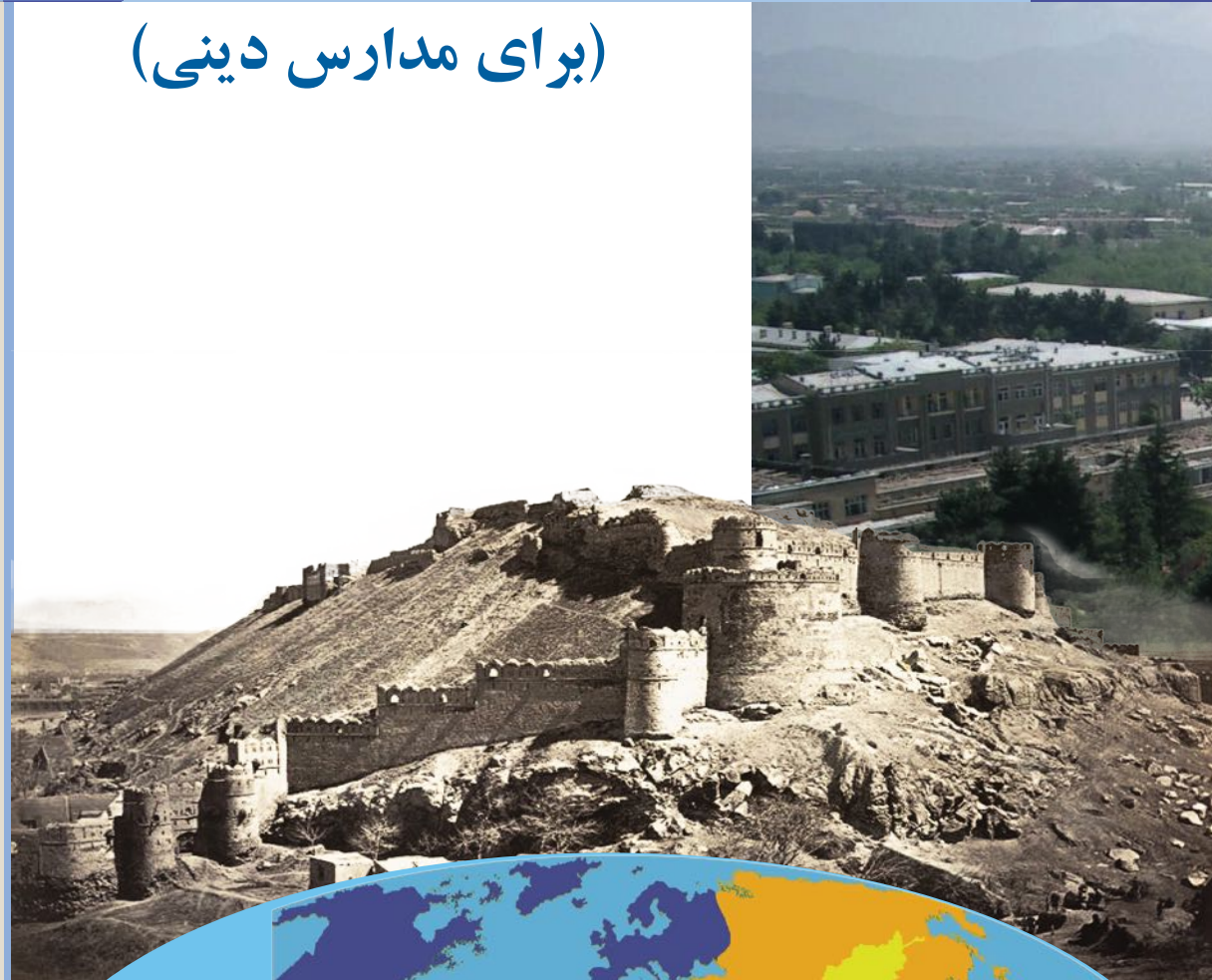
کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و
فروش آن ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af

دروس اجتماعی

صنف ۷

(برای مدارس دینی)



فصل اوّل

این فصل مشتمل بر درس‌های ذیل می‌باشد

۱- علم تاریخ و فواید آن؛

۲- ادوار ماقبل تاریخ و تاریخی؛

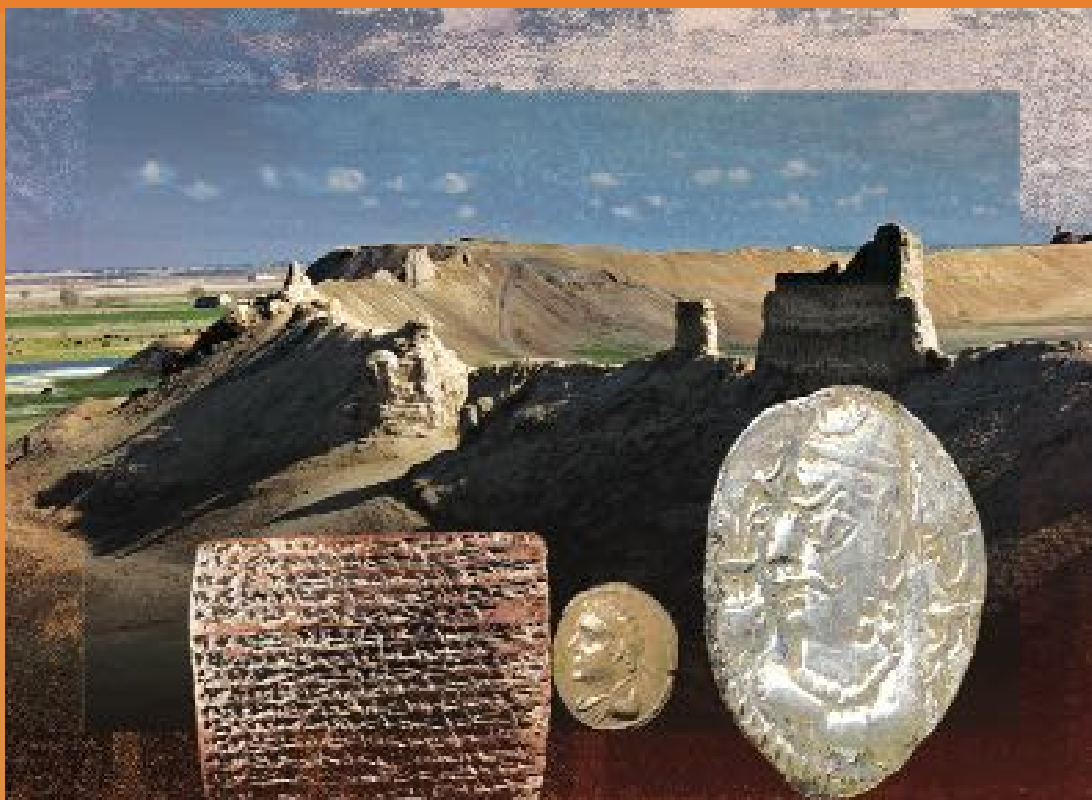
۳- تبدیلی سنوات؛

۴- نام‌های تاریخی افغانستان؛

اهداف فصل اوّل

- ۱- آشنایی شاگردان با تعریف علم تاریخ، اهمیت علم تاریخ، دوره‌های ماقبل‌التاریخ و تاریخی؛
- ۲- مهارت تبدیلی سنوات را پیدا کرده بتوانند؛
- ۳- شاگردان نام‌های تاریخی افغانستان را بدانند؛
- ۴- شاگردان نقشه‌های تاریخی افغانستان را ترسیم کرده بتوانند؛
- ۵- در روی نقشه محلات و نقاط مورد نظر را نشان داده بتوانند.

علم تاریخ و اهمیت آن



در این درس شاگردان با تعریف تاریخ و اهمیت آن آشنا می‌شوند.

تعریف تاریخ

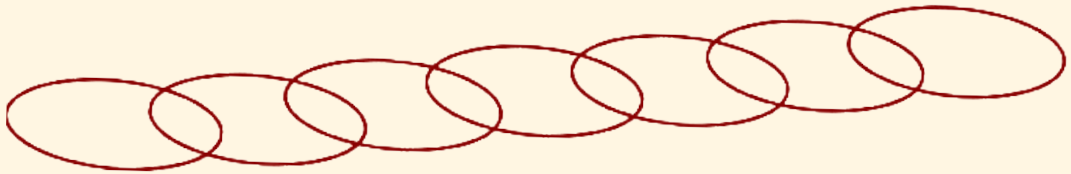
تاریخ علمی است که حوادث گذشته را در قید زمان و مکان بیان می‌دارد. دقت به زمان و مکان در رابطه به حوادث گذشته، تاریخ را از افسانه جدا می‌سازد. هر واقعه و حادثه‌ای که در زمان معین و مکان مشخص واقع شده باشد، واقعه تاریخی است؛ مثلاً غزوه بدر که در سال دوم هجرت در ماه مبارک رمضان در ۱۵۰ کیلومتری مدینه منوره واقع شد، یک واقعه تاریخی است. این وظیفه علم تاریخ است که در مورد آن واقعه به ما معلومات بدهد.

می‌دانیم که انسانها و جوامع بشری زمانه‌ها و مراحل مختلفی را سپری نموده‌اند. راه پریچ و خم طولانی را پشت سر گذاشته و به حالات کنونی رسیده‌اند؛ همه این مراحل و اتفاقات که در طول زمان در نقاط مختلف به وقوع پیوسته، توسط مؤرخین نوشته شده است. این نوشته‌های مؤرخین را تاریخ می‌گویند.

اهمیت تاریخ

۱. تاریخ ما را از حوادث گذشته چه خوب و چه بد آگاه میسازد ؛ تا از آنها برای تنظیم زنده گی درس های خوبی حاصل نمایم.
۲. تاریخ ما را از عوامل انکشاف جوامع بشری آگاه میسازد.
۳. عوامل سقوط دول را برای ما معرفی می کند.
۴. تاریخ روشن کننده اذهان نسل های آینده است.
۵. تاریخ رهنمایی برای زنده گی بهتر می باشد.
۶. تاریخ ما را از واقعیت های گذشته باخبر میسازد.
۷. تاریخ وسیله آشنایی با سایر ملت ها و تمدن ها است.
۸. تاریخ وسیله شناخت بیشتر انسان ها است.
۹. تاریخ آشنایی با چگونگی حفظ میراث های فرهنگی است.
۱۰. تاریخ شناخت دانشمندان و بزرگان است.

شاگردان در هر حلقه، تاریخ واقعات محل خویش را به پنسل بنویسند



فعالیت داخل صنف



شاگردان بدو گروه تقسیم شده، گروه اول تاریخ را تعریف و گروه دوم اهمیت تاریخ را بیان نمایند.

سوال ها



- تاریخ چیست؟
- وظیفه مؤرخ چیست؟
- اهمیت تاریخ چیست؟

فعالیت خارج صنف



- شاگردان هریک دوباره تعریف تاریخ از بزرگان و دانشمندان پرسیده و معلومات بدست آمده را در صنف قبل از شروع به درس جدید بیان نمایند.

ادوار ماقبل التاریخ و تاریخی



در این درس شاگردان در مورد دوره‌های ماقبل تاریخ و تاریخی و خصوصیات این دوره‌ها معلومات حاصل مینمایند.

مؤرخین، تاریخ زنده‌گی انسان‌ها را عمدتاً بر دو دوره بزرگ تقسیم می‌نمایند: دوره قبل از تاریخ و دوره تاریخی. دوره قبل از تاریخ، از زمان پیدایش انسان‌ها و جوامع بشری آغاز شده و تا ایجاد مدنیت‌های اولیه و به صورت خاص رایج شدن خط و کتابت، ادامه می‌یابد. دوره‌های تاریخی از ایجاد خط و کتابت آغاز شده و تا اکنون ادامه دارند.

مدت‌های طولانی از خلقت انسان در کره زمین سپری گردید؛ تا انسان‌ها و جوامع بشری به ایجاد خط و کتابت و مدنیت‌های اولیه رسیدند. این عمر طولانی انسان و جامعه انسانی، نیاز به شناسایی دارد. دانشمندان باستان شناسی می‌توانند، در روشن شدن این دوران طولانی زنده‌گی انسان‌ها، ما را کمک نمایند.

دانشمندان، این دوران طولانی را به دوره‌های دیگر تقسیم نموده اند. قدیمی ترین عصر زنده‌گی انسان‌ها را تحت عنوان عصر سنگ (Stone age) یاد کرده اند. در این دوره طولانی که هزارها سال را در بر داشت، انسان‌ها وسایل و آلات سنگی را بکار می‌بردند و در مغاره‌ها زنده‌گی می‌نمودند. از پوست حیوانات لباس می‌ساختند. شکار می‌کردند و به جمع آوری میوه‌ها می‌پرداختند.

عصر دومی را به نام مفرغ (Bronze age) یاد کرده اند. برای اولین بار انسان‌ها از فلز در پیشبرد امور زنده‌گی کار گرفتند. مفرغ، فلز ترکیبی از مس و قلعی می‌باشد. جمعیت‌های انسانی برعلاوه تربیه مواشی، با زرع نباتات و غرس کردن نهال‌ها و حفاظت درختهای میوه دار آشنایی داشتند.

محلات زیست دایمی را می‌ساختند و صنعت نیز ارزش خویش را داشت. عصر سوم دوران قبل از تاریخ را به نام عصر آهن (Iron age) یاد کرده اند. استفاده از آهن جمعیت‌های انسانی را به عصر مدنیت رسانید. استفاده از وسایل آهنی موارد مختلفی داشتند. وسایل کار، آلات زینتی و سامان آلات تفریحی و ذوقی را از فلز آهن می‌ساختند. جمعیت‌های انسانی آن زمان بر علاوة نگهداری مواشی، زراعت و باغداری، پیشۀ صنعت را نیز به حیث شغل جداگانه ارزش قایل بودند. در این عصر نظام سیاسی و اداری بوجود آمده و زمینه برای تشکیل امپراتوری‌ها مساعد گردید.

دانشمندان تاریخ نیز مانند باستان شناسان، دوره تاریخی را تحت عنوان‌های قرون اولی، قرون وسطی، قرون جدید و قرون معاصر معرفی نموده اند.

قرون اولی: این دوره از ایجاد خط و کتابت که حدود سه هزار سال قبل از میلاد بود، آغاز شده و تا قرن پنجم میلادی ادامه می‌یابد.

قرون وسطی: قرون وسطی از قرن پنجم میلادی آغاز شده و تا قرن پانزدهم میلادی ادامه پیدا می‌کند.

قرون جدید: قرون جدید از قرن پانزدهم آغاز می‌گردد و تا قرن هجدهم ادامه پیدا می‌کند.
قرون معاصر: قرون معاصر از قرن هجدهم (انقلاب کبیر فرانسه) آغاز شده و الی اکنون ادامه دارد.

قابل یاد آوری است که این تقسیم بندی یک نمونه از تقسیم بندی‌هایی است که از جانب مؤرخین ارائه شده است. در این تقسیم بندی، عمدتاً حوادث و وقایع کشورهای اروپایی در نظر گرفته شده است.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول دوره‌های سه گانه قبل از تاریخ را معرفی نمایند و گروه دوم مشخصات آن عصرها را در صنف توضیح دهند.

سوالات



- ۱- در عصر سنگ، انسان‌ها وسایل کار را از کدام مواد می‌ساختند؟
- ۲- فلز مفرغ چیست؟ شرح دهید.
- ۳- انسان‌های عصر آهن کدام پیشه‌ها را داشتند؟ شرح دهید.
- ۴- تقسیمات دوره‌های تاریخی کدام‌ها اند؟ نام ببرید.

فعالیت خارج صنف



شاگردان در خانه‌های خویش وسایل مورد استفاده سنگی، مفرغی و آهنی را لست کرده و در صنف بیان کنند.

تبدیلی سنوات تاریخ

در این درس شاگردان راجع به انواع سنوات، و چگونگی تبدیلی آنها به یکدیگر معلومات حاصل مینمایند.

سنوات و تقویم‌ها بهترین راه برای فهماندن و تقسیم زمان می‌باشد. در افغانستان سه نوع تقویم معمول است، که به نامهای هجری شمسی، هجری قمری و میلادی یاد می‌شوند. مبدأ تقویم‌های هجری شمسی و قمری از سال اول هجرت حضرت محمد مصطفی (ص) می‌باشد. تقویم میلادی از تولد حضرت عیسی (ع) آغاز شده است. در امور رسمی، دولتی و اداری افغانستان از تقویم هجری شمسی استفاده به عمل می‌آید. بعضی از روزهای مهم مذهبی مانند ماه رمضان، عید رمضان، عید قربان و از این قبیل روزهای دیگری از تقویم هجری قمری استفاده صورت می‌گیرد.

یک سال تقویم هجری شمسی ۱۲ ماه و جمعاً ۳۶۵ روز می‌باشد. سال هجری قمری نیز دارای ۱۲ ماه بوده؛ ولی تعداد روزهای آن به ۳۵۴ روز می‌رسد. تفاوت میان روزهای دو تقویم شمسی و قمری در هر یک سال به ۱۱ روز می‌رسد؛ بدین اساس در سنه هجری قمری در هر ۳۳ سال یک سال اضافه می‌گردد.

تبدیل سنوات

اگر بخواهیم سنه هجری شمسی را به سنه هجری قمری تبدیل نمایم، سنه هجری شمسی را تقسیم ۳۳ نموده و حاصل آنرا با سنه هجری شمسی جمع می‌کنیم که در نتیجه سنه هجری قمری بدست می‌آید.

تفاوت میان سنه هجری شمسی و میلادی ۶۲۱ سال است؛ اما قابل یادآوری است که در سه ماه اخیر سال تفاوت میان این سنوات ۶۲۲ سال می‌باشد.

اگر بخواهیم سنه هجری شمسی را به سنه میلادی تبدیل نماییم، ۶۲۱ را جمع سنه هجری شمسی نموده، سنه میلادی بدست میاید و برعکس جهت تبدیل نمودن سنه میلادی به هجری شمسی، ۶۲۱ را تفریق سنه میلادی نموده، سنه هجری شمسی بدست میاید.

بطور مثال: تاریخ تولد احمد ۱۳۵۵ هجری شمسی میباشد. این تاریخ را به طور ذیل به سنه هجری

$$\begin{array}{r|l} ۱۳۵۵ & ۳۳ \\ - ۱۳۲ & ۴۱ \\ \hline ۰۰۳۵ & \\ - ۳۳ & \\ \hline ۲ & \end{array}$$

قمری و میلادی تبدیل مینمایم

۱- سال تولد احمد ۱۳۵۵ هـ ش

۲- روش تبدیلی به هجری قمری

$$\begin{array}{r} ۱۳۵۵ \text{ هجری شمسی} \\ + ۴۱ \\ \hline ۱۳۹۶ \text{ هجری قمری} \end{array}$$

۳- روش تبدیلی به سنه میلادی

$$\begin{array}{r} ۱۳۵۵ \text{ هجری شمسی} \\ + ۶۲۱ \\ \hline ۱۹۷۶ \text{ میلادی} \end{array}$$

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شده گروه اول، تاریخ به قدرت رسیدن احمد شاه بابا (۱۷۴۷ م) را به سنه هجری شمسی و هجری قمری تبدیل نمایند و گروه دوم تاریخ استقلال افغانستان (۱۲۹۸ هـ.ش) را به سنوات هجری قمری و میلادی تبدیل نمایند.

سوالات

۱- در افغانستان چند نوع سنوات معمول بوده نام ببرید؟

۲- در حال حاضر فرق بین سنوات هجری شمسی و هجری قمری چند سال است؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان تاریخ تولد خود را به سنه هجری قمری و میلادی تبدیل نموده نتیجه آنرا در صنف ارائه کنند.

نامهای تاریخی افغانستان



در این درس شاگردان با نام‌های تاریخی افغانستان آشنایی حاصل می‌کنند.

آریانا

قدیمی ترین نام سرزمین ما آریانا بوده که با آمدن آریایی‌ها در سال (۲۵۰۰ سال ق. م) این سرزمین به نام آریانا مسمی گردیده است که آریا به معنی نجیب، شریف، مهمان نواز، زراعت پیشه و صاحب اخلاق نیکو آمده است و این سرزمین محل سکونت آریایی‌ها یاد گردیده است. آریایی‌ها مردمانی بودند که در سال (۲۵۰۰ ق. م) از آن طرف دریای آمو به نسبت ازدیاد نفوس و کمبود جای و علفچرها به طرف افغانستان مهاجرت نموده؛ در دو طرف هندوکش سکونت اختیار نموده و اساس دولت را درین کشور گذاشتند. این نام از عهد اویستا (هزار سال قبل از میلاد تا قرن پنجم میلادی به این سرزمین اطلاق میشد).

خراسان

کلمه خراسان از دو نام ترکیب شده است که خور به معنای آفتاب و سان، به معنی طلوع است؛ یعنی

جایکه آفتاب طلوع کند و هم چنان به نام مشرق زمین نیز یاد گردیده است. این نام توسط بفتلی‌ها در قرن پنجم میلادی به این سرزمین گذاشته شد و تا قرن هژدهم؛ یعنی تا تشکیل دولت مجدد افغانستان توسط احمد شاه بابا دوام می‌کند. خراسان طی یک و نیم هزار سال نام این سرزمین بود.

افغانستان

طوریکه در بالا ذکر شد، افغانستان در طول تاریخ به نام‌های مختلف یاد گردیده و این نام در قرن هژدهم میلادی در زمان احمد شاه بابا به این سرزمین گذاشته شده و تا حال به همین نام مسمی است.

فعالیت‌های داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شده گروه اولی درباره آریانا، گروه دومی در باره خراسان و گروه سومی درباره افغانستان معلومات بدهند.

سؤال‌ها



۱. در طول تاریخ افغانستان به کدام نامها یاد گردیده است؟
۲. کلمه آریانا چه مفهوم دارد؟
۳. نام یک کشور چه مفهوم دارد، توضیح نمایید؟

فعالیت‌های خارج صنف



شاگردان هر کدام درباره نام‌های تاریخی افغانستان از والدین خود پرسیده و معلومات شان را در صنف ارایه نمایند.

فصل دوم

این فصل مشتمل بر درس‌های ذیل می‌باشد:

- ۱- جوامع اولیه و وضعیت زنده‌گی آنها.
- ۲- زادگاه اولیه آریایی‌ها
- ۳- طرز زنده‌گی آریایی‌ها
- ۴- مهاجرت آریایی‌ها
- ۵- مهاجرت به سمت شرق و غرب
- ۶- مدنیت ویدی
- ۷- مدنیت اوستایی
- ۸- هخامنشی‌ها
- ۹- هجوم اسکندر مقدونی بر افغانستان
- ۱۰- موری‌ها
- ۱۱- ساکها
- ۱۲- دولت‌های مستقل یونان و باختری
- ۱۳- مشخصات هنری و فرهنگی دوره یونان و باختری
- ۱۴- امپراتوری کوشانی‌ها
- ۱۵- امپراتوری یفتلی‌ها



اهداف فصل دوم

- ۱- شاگردان با جوامع اولیه آریایی‌ها و مدنیت‌های آنها آشنا شوند.
- ۲- شاگردان را جمع به تسلط بیگانگان در افغانستان معلومات حاصل کنند.
- ۳- شاگردان چگونگی به میان آمدن دولت یونان و باختری و خصوصیات فرهنگی آن دوره را بیان کرده بتوانند.
- ۴- شاگردان با امپراتوری‌های کوشانی‌ها و یفتلی‌ها آشنایی حاصل کنند.
- ۵- شاگردان حوادث دوره هخامنشیان را تحلیل و تفسیر کرده بتوانند، عوامل لشکر کشی اسکندر مقدونی را به افغانستان بدانند و با خصوصیات دوره موریایا آشنا شوند.



جوامع اولیه و وضعیت زنده گی آنها

در این درس راجع به خصوصیات جوامع اولیه، چگونگی وضعیت زنده گی آنها، عقاید و افکار انسانهای جوامع ابتدایی معلومات ارایه می گردد.

از زمان به میان آمدن جوامع بشری، زنده گی آنها بسیار ساده و ابتدایی بود؛ در زمانیکه هنوز اختراعات مهم پدید نیامده، دانش بشر از طبیعت اندک بود، انسان، زنده گی بسیار سختی در طبیعت گذرانده است. پناه بردن به غارها و تلاش برای بقا باعث شد تا خود را با شرایط جدید عیار سازد، و به حیات خود ادامه دهد.

در ابتداء انسانها، با استفاده از میوه های جنگلی و شکار حیوانات حیات خود را ادامه می دادند. از پوست حیوانات برای پوشانیدن بدن خویش استفاده بعمل می آوردند. و در غارها و چقوری های موجود، در دامنه کوه ها زیست داشتند؛ تا از شدت سرما و گزند حیوانات وحشی در امان باشند. برای شکار و دفاع از خود از سنگ استفاده میکردند. با گذشت زمان، انسانها ابزار کاملتر و متنوع تری ساختند. با تراشیدن سنگ شکلهای مختلف چون نیزه، تبر و تیشه می ساختند، و بر علاوه سنگ از استخوان حیوانات و از چوب درختان جهت ساختن وسایل گوناگون استفاده میکردند.

کشف آتش از نخستین و مهمترین کشفیات بشر بود، که زنده گی انسان را بهبود بخشید. انسان با کشف آتش تاریکی را به روشنایی و سردی را به گرمی تبدیل نمود.

در نتیجه، ترس انسان از طبیعت وحشی و ناشناخته کاسته شد؛ همچنان زراعت از مهمترین تحولات زنده گی انسان در روی زمین بود؛ زیرا موجب تشکیل جمعیت ها، ذخیره غذا، تقسیم کار و پیدایش اجتماعات منظمی شد. که این اجتماعات موجب توسعه خانه سازی، تهیه انواع ظروف، پارچه ها و سفال نیز شد و مقدمات پیدایش تمدن های بزرگ را در دوره های بعد فراهم ساخت.

انسانها نخست یکتا پرست بودند؛ اما گروهی از آنها از راه راست منحرف و مشرک شده اند. بعضی از مؤرخین از بُت پرستی، شرک و رواج جادو، خرافات پرستی در دوران قبل از تاریخ حکایت می کنند.

مردمان جوامع اولیه از لحاظ عقیدتی دیندار و پابند به دستورات دینی خویش بودند. گر چه عقاید شان جز خرافات بیش نبود؛ اما به زنده شدن بعد از مرگ یعنی دنیای دیگر معتقد بودند. به همین دلیل، هنگام دفن نمودن مردگان خویش در قبر، خوراک و وسایل لازم برای شان می نهادند به همین ترتیب اعتقاد و حرمت زیاد به آتش نیز قایل بودند و آن را مقدس می شمردند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به طرز زنده گی انسانهای ابتدایی و گروه دوم در باره عقاید و افکار مردمان در صنف معلومات ارایه نمایند.

سوالات



- ۱- انسانهای ابتدایی از چه چیزی برای خوراک استفاده مینمودند؟
- ۲- انسانهای جوامع اولیه در کجا زنده گی می کردند؟
- ۳- انسانهای ابتدایی به همکاری کدام وسایل ضرورتها و نیاز مندیهای خویش را مرفوع می نمودند؟
- ۴- دین و طرز تفکر انسانهای اولیه چگونه بود؟

فعالیت خارج از صنف



شاگردان در مورد زنده گی انسانهای قدیم از روی منابع و مأخذ و به همکاری استادان خویش مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

زادگاه اولیه آریایی‌ها



بقایای آبادی‌های بلخ قدیم (ام البلاد)

در این درس در مورد خاستگاه اولیه آریایی‌ها به طور مختصر آشنا می‌شویم.

اقوام آریایی؛ چنانچه میدانیم از نژاد سفید بوده و قسمت بزرگ اقوام سفید پوست را تشکیل میداند.

دانشمندان راجع به کانون اولیه زنده گی آریایی‌ها نظریات گوناگونی ارائه نموده اند. عده یی گهواره نخستین آن‌ها را بحیره بالتیک، بعضی‌ها ترکستان چینی و پامیر میدانند. دسته دیگری از دانشمندان مهد اصلی و اولیه این اقوام را دامنه‌های کوه‌های اورال می‌پندارند. تعداد دیگری از علما، جنوب سایبریا و به نظر برخی دیگر سرزمین‌های سیحون و جیحون را کانون اصلی اقوام آریایی میدانند.

در مورد سرزمین‌های اصلی اقوام آریایی‌ها معلومات موثق در دست نیست. آنچه روشن است ورود آریایی‌ها به افغانستان قدیم از آن سوی سیر دریا و آمو دریا به بلخ می‌باشد. آریایی‌ها بعد از آن که از سرزمین اصلی شان «آریانه ویجو» به سبب سردی هوا و غیره هجرت نمودند، آهسته آهسته از راه سغد و مرو به باختر «بلخ یا بخدی» وارد شدند. سرودهای ویدی، ابتدایی ترین و مهمترین منابع و مآخذ در رابطه به شناخت آریایی‌ها می‌باشد.

در سرودهای ویدی معلومات زیادی راجع به قبایل آریایی موجود است. آریایی ها محل اقامت خویش را « آریانا ویجه » یا « آریانا و رشو » می نامیدند. در سرودهای ویدی از قبیله یی به نام الینا تذکر بعمل آمده است. که ساکنین الینگار «لغمان» کنونی بوده اند و ساکنین بولان را بنام « بهالانه » یاد کرده اند. در سرودهای ویدی از مناطق تحت حاکمیت آریایی ها نیز تذکر بعمل آمده که به عنوان نمونه از هریوا «هرات» هراوتی «دهراوت» بلهیکه «بلخ» می توان یاد کرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول در مورد نظریات دانشمندان راجع به کانون اولیه آریایی ها و گروه دوم در مورد سرودهای ویدی در رابطه به شناخت آریایی ها معلومات بدهند.

سوالات



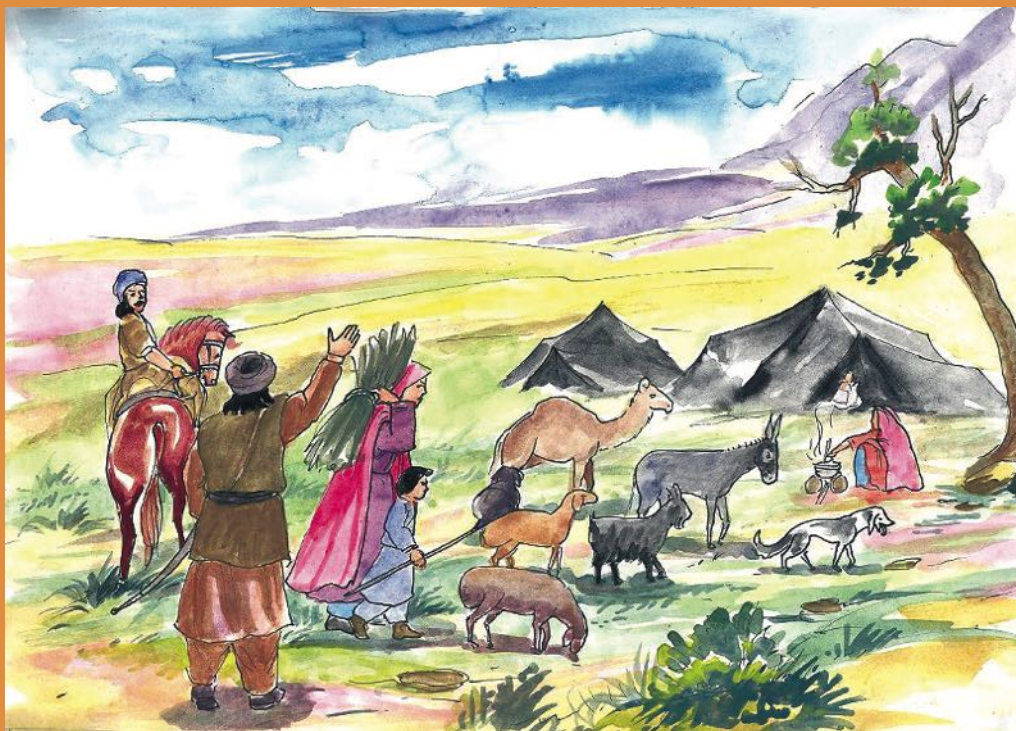
- ۱- محل اقامت اولیه آریایی ها کجا بوده است؟
- ۲- علت مهاجرت آریایی ها به بلخ و یا بخدی چه بود معلومات دهید؟
- ۳- آریایی ها چگونه وارد بلخ گردیدند، توضیح نمایید؟
- ۴- آریایی ها محل اقامت خویش را به کدام نامها یاد میکردند؟

فعالیت خارج از صنف



شاگردان در مورد زادگاه اولیه آریایی ها از روی منابع و مآخذ و همکاری استادان خویش معلومات حاصل کرده و در صنف ارایه نمایند.

طرز زندگی آریایی‌ها



طرز زنده گی آریایی‌ها

در این درس شاگردان راجع به زادگاه اولیه آریایی‌ها، نژاد و ورود ایشان به افغانستان معلومات حاصل می‌کنند.

آریایی‌ها در ابتداء، زنده گی چوپانی و چادر نشینی داشتند. بعد از جابجا شدن در بختی روبه زندگی شهری آوردند. آنها نظام خانواده گی داشتند، و خانواده را «کولا» می‌گفتند. چند کولا یک قبیله را تشکیل می‌داد. از چند قبیله یک قوم تشکیل می‌شد. که رئیس آنرا «ویس پاتی» می‌گفتند. چندین ویس پاتی توسط شاه که به نام راجا یاد میشد، اداره می‌گردید.

محل زیست خویش را به نام «پور» یاد می‌کردند. آریایی‌ها در بختی «بلخ» اساس اولین مدنیت آریایی را گذاشتند. شهر بلخ را مرکز خویش قرار داده، خانه‌های بزرگ با دیوارهای بلند تعمیر کردند. برای دفاع از شهر دیوارهای عریض و برجهای متعددی را اعمار کردند، که آثار و بقایای آن زمان تا کنون مشاهده می‌شود.

آریایی‌ها به تربیه و نگهداری مواشی، زراعت و باغداری نیز پرداختند. انواع گلها را پرورش داده و به غرس کردن نهال‌های درختان میوه دار می‌پرداختند.

یکی از مشهور ترین جشن‌های آریایی‌ها به نام سامانه یاد می‌شد. در این جشن جوانان به اسب سواری می‌پرداختند، نیزه بازی و رقص می‌کردند و میدان‌های رزم و بزم را بر پا می‌کردند. در

عصر ویدی اعتقاد به ارباب الانواع مختلف رواج داشت، با وصف آن که تعداد زیاد از الهه‌ها را پرستش می کردند؛ ولی با خداوند واحد نیز عقیده راسخ داشتند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد ارزش‌های آریائی‌ان و گروه دوم در مورد خانواده‌ها و قبیله آریایی‌ها معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

سوالات



- ۱- آریائی‌ها محل زیست خود را به کدام نام یاد میکردند؟
- ۲- اساس اولین مدنیت آریائی‌ها در کدام شهر گذاشته شد؟
- ۳- در مورد وضع اجتماعی مردم در زمان آریائی‌ها معلومات دهید؟

فعالیت خارج از صنف



شاگردان در مورد چگونگی زنده‌گی آریائی‌ها از روی منابع و مآخذ و همکاری استادان خویش معلومات جمع آوری نموده، برای همصنفان خویش ارائه نمایند.

مهاجرت آریایی‌ها



تصویری از مهاجرت آریایی‌ها

در این درس راجع به مهاجرت آریایی‌ها به نقاط مختلف آریانا معلومات حاصل مینمایید.

طوری‌که معلوم است، در مدت زیادی آریایی‌ها در شمال هندوکش در ولایت باختر زنده‌گی می‌کردند. در حیات اجتماعی خود آنقدر متری گزیده بودند که شهرها پر نفوس شده مالداري زیاد و چراگاه‌ها غیر کافی شمرده می‌شد. لهذا آریایی‌های باختر شروع به مهاجرت نمودند. در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد خانواده‌ها و عشایر آریایی‌های باختر دسته، دسته بجانب غرب، جنوب و جنوب شرق شروع به مهاجرت نمودند. يك شاخه آریایی‌ها به طرف غرب مهاجرت کردند که ابتدا به ایران و بعداً به ترکیه و سرانجام به کشورهای اروپایی رسیدند. دسته دیگر به سمت جنوب شرق روی آوردند. ابتدا به هند شمالی و بعد به مناطق مرکزی هند قدیم رسیدند. آن عده از آریایی‌ها که به دو طرف هندوکش مقیم ماندند. به ترتیب دو تمدن «ویدی» و «اوستایی» را یکی بعد دیگری در افغانستان قدیم اساس گذاشتند.

مهاجرت در داخل آریانا

به سبب ازدیاد نفوس، قبایل و دسته‌های آریایی‌های باختر از کوه مشهور هندوکش عبور و

صفحات جنوب این کوه را با تمام وادیهای شرق مملکت اشغال کردند. این دسته مهاجرین وقتی که از هندوکش عبور نمودند، وارد مناطق کاپیسا شده و از راه کابل، تگاب، لغمان، و کنر تا رودخانه سند پراکنده گردیده اند. همچنان تعدادی از آریایی‌ها از باختر بطرف غرب حرکت کرده و در ولایات غربی و جنوبی کشور مسکن گزیدند. همچنان دسته دیگر از کابل به استقامت جنوب به دامن سفید کوه «سپین غر» و دره‌های کرم، گومل و غیره منتشر شدند. دسته دیگر نیز به حوزه ارغنداب شتافتند.

از باختر دسته‌های دیگر آریایی‌ها که به استقامت غرب حرکت کرده بودند، از میمنه و اندخوی و وادی هریرود منقسم شده و قسماً به طرف وادیهای هلمند و ارغنداب جابجا شدند. تمام این مهاجرت‌های داخلی کشور بین سالهای (۱۹۰۰ - ۱۴۰۰ ق.م) تخمین گردیده است.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به مهاجرت آریایی‌ها به نقاط مختلف جهان و گروه دوم راجع به مهاجرت در داخل آریانا در صنف معلومات ارایه نمایند.

سوالات



- ۱- مهاجرت‌های داخلی آریایی‌ها در بین کدام سال‌ها تخمین شده است؟
- ۲- علت مهاجرت آریایی‌ها را بنویسید.
- ۳- راجع به مهاجرت آریایی‌ها به سمت غرب معلومات دهید.

فعالیت خارج از صنف



شاگردان راجع به مهاجرت آریایی‌ها از روی منابع و همکاری استادان خویش معلومات حاصل و در صنف ارایه نمایند.

مهاجرت به سمت شرق و غرب

در این درس راجع به چگونگی مهاجرت آریایی‌ها به سمت شرق و غرب معلومات ارایه می‌گردد.

الف) مهاجرت بطرف شرق: مقارن سال‌های (۱۵۰۰ ق. م) یک گروپ از قبایل آریایی‌ها منطقه باختر را ترک کرده و بارمه‌های خویش از کوه‌ها و وادی‌ها به تجسس علفچرها و چراگاه‌ها شروع به مهاجرت نمودند. آن‌ها آهسته آهسته به کابل امروزی رسیدند. بعداً از آن جا به ناحیه گندهارا از طریق دریای کابل به مناطق هند شمالی داخل گردیدند و مردم بومی این سرزمین را تحت تسلط خود درآوردند. آریایی‌ها در هند یک سیستم واحد حکومتی را ایجاد نکردند؛ بلکه هر قبیله یک ساحه کوچک را برای خود انتخاب کرد. همینکه آریایی‌ها در هند با ساکنین قدیم و بومی روبرو شدند، آن‌ها را بنام «داسیو» یاد نمودند. و ایشان را به نظر نفرت و بیگانه دیده به جنگ‌های سختی آغاز کردند؛ تا بالاخره آن‌ها را بطرف جنوب راندند. مشهورترین این دسته جات قبیله بزرگ بهاراته بود که بعداً به مهابهاراته، یعنی بهاراته‌های بزرگ موسوم شدند. آریایی‌های مذکور سرزمین جدید خود را «بهاراتا ورشه» نام گذاری نمودند؛ یعنی چراگاه بهاراته و این اولین نام مشخص و ملی هند است.

چنانچه کتابی بنام «ویدا» از همین آریایی‌ها به جا مانده که راجع به شناخت آریایی‌ها برای ما معلومات میدهد. جریان مهاجرت آریایی‌ها تا سال (۱۵۰۰ ق. م) به سرزمین هند به شدت ادامه داشت. و از ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ ق. م در آن جا به تشکیل سلطنت‌ها پرداختند.

ب) مهاجرت آریایی‌ها به غرب: همزمان با مهاجرت آریایی‌ها به هند یک بخش آریایی‌ها از طریق مناطق هلمند و هرات به سرزمین فارس داخل گردیدند. بعضی از این قبایل آریایی در شمال غرب فارس مسکن گزیدند که به نام (مادها) یاد گردیده و بعضی از قبایل دیگر آن از جنوب غرب فارس امروزی به شرق خلیج فارس مهاجرت نمودند که به نام (فارسها) یاد می‌گردیدند. به همین نسبت سرزمین ایران تا سال‌های اخیر به نام فارس یاد گردیده است. این دو شاخه مهاجرین که از کانون اصلی آریایی‌ها جدا شده و به طرف شرق و غرب رفتند. هر دو با عناصر بیگانه تماس دائمی پیدا کرده و کم و بیش با ایشان مخلوط و منحل شدند و قبیله مادها و

فارس ها در فارس مدتی جدا و از هم متفرق تحت ریاست آریایان خود زنده گی کرده و چون مدت مدیدی تابع نفوذ سیاسی و مدنی آشوری ها بودند، شباهت های زیادی با نژاد سامی پیدا کردند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شده گروه اول در مورد مهاجرت آریایی ها به سمت شرق و گروه دوم راجع به مهاجرت آریایی ها به سمت غرب معلومات دهند.

سوالات



- ۱- آریایی ها در کدام سالها به مهاجرت آغاز نموده و سرزمین های جدید خود را در شرق به کدام نام یاد میکردند؟
- ۲- آریایی ها در مهاجرت به فارس از کدام مناطق عبور نمودند؟

فعالیت خارج صنف



شاگردان در مورد مهاجرت آریائی ها به سمت شرق و غرب به کمک استادان و منابع معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

مدنیت آریایی‌ها



بقایای شهر قدیم بلخ (بخدی)

شاگردان در این درس با مدنیت ویدی، و چگونگی وضعیت کلتوری، اقتصادی و اجتماعی این دوره معلومات حاصل می‌نمایند.

مدنیت ویدی

در مورد آریایی‌ها معلومات لازم را به دست آوردیم. اکنون به اولین مدنیت آریایی‌ها آشنا می‌شویم. اولین مدنیت در تاریخ افغانستان به نام ویدی یاد می‌شود. نام این مدنیت از کتابهای ویدی گرفته شده است. این مدنیت در حدود ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد آغاز و تا ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد ادامه داشت. معلومات پیرامون این مدنیت از کتاب‌های چهار گانه ویدی بدست آمده است. در متون ویدی علاوه بر معلومات در مورد وضع سیاسی، اقتصادی، کلتوری و اجتماعی آریایی‌ها، معلومات پیرامون اخلاق، عقیده و کلتور آن زمان نیز وجود دارد؛ چنانچه قبلاً مطالعه کردیم، آریایی‌ها نظام خاص اجتماعی داشتند. در جمعیت‌های آریایی‌ها نظام شاهی حاکم بود. جامعه به ترتیب خاص اداره می‌گردید. در راس خانواده پدر(پاتی) قرار داشت. چند خانواده یک عشیره را تشکیل می‌داد که در راس آن کوتراپاتی قرار داشت. از چند عشیره یک قبیله به وجود می‌آمد که در راس آن گرامه پاتی قرار داشت. رئیس چند قبیله را ویس پاتی می‌گفتند. چندین ویس پاتی توسط شاه که به نام راجا یاد می‌شد، اداره می‌گردید. در رابطه با اوضاع اجتماعی آریایی‌ها نیز در سروده‌های ویدی معلومات روشن وجود دارد. بطور مثال زن در دوران مدنیت ویدی مورد احترام بود، با وصف آنکه تولد پسر را مایه خوشبختی می‌پنداشتند؛ ولی زنان عصر ویدی جایگاه خاصی داشتند؛ چنانچه در ریگویدا به تعداد زیادی

از اشعار زنان که از لطافت و صنعت خاص هنری بر خوردار است، ثبت گردیده اند. یکی از این شاعران زن به نام (خانم گوشاه) شهرت بسزا داشت که اشعارش در جلد اول ریگویدا ثبت است. (خانم لوپامودرا) شاعر زن دیگر است که اشعار او نیز در کتاب اول ریگویدا آمده است. در مدنیت ویدی نظام خاص اقتصادی وجود داشت. جمعیت‌های مدنیت ویدی احتیاجات اساسی زنده گی خویش را از طریق کشت نباتات و مالداری بر آورده می نمودند. دارای آریایی‌ها از تعداد رمة‌های حیوانات از قبیل گوسفند، بز، گاو و غیره معلوم می گردید. آریایی‌ها در پهلوی زراعت و مالداری به مبادله و تجارت نیز مصروف بودند. واحد تبادلۀ متاع تجارتي و کالاها در عصر ویدی گاو بوده که آنرا (پیسو) می گفتند. کلمه پیسه واحد پولی امروزی نیز ریشه خویش را به کلمۀ پیسوی دوران آریایی‌های عصر ویدی می رساند. در دوران مدنیت ویدی مردم بافت تکه‌ها از پشم حیوانات را یاد داشتند. لباسهای متنوع را می دوختند. از فلزات وسایل مختلفی را می ساختند. از فلزات بر علاوه آلات ظریف تزینی وسایل محکم برای استفاده در امور تولیدی نیز می ساختند، ظروف متنوع و گونا گون گلی، چوبی و فلزی مروج گردیده بود. ظروف خاصی را برای نوشابه‌ها نیز می ساختند. در مدنیت ویدی همه اهل کسبه؛ مانند: آهنگران، نجاران، کلانان و غیره با عزت و حرمت زیاد زنده گی می کردند. در عصر ویدی اعتقاد به ارباب النواع مختلف رواج داشت. از جمله الاهی‌ها یکی هم الاهی (اوشاس) بود که آنرا زن می پنداشتند و به نام الاهی سپیده دم نیز یاد می گردید. با وصف آنکه تعداد زیادی از الاهی‌ها را پرستش می کردند؛ ولی با خداوند واحد عقیدۀ راسخ داشتند؛ چنانچه در ریگویدا آمده است: «بر هر ثابت و بر هر جنبنده و نیز بر هر آنچه راه می رود و بر هر آنچه می میرد و بر تمام این آفرینش رنگارنگ، تنها یک ذات حکمروایی می کند.»

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد وضع سیاسی مدنیت ویدی، گروه دوم در مورد وضع اقتصادی مدنیت ویدی و گروه سوم در مورد اعتقادات دوران ویدی معلومات خود را در صنف بیان کنند.

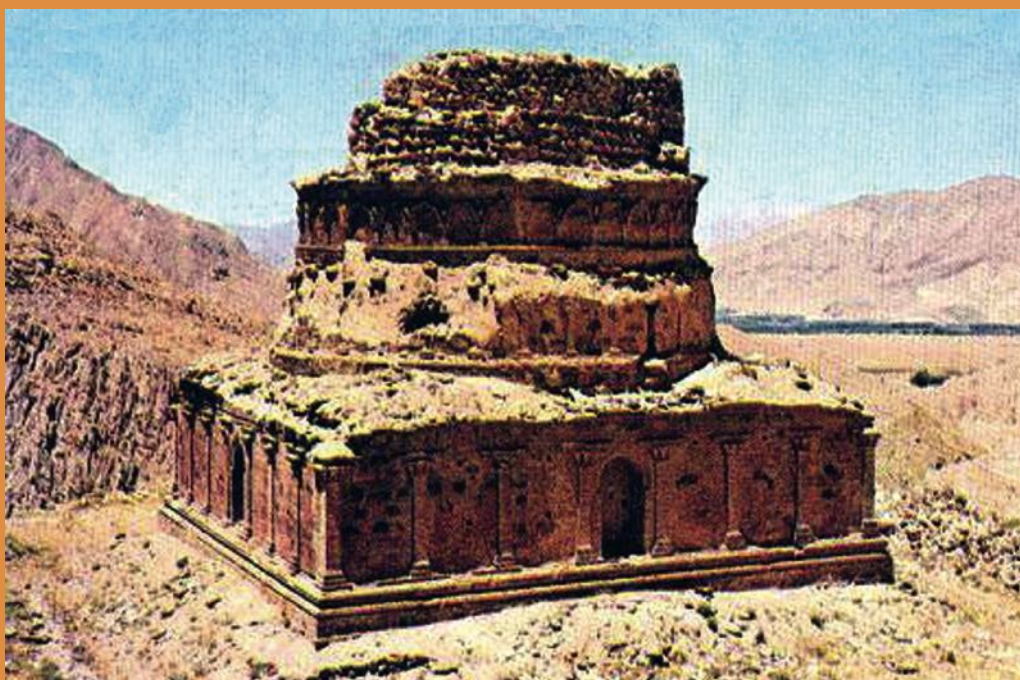
سوال‌ها

- ۱- اولین مدنیت آریایی در افغانستان به چه نام یاد می شود؟ مختصراً بیان کنید.
- ۲- زنان در مدنیت ویدی از چه مقامی برخوردار بودند؟ شرح دهید.
- ۳- در مورد عقاید مردمان مدنیت ویدی چه می دانید؟ معلومات خویش را بیان کنید.

فعالیت خارج صنف

شاگردان از بزرگان خود در رابطه به اعتقادات مردمان قبل از اسلام پرسند و معلومات بدست آمده را در صنف بیان کنند.

مدنیت اوستایی



آتشکده بلخ

شاگردان در این درس در مورد مدنیت اوستایی و چگونگی وضعیت کلتوری و اجتماعی معلومات حاصل می نمایند؟

مدنیت اوستایی دومین مدنیت در تاریخ قدیم افغانستان می باشد، نام این مدنیت از کتاب اوستا گرفته شده، که برای زردشتیان مقدس می باشند. اوستا را به معنی قانون، بنیاد و دستور آورده اند. این مدنیت در حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد آغاز شده و تا ۷۰۰ سال قبل از میلاد ادامه داشت. مدنیت اوستایی در بُخدی اساس گذاشته شد. در این رابطه در کتاب اوستا آمده است که: « یمه به امر اهورا مزدا یک واره را ساخت که طول و عرض آن به یک اسپرس (یک میدان اسپ دوانی) بود در آن حیوانات مانند گوسفند و گاو، مرغان و جانوران مانند: سگ و غیره را نگاه داشتند و جای آب را هم به درازی یک هانه (میل) حفر کرد و در آن واره بازارها، گذرها و خانه ها را به ترتیب مخصوص ساختند؛ ولی مردم علیل، دروغگو و پست و دیوانه را در آن شهر جای نداد.»

زردشت که سپین تمان نیز نامیده شده است، پیشوای زردشتیان، ایجادگر اوستا و محرک معنوی مدنیت اوستایی می باشد. موصوف نصایح جدی اجتماعی را در سروده های خویش تبلیغ کرده است.

زردشت برای زنده گی سالم انسانی سه اصل را تبلیغ می نمود که عبارت بود از: گفتار نیک،

کردار نیک و پندرا نیک. در مورد زنده گی و شخصیت زردشت، کتاب اوستا شهادت می‌دهد که، موصوف در اطراف شهر قدیم بلخ (بخدی) زیسته است. زردشت متعلق به یکی از خانواده‌های نجیب سرزمین افغانستان قدیم بود. بر اساس همین سوابق خانواده گی بوده که موصوف در زمان اعلان اصلاحات فکری و تبلیغ آیین نوین با تعدادی از وزرا و حکمرانان با نفوذ روابط خویشاوندی داشته و آنرا حفظ کرده بود. عده یی از مؤرخین زردشت را مربوط به خاندان مشهور اسپه می‌شناسند. در اغلب نام‌های خانواده زردشت کلمه اسپه به گونه مکرر یاد شده است؛ چنانچه پدر زردشت پوروسپه نام داشت و جد او به نام میچت اسپه یاد شده است که معنی صاحب اسب‌های قوی را می‌رساند. کتاب اوستا بوسیله زردشت ارایه شده است. این کتاب در حقیقت اصول رهنمایی برای پیروان آیین زردشتی است. اوستا از جمله کتب قدیم جهان به شمار می‌رود که غالباً حوادث سال‌های ۱۲۰۰ الی ۶۰۰ قبل از میلاد را در برگرفته است. در مدنیت اوستایی طبقات سه گانه اجتماعی (روحانیون، نظامیون و دهاقین) وجود داشت. مردم ده نشین شده بودند. زراعت و باغداری پیشه اصلی آنها بوده و در پهلوی آن، به مالرداری نیز مشغول بودند. و سایل و ابزار فلزی (خاصاً فلزبرونز) را استعمال می‌نمودند؛ علاوه بر آن در اوستا معلومات پیرامون اشخاص سیاسی نیز آمده است؛ از جمله نام‌های یاد شده مربوط به سلاله‌های تاریخ اساطیری افغانستان می‌باشند؛ مانند: پیشدادیان، کیانی‌ها و اسپه.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد اوستا و گروه دوم در مورد زردشت و نصایح آن معلومات خویش را در صنف ارایه نمایند.

سوال‌ها

- ۱- در مورد تمدن اوستایی و معنی آن چه می‌دانید؟
- ۲- زردشت کی بود؟
- ۳- مدنیت اوستایی بر چند طبقه اجتماعی تقسیم شده بود؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان از گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک چه معنی را می‌گیرند؟ از اقارب و دوستان خویش بپرسند و معلومات خویش را در صنف ارایه نمایند.

هخامنشی‌ها



ساحه قلمرو امپراتوری هخامنشی‌ها

در این درس راجع به چگونگی حاکمیت هخامنشی‌ها در افغانستان و سقوط آنها توسط یونانیان معلومات حاصل مینمایید.

هخامنشی‌ها از جمله قبایل فارس بودند که مدت‌ها قبل در فارس قدیم میزیستند. فارس‌ها ده قبیله بودند که هخامنشی‌ها یکی از این قبایل بودند و عرف آریایی داشتند. در آن وقت در افغانستان حکومت مرکزی وجود نداشت و در هر گوشه افغانستان حکومت محلی حاکم بودند. حکمرانی هخامنشی‌ها در قرن ششم قبل از میلاد توسط کوروش هخامنشی تأسیس شد. هخامنشی‌ها علاوه بر مروطات فارس قدیم، مناطق شرقی و غربی خارج از مرزهای امپراتوری خویش را نیز به تصرف در آوردند.

در سال ۵۴۹ قبل از میلاد، نیروهای هخامنشی تحت فرمان کوروش قسمت‌های از افغانستان را برای مدتی به تصرف در آورد. بعد از کوروش پسرش کمبوجیه به قدرت رسید، نامبرده بیشتر به مرزهای غربی فارس باستان توجه کرد. بافرعون مصر جنگیده او را مغلوب ساخت و مصر را اشغال کرد.

داریوش جهت تسخیر هند دریای سند را عبور کرد، سند و پنجاب را متصرف شد. داریوش امپراتوری وسیع خویش را که در ترکیب آن ۴۸ نوع نژاد، ادیان مختلف، رسوم، عادات

ولسان‌های متنوع وجود داشت، با تدبیر خاص اداره می نمود. در یک تعداد سنگ نوشته‌های یک از حکمرانان هخامنشی‌ها بجا مانده، آمده است، که دامنه حکمرانی هخامنشی‌ها به طرف شرق گسترش یافته است. یکی از این سنگ نوشته‌ها سنگ نوشته بیستون است که در آن بیشتر از ۲۱ منطقه تحت حاکمیت هخامنشی‌ها ذکر گردیده است. از حکمرانان مشهور هخامنشی‌ها چون: داریوش اول، خشایارشا، داریوش دوم، اردشیر دوم و تعدادی دیگری به اریکه قدرت رسیدند. عده‌ای از آنها مناطق زیادی را متصرف شدند؛ اما در سال ۳۳۳ قبل از میلاد امپراتوری هخامنشی توسط یونانیان از بین رفته و متصرفات آن با امپراتوری یونانی ملحق گردید.

فعالیت‌های داخل صنف



شاگردان بدو دسته تقسیم شوند دسته اول حکمرانان مشهور هخامنشی‌ها را معرفی نموده و دسته دوم راجع به سنگ نوشته بیستون به هم صنفان خویش معلومات ارایه نمایند.

سوالات



۱. کدام امپراتور هخامنشی برای تسخیر افغانستان کوشش نمود؟ معلومات دهید.
۲. امپراتوری هخامنشی‌ها چه وقت و توسط کی بوجود آمد؟ معلومات دهید.
۳. امپراتوری هخامنشی از طرف چه کسی سقوط کرد؟ مختصراً معلومات دهید.

فعالیت‌های خارج از صنف



شاگردان راجع به امپراتوری هخامنشی‌ها معلومات جمع آوری نموده در صنف آنرا ارایه نمایند.

هجوم اسکندر مقدونی بر افغانستان



اسکندر مقدونی

در این درس در رابطه به حمله اسکندر مقدونی بر افغانستان و ایجاد اسکندریه‌ها در افغانستان معلومات بدست می‌آورید.

اسکندر مقدونی در سال ۳۳۱ قبل از میلاد بعد از درگذشت پدرش فیلیپ دوم که حاکم یونان بود زمام امور را بدست گرفت. وی بعد از بقدرت رسیدن به فتوحات خود بطرف مصر، ایران، افغانستان و هندوستان آغاز نمود. اسکندر توانست در مدت ۱۲ سال قلمرو خود را بسیار گسترش دهد. بدین اساس به کبیر ملقب گردید.

اسکندر مقدونی بعد از تسخیر امپراتوری هخامنشی‌ها متوجه افغانستان شد و بدون وقفه در سال ۳۳۰ قبل از میلاد به سرزمین افغانستان هجوم آورد. سکندر بعد از تسخیر هرات در آنجا بنام اسکندریه یک شهر را اساس گذاشت که همانا هرات فعلی بشمار میرود.

بعد از تسخیر هرات عساکر اسکندر به طرف فراه و مربوطات آن حملات خود را آغاز کرد و نواحی سیستان را متصرف شد، و مرکز بلوچستان (زریاسپ) را نیز تسخیر نمود.

بعد از آن سوقيات خویش را به طرف اراکوزیا (قندهار) آغاز کرد. در سال ۳۲۹ قبل از میلاد ارغنداب را تصرف نمود و در همین سال در نزدیکی قندهار هم یک پایگاه عساکر را تاسیس کرد. با وجودیکه تا این زمان اسکندر سه ولایت مهم افغانستان باستان، نظیر هرات، بلوچستان

وقندهار را تحت سلطه خود درآورده بود، اما حاکم قبلی هرات استقلال هرات را اعلان نمود. اسکندر جهت سرکوب قیام هرات تعداد زیادی عسکرفرستاد و هرات مجدداً در اشغال نیروهای اسکندر درآمد.

به تعقیب اشغال هرات، سیستان و قندهار، اسکندرمقدونی متوجه کابل شد. نامبرده در سال ۳۲۹ قبل از میلاد به کابل رسید. بعد از تسخیر این مناطق از طریق پغمان به کاپیسا رفت و در آنجا برای عساکرخویش اسکندریه قفقاز (بگرام کنونی) را ساخت و بعد در بهار همین سال از راه اندراب بالای عساکریسوس والی سابق هرات حملات خود را آغاز نمود. بسوس به همت نیروهای باختری به حملات خود بالای عساکراسکندر ادامه داد. این وضعیت تا سال ۳۲۷ قبل از میلاد دوام نمود در همین حال اسکندر بایکی از قومندانان نیروی باختری دست دوستی داد و با دختری جوانی به نام رخشانه ازدواج نمود، به این ترتیب مناطق باختری را در تصرف خویش نگهداشت. اسکندرمقدونی بعد از تسخیر باختر از راه کاپیسا به کابل و در آنجا با استفاده از راه درونته به نواحی کتر و اسمار رسید. در مناطق یادشده، طی جنگ‌های سنگین با یوسف زایی‌ها مجروح شد. پس از آن بطرف باجور و چترال رو آورد و این مناطق را تصرف نمود. اسکندر، جریان تصرف این مناطق را تداوم بخشید و در سال ۳۲۵ قبل از میلاد در بندر بحری کراچی اسکندریه دیگری ساخت. از آنجا به طرف گدروزیا (بلوچستان) رونمود؛ ولی زمانیکه به بابل رسید، در آنجا به مرض ملاریا مبتلا شد که در نتیجه آن به عمر ۳۲ سالگی درگذشت.

فعالیت‌های داخل صنف



شاگردان سمت لشکر کشی اسکندرمقدونی را در نقشه نشان دهند.

سوالات



۱. اسکندرمقدونی در کدام سال امپراتوری هخامنشی‌ها را از بین برد؟ معلومات خویش را بنویسید.
۲. اسکندرمقدونی در باختر با کدام دختر ازدواج نمود؟
۳. اسکندرمقدونی در کدام ولایات اسکندریه‌ها ساخت؟ معلومات دهید.

فعالیت‌های خارج از صنف



شاگردان با استفاده از منابع دیگر معلومات را در مورد اسکندرمقدونی جمع آوری نموده و در صنف بیان دارند.

موریاها



سکه طلایی عصر چندرا گوپتا

درین درس شاگردان در مورد حکومت موریاها و اوضاع سیاسی آنزمان معلومات حاصل می نمایند.

اولین حاکم موریاها چندرا گوپتا نام داشت که در سال ۳۲۴ قبل از میلاد در هند حاکم گردید. چندرا گوپتا بعضی نقاط شرقی افغانستان را که تحت حاکمیت حکمرانان یونانی قرار داشت، تصرف نمود درین زمان نیروهای سلیکوس یونانی ابتداء باختر و بعد از آن وادی کابل را مجدداً بدست آورد و چندرا گوپتا را تا دریای سند به عقب راند، ولی در پی یک سلسله پیروزی‌های مؤقت عساکر سلیکوس دوباره مورد حملات چندرا گوپتا قرار گرفت؛ تا بالاخره وی مجبور شد که به چندرا گوپتا دست دوستی بدهد و دختر خویش را به عقد نکاح وی در آورد؛ علاوه بر آن گندهارا (ننگرهار)، اراکوزیا (قندهارا) و گدروزیه (بلوچستان) را نیز به چندرا گوپتا واگذاشت. چندرا گوپتا در سال ۳۰۰ قبل از میلاد در گذشت و پسر وی بندوسارا قدرت را در دست گرفت. درین وقت در امپراتوری یونانی مراکز مختلف بوجود آمد و جنگ‌های شدید در میان آنها آغاز شد. باوجود آنکه جنگ میان نیروهای یونانی جریان داشت؛ اما روابط خوب بین سلوکیدان و موریاها روز به روز وسعت می یافت و روابط تجارتی میان آنها گسترش یافت. این روابط سبب شد تا زمینه اختلاط فرهنگ هندی و یونانی فراهم شود.

بعد از بندوسارا حکمران معروف سلسله گوپتایی (آشوکا) بقدرت رسید. نامبرده جهت انتشار آیین بودایی زحمات زیادی را متحمل شد و مبلغان زیادی را به افغانستان و نقاط مختلف جهان

فرستاد وی در قلمرو تحت سلطه خویش فرمان‌های بروی سنگ‌های نوشت که از آیین بودایی نماینده گی مینمود. در کندهار، ننگرهار (درونده) و بعضی مناطق دیگری، از این نوشته سنگ‌های که فرمان‌های آشوکا به روی آنها مرقوم شده، موجود است. با آغاز زمامداری ایتودیم، یکی از والیان آشوکا که بر حوزه کابل و گندهارا حکم می‌راند، به شکست مواجه شد. به این ترتیب حکمرانی موریایا به قسمت‌های جنوب افغانستان از بین رفت. ایتودیم حملات باختر را تا مناطق جنوبی هندوکش رساند و استقلال افغانستان را اعلام کرد.

فعالیت‌های داخل صنف



شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و هر گروه به ترتیب، قلمرو سرحدات حکمرانی موریایا را بروی نقشه نشان دهند.

سوالات



- ۱- راجع به نخستین حکمران موریایا چه میدانید؟ تحریر دارید.
- ۲- چندراگوپتا در کدام سال وفات کرد؟
- ۳- راجع به آیین آشوکا چه میدانید؟

فعالیت‌های خارج از صنف



شاگردان در کتابخانه، نام کتاب، مؤلف و سال چاپ کتاب را جستجو کند که راجع به حکمرانان موریایا نوشته شده باشد.

ساکها



بقایای تاریخی سیستان

در این درس راجع به حاکمیت ساکها در ساحات جنوب افغانستان چون اراکوزیا (کندهار) سکستان (سیستان) معرفت حاصل مینمایید.

آخرین حکمران دوره یونان و باختری هیلو کیلس بود. نامبرده بر تمام قلمرو امپراتوری یونان باختری حاکمیت داشت. بعد از او حاکمان محلی بوجود آمدند، که هریکی از ایشان بر منطقه کوچکی حکومت میکردند. این جریان تا صد سال قبل از میلاد ادامه یافت. مناطق جنوب افغانستان چون: اراکوزیا (کندهار) سکستان (سیستان) قوم نیرومندی به نام ساکها حاکمیت خویش را بنیاد گذاشتند. اولین حاکم این قوم جدید بنام هرایوس شناخته شده است. وی هم چون امپراتوران یونان و باختری بنام خود سکه ضرب میزد.

ساکها به مدت کوتاهی دامنه متصرفات خود را تا تاکسیلا، سند و حوالی بولان بلوچستان وسعت دادند. ساحات جنوب و جنوب شرقی امپراتوری یونان و باختری را نیز تحت تسلط خویش در آوردند.

بعد از هرایوس، مایوس (۷۲) سال قبل از میلاد به قدرت رسید. وی به روی مسکوکات خویش لقب شهنشاه را نوشت. یک نامه از زمان حاکمیت وی به دست باستان شناسان رسیده و بر روی پارچه مسی تحریر شده، که در این نامه ۷۸ سال قبل از میلاد، استفاده از رسم الخط یونانی و خروشتی

آشکارا ظاهر می‌شود.

بنابر عقیده مورخین، کلمات و اسامی از زمان زمامداری ساکها باقی مانده تا هنوز هم بین پشتوزبانان مرسوم است؛ به طور مثال افغان شناس اروپایی (سراولف کامیرو) معتقد است که (ساله که دمه) کلمه است که به روی مسکوکات ساکها نوشته شده و معنی (سرباز توانا) را می‌رساند، و یا کلمه دیگری (سپاله هوره) به معنی سرباز آتشین یا درخشنده آمده است. حاکمیت ساکها بوسیله کوشانی‌ها از بین رفت.

فعالیت‌های داخل صنف



شاگردان بین هم راجع به ساکها گفتگو نموده و از یکدیگر سوال کنند و جوابات آنرا نیز خودشان ارزیابی کنند.

سوالات



- ۱- اولین مرکز ساکها در کجا بود؟ معلومات دهید.
- ۲- نخستین حکمران ساکها چه نام داشت؟ مختصراً معرفی نمایید.
- ۳- مایوس در کدام سال بقدرت رسید؟ بنویسید.

فعالیت‌های خارج از صنف



شاگردان از بزرگان شان بپرسند که آیا قریه را بنام ساکها می‌شناسند؟ معلومات خویش را در صنف ارایه بدارند.

دولت‌های مستقل یونان و باختری



نمونه‌ی بی از مسکوکات ایوکرatید

در این درس شاگردان در مورد چگونگی تاسیس دولت‌های مستقل یونان و باختری و وضعیت سیاسی این دوره معلومات حاصل می‌نمایند.

قبلاً مطالعه کردیم که قلمرو امپراتوری اسکندر در میان قوماندانان یونانی تقسیم گردید. سلوکیدهای یونانی نیز قسمتی از امپراتوری اسکندر را در اختیار داشتند. آنها شام و مربوطات آنرا اداره می‌کردند. سلوکیدها شخصی به نام دیودیتس اول را به حیث والی باختر توظیف نمودند. موصوف بعد از رسیدن به باختر، استقلال باختر و سغدیان را اعلان کرد. دوران حکمروایی دیودیتس بین سالهای ۲۴۵ - ۲۳۰ قبل از میلاد بود. بعد از او دیودیتس دوم امور اداره باختر را در دست گرفت. موصوف با دولت تازه به استقلال رسیده اشکانیان روابط دوستانه برقرار نمود؛ زیرا هر دو دولت جدید بر خلاف سلوکیدهای شام (سوریه) بودند.

ایوتیدیوم، مقتدرترین شاه دولت یونان - باختری بود که در دوران حکمروایی خویش هجوم سلوکیدهای شام را دفع و به مصالحه و مدارا عقب زد. موصوف قسمتهای جنوب هندوکش را بدون جنگ از سلطه دولت هند آزاد ساخت. در قسمتهای غربی تا حدود توس پیش رفت. کاشغرستان در شمال و بلوچستان در جنوب را نیز به افغانستان آن زمان ملحق ساخت. در همین دوره بود که باختر نام (هزار شهر) را در جهان آن زمان کسب نمود.

شاه دیگری یونان - باختری دیمتروس نام داشت. موصوف تا سند و نزدیک پنجاب پیشروی کرد و هندوستان شمالی را تا کناره‌های گنگاه تسخیر نمود. سرحدات امپراتوری یونان - باختری از دشتهای فارس (ساحات مرکزی ایران موجوده) الی مناطق گنگاه و از ساحات سیحون و جیحون تا بحر هند کشیده شده بود. فتوحات شاهان یونان - باختر الی سالهای ۱۷۵ قبل از میلاد ادامه داشت.

ایوکراتید شاه دیگر یونان - باختری بود. موصوف والیهای را در امپراتوری خویش مقرر نمود که زمینه دولتهای مستقل را در هند به وجود آوردند. از زمان به قدرت رسیدن ایوکراتید، سقوط دولت و امپراتوری یونان - باختری آغاز گردید. از یک طرف حملات اشکانیان در غرب امپراتوری و از جانب دیگر قبایل ستی در داخل کشور، پروسه از بین بردن و سقوط دولتهای مستقل یونان - باختری را مساعد ساخت. دولت یونان - باختری در سال ۱۳۵ قبل از میلاد مرکز خویش را از بلخ به بگرام انتقال داد و مسأله تا جای رسید که در سال ۷۰ قبل از میلاد اول ساکها در جنوب افغانستان به قدرت رسیدند و بعداً شاخه‌یی از قبایل (ستی‌ها) که به نام (یوچی) شهرت دارند و در تاریخ قدیم افغانستان به نام کوشانیان معروف هستند، بلخ را تصرف کرده و سلسله دولتهای یونان - باختری را سقوط دادند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد به قدرت رسیدن و اعلان آزادی ساحات باختر و سغدیان و گروه دوم در مورد شاهان مشهور این سلسله معلومات خویش را در صنف ارایه نمایند.

سوال‌ها

- ۱- در مورد ایوتیدیوم چه می‌دانید؟ معلومات خویش را بنویسید.
- ۲- دیمتریوس کی بود و در مورد کارنامه‌های او چه میدانید؟
- ۳- زوال امپراتوری یونان - باختری چگونه آغاز گردید؟ معلومات خویش را بنویسید.

فعالیت خارج صنف

هر شاگرد نقشه امپراتوری یونان - باختری را در خانه ترسیم نموده و در صنف به دیگر شاگردان نشان دهند.

مشخصات هنری و فرهنگی دوران یونان - باختری



نمونه از مسکوکات دیمتروس

در این درس شاگردان راجع به دست آوردهای کلتوری دوره یونان - باختری و مشخصات آن معلومات حاصل می نمایند.

شکی نیست که هم زمان با هجوم نظامی اسکندر، با عساکر یونانی، هنر مندان، دانشمندان و سایر اهل پیشه نیز به سرزمین های مفتوحه از جمله افغانستان آمدند. اختراعات و ابداعات این هنرمندان با فرهنگ سرزمین های شرقی به خصوص مردم قدیم افغانستان یکجا شده و صبیغه افغانی را به خود گرفت.

وضع اقتصادی دوران یونان و باختری رشد مناسب داشت. روابط تجاری، پیشه های متنوع صنعتی، مالداري و آبیاری انکشاف قابل ملاحظه کرده بود. ایوتیدیم سکه های ساخته شده از طلا و نقره را به نام خود ضرب نموده است، که نماینده گی از وضع خوب و مناسب اقتصادی می نمایند. راه های تجاری باز گذاشته شده بود و امنیت راه های کاروان ها تامین می گردید. ساحات مختلف کشور به وسیله والیان که غالباً شهزاده گان بودند، اداره می گردید.

ادامه حاکمیت شاهان یونان و باختری برای مدت تقریباً ۱۴۰ سال، اثرات بزرگی بر مزج و ترویج فرهنگ جدید بر جا گذاشت که از جمله می توان به ترویج صنایع مختلف، ایجادهای اختراعات هنری، زبان، رسم الخط و جنبه های دیگر فرهنگی یاد کرد. این همه اثرات فرهنگی در سر تا سر قلمرو امپراتوری یونان و باختری با عناصر محلی یکجا شده و فرهنگ خاص را به وجود آورده بود که به نام مدنیت یونان و باختری در تاریخ قدیم شهرت یافته است. در یکی از کتیبه های دوران یونان و باختری که در آی خانم بدست باستان شناسان رسیده است،

چنین می‌خوانیم

در زمان طفولیت تربیه خوب بگیر.

در جوانی بر خواهش خویش حاکم باش.

در پخته سالی راستکار باش.

در پیری اندرز دهنده باش.

در روزهای وا پسین زنده گانی، بدان که چگونه بدون افسوس بمیری.

اثرات یونانیان در امور ساختمانی و عمرانی نیز محسوس بود. مراکز اداری و نظامی خویش را عمدتاً در مقاطع دریاها می‌ساختند. نمونه‌های این گونه عمرانات را در بقایای بگرام و آی خانم دیده می‌توانیم، در ساختمانها شیوه تدافعی مد نظر گرفته می‌شد. بر جهای مراقبتی، خندق‌های دفاعی و سدهای گوناگونی را در ساختمان‌ها مد نظر داشتند.

به عقیده مؤرخین نفوذ یونانی‌ها تا قرن هفتم میلادی در افغانستان دوام کرد. این اثرات عمدتاً در بخش رسم الخط و هنر چشم گیر بود. کتیبه‌های متعدد که در نقاط مختلف بدست آمده، این ادعا را تایید می‌نمایند. هنر مجسمه سازی، رسامی و نقاشی بر ظروف شیشه‌یی، اشکال و تیپ‌های یونانی در ساختمان‌ها و عمرانات، تا زمانه‌های زیاد در افغانستان قدیم معمول بود.

خلاصه اینکه در مدت تقریباً ۱۴۰ سال اقتدار شاهان یونان و باختری، که جمعا ۳۶ تن از پادشاهان و یک ملکه از این سلسله در افغانستان و بهارت قدیم (هند) حکم رانده اند، همه آنها به توسعه فرهنگ و کلتور یونانی در سرزمین باختر و هند پرداخته اند. باید به یاد داشت که فرهنگ یونانی‌ها به صورت تغییر نا خورده در این سرزمین مروج نشده است؛ بلکه با کلتور و فرهنگ سرزمین افغانستان قدیم یکجا شده و نوع جدیدی از فرهنگ را به میان آورد که به نام مدنیت یونان و باختری یاد شده است.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد وضع اقتصادی دوران یونان باختری معلومات را ارایه نمایند و گروه دوم در باره یکجا شدن فرهنگ دوران یونان و باختری صحبت نمایند.

سوال‌ها



- ۱- در مورد وضع اقتصادی دوران یونان و باختری چه می‌دانید؟ بیان دارید.
- ۲- نمونه‌های اثرات ساختمان‌های یونانی در کدام ساحات به نظر میرسد؟ نام بگیرید.
- ۳- کدام نوع رسم الخط در دوران یونان و باختری مروج بود؟ توضیح دهید.

فعالیت خارج صنف



شاگردان در محلات زیست خویش قصه‌های سکندر و یونانیان را از بزرگان پیرسند، معلومات بدست آورده را در صنف به دیگران ارایه نمایند.

امپراتوری کوشانی‌ها



تصویر مجسمه سنگی کنشکا

در این درس راجع به تأسیس امپراتوری کوشانی‌ها، امپراتوران مهم کوشانیها و کتیبه رباطک معلومات حاصل می‌نمایید.

نام کوشانیها از کلمه کوشان گرفته شده، کوشان یکی از اقوام یوچی بود که از دریای آمو عبور نموده و در بلخ به حاکمیت یونان و باختری خاتمه بخشیدند.

موسس امپراتوری کوشانی (کجولا کدفیسس) می‌باشد. نامبرده در سال ۴۰ میلادی اعلان پادشاهی کرد به مدت ۴۰ سال بر نواحی زیادی از آریانای کهن حکمرانی نمود و در اواخر سلطنت خود لقب شهنشاه را اختیار نمود.

پس از مرگ کجولا کدفیسس پسرش و یما تکتوبه قدرت رسید. در باره این شخص معلومات زیادی در دست نیست. نخستین دستاورد درین زمینه سنگ نوشته رباطک است که توسط ویماتکتو نوشته شده است.

بعد از ویماتکتوپسر وی ویماکدفیسس تا سال ۱۲۷ میلادی حاکمیت داشت، ویماکدفیسس اولین امپراتوری کوشانی‌ها بود، که حدود کشور را در جنوب تا دریای گنگای هند وسعت بخشید. ویماکدفیسس همچنان با کشور چین روابط دوستانه برقرار کرد و به دربار امپراتور روم (تراجان) یک سفیر فرستاد و با آنها روابط تجارتي و اقتصادی برقرار نمود.

کنشکا کبیر پسر ویماکدفیسس بعد از مرگ پدرش بقدرت رسید. کنشکا در تاریخ قدیم افغانستان یک امپراتور مقتدر و از شهرت خاصی برخوردار بود.

حدود امپراتوری وی از طرف شرق به بنارس هندوستان از طرف غرب به امپراتوری پارت‌ها، و

از شمال تا کاشغر و یارکند میرسید. در شرق با چین و در غرب با کشورهای روم روابط تجارتي داشت. در زمان کوشانی‌ها راه معروف ابریشم خصوصاً در زمان حاکمیت کنشکا شهرت جهانی یافت. کنشکا برای اداره امور امپراتوری خویش دو مرکز یا پایتخت داشت. وی پایتخت تابستانی خویش بگرام و پایتخت زمستانی خویش را پشاور انتخاب کرده بود.

امپراتوران مهم سلسله کوشانی‌ها به ترتیب زمانی:

- ۱- کجولا کدفیسس از سال ۴۰ میلادی تا ۸۰ میلادی حکومت نمود. این شخص بنیانگذار امپراتوری کوشانی‌ها می‌باشد.
 - ۲- ویماتکتو از سال ۸۰ میلادی تا ۱۰۵ میلادی حکومت نمود.
 - ۳- ویم کدفیسس از سال ۱۰۵ میلادی تا ۱۲۷ میلادی حکومت نمود.
 - ۴- کنشکا از سال ۱۲۷ میلادی تا ۱۴۷ میلادی حکومت نمود. این شخص بزرگترین امپراتور کوشانی‌ها محسوب می‌شود.
 - ۵- هوویشکا از سال ۱۴۷ میلادی تا ۱۸۲ میلادی حکومت نمود.
 - ۶- واسودیوا از سال ۱۸۲ میلادی تا ۲۲۰ میلادی حکومت نمود. بعد از این شخص حکمرانان محلی حاکمیت مرکزی را به خطر انداخت.
- عواملی که باعث سقوط امپراتوری کوشانی‌ها شد، توجه بیش از حد حاکمان کوشانی به طرف مناطق هندوستان، نیرومندی روز افزون امپراتوری ساسانی در غرب امپراتوری کوشانی‌ها، حملات قبایل چینی در شمال کشور، اطاعت نکردن حاکمان محلی از فرمان حکومت مرکزی، حملات پی هم نیروهای نو ظهور در داخل امپراتوری کوشانی از جمله عواملی است که زمینه را برای تجزیه و فروپاشی امپراتوری کوشانی مساعد ساخت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه دسته تقسیم شوند، دسته اول راجع به مؤسس کوشانی‌ها، دسته دوم راجع به سنگ نوشته رباطک (کتیبه رباطک سمنگان) و دسته سوم در رابطه به حکمرانان مشهور کوشانی به همصنفان خویش معلومات ارایه نمایند.

سوالات

- ۱- مؤسس امپراتوری کوشانی‌ها کی بود؟ معلومات خود را بنویسید.
- ۲- راجع به سنگ نوشته رباطک چه میدانید؟ تحریر دارید.
- ۳- عوامل سقوط امپراتوری کوشانی را بیان کنید.

فعالیت‌های خارج از صنف

شاگردان در مورد وضعیت فرهنگی دوره کوشانیان معلومات جمع آوری نموده و آنرا در صنف ارایه نمایند.

امپراتوری یفتلی‌ها



سرحدات افغانستان در زمان یفتلی‌ها

در این درس پیرامون ایجاد امپراتوری یفتلی‌ها و سقوط این امپراتوری معلومات حاصل مینمایید.

بنابر عقیدهٔ سراولف کامیر، مؤرخ انگلیسی، یفتلیان از آسیای مرکزی به طرف جنوب حرکت نموده و اولین ادارهٔ خود را در سال ۳۶۰ میلادی در ولایت تخارا ایجاد نمودند. تخارو بعضی از مناطق هندوکش را از سیطرهٔ کیداریان و یاکوشانیان کوچک خارج ساختند و به تصرف خود در آوردند.

یفتلی‌ها در متون تاریخی به نام‌های هفتالی‌ها، یفتلی‌ها، خوینت‌ها و اعراب آنها را هیاطله یاد کرده‌اند. اولین شاه یفتلی‌ها به نام یفتالیتو معرفی شده است که در سال ۴۲۵ میلادی تاج شاهی را در تخار بر سر نهاد. ساحةٔ حاکمیت موصوف از بدخشان تا بلخ و سغدیان می‌رسید. بعد از ایفتالیتو پسرش اخشنور به قدرت رسید. موصوف هرات را نیز شامل قلمرو خویش نمود؛ اخشنور با ساسانی‌ها جنگ‌های زیاد نموده و آنها را شکست داد. نامبرده جهت وسعت امپراتوری خویش سعی کرد و ساحات جنوبی هندوکش؛ از قبیل: کابل، غزنی و هلمند را نیز تحت ادارهٔ خویش درآورد. بعد از اخشنور پسرش تورمنه به قدرت رسید وی در مسکوکات خویش خود را امپراتور زابل یاد کرده است. موصوف قلمرو خود را تا هند مرکزی وسعت داد و در سال ۵۰۲ وفات یافت. بعد از وی پسرش مهراکولا به قدرت رسید. وی به هند حملات

انجام داد و خاندان گوپتا را مجبور به پرداخت باج نمود. این شخص با حکمرانان بنگال نیز جنگ‌های کرد و تعدادی زیادی مراکز بودایی را از بین برد. بالاخره مهراکولا در سال ۵۴۲ میلادی در گذشت، بامرگ وی همزمان زوال و سقوط امپراتوری یفتلی‌ها هم آغاز شد.

هندو بنگال دوباره به دست حکمرانان محلی افتادند و در افغانستان نیز زمینه قدرت‌مند شدن حاکمان محلی فراهم شد. یفتلی‌ها مخالف مذهب بودایی بودند. تعداد زیادی از معابد بودایی را ویران کردند. آنها آفتاب را می‌پرستیدند. در مسکوکات آنها از معابد زور و سور یاد آوری شده که به معنی آفتاب پرستی بود. ترسیم آتشکده‌ها را نیز در مسکوکات انعکاس داده اند. مجسمه رب النوع آفتاب در کوتل خیر خانه کابل یکی از نمونه‌های برجسته آن زمان می‌باشد.

بعد از فروپاشی امپراتوری یفتلی‌ها در افغانستان دوره دیگری به نام کوشان - یفتلی که همان دوره حکمرانان محلی بود آغاز شد. درین دوره می‌توان از کابل شاهان، شیران بامیان و تگین شاهان یاد کرد که در نقاط مختلف هریکی حکومت می‌نمودند.

از نظر زمانی این دوره عمدتاً از اوایل قرن ششم میلادی الی اواخر قرن هشتم میلادی دوام می‌یابد که برابر می‌شود، با آغاز حکومت‌های مستقل اسلامی در افغانستان.

فعالیت‌های داخل صنف



شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، گروپ اول کار و نظریه مؤرخ انگلیسی را در خصوص حکمرانان یفتلی بیان داشته و دسته دوم معلومات خویش را در رابطه به حاکمیت اخشنور به دیگر هم صنفان خود ارایه نمایند.

سؤالات



۱. یفتلیان از کجا آمدند؟ معلومات دهید.
۲. راجع به اخشنور حکمران یفتلی چه میدانید؟ تحریر دارید.
۳. راجع به تورمنه چه میدانید؟

فعالیت‌های خارج از صنف



شاگردان در خانه و قریه شان نام‌های را دریابند که بانام‌های حاکمان یفتلی شباهت داشته باشد.



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

دروس اجتماعی

صنف هفتم

(برای مدارس دینی)

۱۳۹۸

ه.ش

مؤلفان

- مؤلف حسين احمدزى (بخش تاريخ)
- معاون مؤلف ذبيح الله دشتى (بخش تاريخ)
- معاون مؤلف ذكيه اميرى (بخش تاريخ)
- پوهاند غلام جيلاني عارض (بخش جغرافيه)
- سرمؤلف نجيب الله امين افغان (بخش جغرافيه)
- سرمؤلف محمد افضل حضرتى (بخش تعليمات مدنى)
- سرمؤلف مير عبيد الله فاضل (بخش تعليمات مدنى)
- معاون سرمؤلف محمد انور مشفق (بخش تعليمات مدنى)

ايديت علمى و مسلکى

- پوهاند غلام جيلاني عارض
- پوهنمل زلمى هوتک
- پوهنيار محمد فاروق عمر خيل

ايديت زباني

- مير احمد احمدى

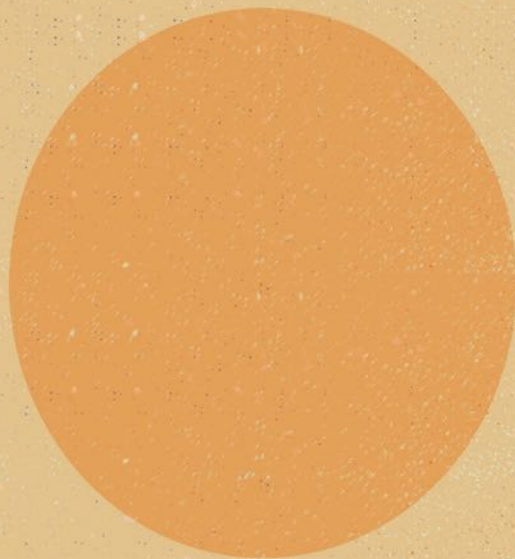
کميته دينى، سياسى و فرهنگى

- دکتور عبدالصبور فخرى
- حبيب الله راحل مشاور وزارت معارف در رياست انکشاف نصاب تعليمى.

إشراف

- دکتور شير على ظريفى رئيس پروژه انکشاف نصاب تعليمى.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





سرود ملی

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو	د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي	پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه یان
دا هېواد به تل ځلېږي	لکه لمر پر شنه اسمان
په سینه کې د اسیا به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مو دی رهبر	وایو الله اکبر وایو الله اکبر

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد:

نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می باشد، نصاب تعلیمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنامندی سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصا انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصا در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می آورند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، جا بجا ساختن فعالیتها، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

مقدمه

استادان محترم و شاگردان گرامی،

کتاب درسی مضمون اجتماعیات مدارس دینی بنا بر ضرورت و نیازمندی های جامعه افغانی، پالیسی وزارت معارف، با در نظر داشت معیارهای معاصر فن نصاب نویسی و بر بنیاد مفردات درسی تهیه و ترتیب گردیده است.

مضمون اجتماعیات مدارس دینی مشتمل بر مطالب و مفاهیم تاریخی، جغرافیایی و معلومات مدنی میباشد. در بخش تاریخ، سعی به عمل آمده تا شاگردان مدارس دینی در جریان تحصیل با رویدادها و حوادث تاریخ قدیم، قرون وسطی، جدید و معاصر افغانستان و جهان آشنا شوند و بدانند که انسان ها در سراسر جهان و به طور اخص در کشور عزیز ما افغانستان کدام مراحل تاریخی را عقب گذشتانده و هم با آینده چگونه برخورد نمایند.

در بخش جغرافیه با در نظر داشت ضرورت های علمی مطالب طوری توضیح شده که شاگردان در مورد موقعیت ها، طول البلد، عرض البلد، کوه ها، دریاها، جھیل ها، ابحار، زراعت، مالداری، معادن، ترانسپورت زمینی، آبی و هوایی، نژاد، زبان، مذاهب، بر اعظم ها و کشورها معلومات حاصل نمایند و در پیشبرد امور زنده گی از آن استفاده نمایند.

در بخش معلومات مدنی راجع به جوامع بشری، ارزش ها، مقررات و قوانین، اعتقادات، اقتصاد، سازمانها، نهادها، ساختارها و تشکلات، احتیاجات مادی و معنوی انسان مفاهیم و مطالب ضروری و لازمی توضیح شده است، که در حیات روزمره می توان از آن مستفید گردند.

توقع می رود تا با فراگیری یک دوره مکمل (از صنف هفت الی صنف دوازده) مضمون اجتماعیات شاگردان مدارس دینی مبادی علوم اجتماعی را بدانند؛ با اصطلاحات عمده این علم آشنا شوند؛ از اخبار رویداد های روزمره کشور و جهان مستفید شده و حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تجزیه، تحلیل و نتیجه گیری کرده بتوانند، تا اعضای فعال و مطرح در جامعه بار آمده و با مزج علوم دینی با علوم اجتماعی دعوات مؤثر و برپا کننده گان حقیقی دین خدا قرار گیرند.

امیدواریم که محتویات این کتاب مورد دلچسپی استادان و منبع مفید علوم اجتماعی برای شاگردان مدارس دینی قرار گیرد.

والله ولی التوفیق

فهرست

صفحه	عناوین	صفحه	عناوین
۵۷	دریا‌های افغانستان	بخش تاریخ	
۵۹	جھیل‌های افغانستان	فصل اول	۱
۶۱	جغرافیای بشری افغانستان	اهداف فصل اول	۲
۶۳	جغرافیای اقتصادی افغانستان	علم تاریخ و فواید آن	۳
۶۵	نباتات صنعتی و طبی	ادوار ماقبل تاریخ و تاریخی	۵
۶۷	مالداری، علف‌چر و جنگلات	تبدیلی سنوات تاریخ	۷
۶۹	مواد محروقاتی	نام‌های تاریخی افغانستان	۹
۷۱	معادن افغانستان	فصل دوم	۱۱
۷۳	جغرافیای مواصلاتی	اهداف فصل دوم	۱۲
۷۵	صنایع افغانستان	جوامع اولیه و وضعیت زنده گی آنها	۱۳
	فصل سوم - براعظم آسیا	زادگاه اولیه آریایی‌ها	۱۵
۷۷	موقعیت و حدود اربعه آسیا	طرز زنده گی آریایی‌ها	۱۷
۷۹	جھیل‌ها، بحیره‌ها و خلیج‌های آسیا	مهاجرت آریایی‌ها	۱۹
۸۱	اقلیم براعظم آسیا	مهاجرت به سمت شرق و غرب	۲۱
۸۳	لست کشورهای براعظم آسیا	مدنیت‌های آریایی‌ها	۲۳
	بخش تعلیمات مدنی	مدنیت اوستایی	۲۵
	فصل اول	هخامنشی‌ها	۲۷
۸۷	احتیاجات چیست؟	هجوم اسکندر مقدونی بر افغانستان	۲۹
۸۹	احتیاجات معنوی	موریاها	۳۱
۹۱	ضرورت به شناخت	ساکها	۳۳
۹۳	شناخت خود	دولت‌های مستقل یونان و باختری	۳۵
۹۵	شناخت طبیعت	مشخصات هنری و فرهنگی دوران یونان و باختری	۳۷
۹۷	شناخت خداوند (ج)	امپراتوری کوشانی‌ها	۳۹
۹۹	ضرورت به روابط و مناسبات اجتماعی	امپراتوری یفتلی‌ها	۴۱
۱۰۱	چرا به احترام ضرورت داریم؟	بخش جغرافیه	
	فصل دوم	فصل اول - مبادی جغرافیه	
۱۰۵	پیدایش و نقش خانواده	مفاهیم و اصطلاحات جغرافیائی	۴۳
۱۰۷	چرا به خانواده ضرورت داریم؟	خط استوا و مناطق اقلیمی	۴۵
۱۰۹	احساس مسؤولیت	قطب شمال و قطب جنوب زمین	۴۷
۱۱۱	همکاری	حرکات وضعی و انتقالی زمین	۴۹
۱۱۳	مشورت	فصل دوم - جغرافیای افغانستان	
۱۱۵	نظم در خانواده	موقعیت و حدود افغانستان	۵۱
۱۱۷	احترام متقابل در خانواده	اقلیم افغانستان	۵۳
۱۱۹	از خود گذری در خانواده	کوه‌های افغانستان	۵۵
۱۲۰	خلاصه فصل		

بخش تعلیمات مدنی

فصل اول

در این فصل درسهای ذیل را می خوانید:

- احتیاجات چیست؟
- احتیاجات مادی
- احتیاجات معنوی
- ضرورت به شناخت
- شناخت خود
- شناخت طبیعت
- شناخت خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ)
- ضرورت به روابط و مناسبات اجتماعی
- چرا به احترام ضرورت داریم؟
- خلاصه فصل

اهداف فصل

از شاگردان انتظار می‌رود که به اهداف زیر دست یابند:

- احتیاجات مادی را بشناسند.
- احتیاجات معنوی را بیان کنند.
- ضرورت شناخت را بدانند.
- مفهوم طبیعت را بدانند.
- خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) را بشناسند.
- ضرورت به روابط و مناسبات اجتماعی را بفهمند.
- ضرورت به احترام داشتن را بدانند.
- احتیاجات مادی و معنوی را مقایسه کرده بتوانند.
- مفهوم ضرورت به شناخت را بدانند.
- ضرورت به روابط و مناسبات اجتماعی را تفکیک کرده بتوانند؛
- ضرورت به احترام داشتن را توضیح کرده بتوانند.
- در راه برآورده ساختن احتیاجات عملاً سهم بگیرند.
- به حفظ طبیعت علاقه پیدا کنند.
- در برابر مردم روحیه همکاری در ایشان تقویه گردد.

اسلام دنیا را مزرعه آخرت میدانند، به دست آوردن مال مشروع را عبادت می‌شمارد و پیروانش را به استفاده از نعماتی که خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) برای انسان ارزانی فرموده، دعوت می‌کند تا از این طریق احتیاجات خویش را رفع نماید. در ارتباط به این مطلب در این درس به احتیاجات و انواع احتیاجات آشنا می‌شوید.



مباحثه کنید

ما انسانها محتاج هستیم و به اشیای ماحول خود؛ مانند: کوه ها، دریاها، جنگلات، حیوانات و نباتات نیاز داریم و با آنها در ارتباط هستیم. انواع فلزات را برای ساختن وسایل و لوازم مورد احتیاج خود، از معادن استخراج می‌نماییم؛ هدف ما از انجام دادن این فعالیت ها و کار ها چیست؟

احتیاجات چیست؟

احتیاج، عبارت از احساس یک کمبود، همراه با کوشش در جهت برطرف کردن آن است. چون انسان ها محتاج هستند. برای ادامه زنده گی خود، احتیاجات فراوان و گوناگون دارند و برای رفع این نیاز مندیها به همکاری انسانهای دیگر ضرورت دارند. این احتیاجات به دو نوع اند:

۱- احتیاجات مادی

۲- احتیاجات معنوی

* با همدیگر بحث نموده ضرورت های مهم درسی را فهرست کنید.

با احتیاجات مادی آشنا شوید

خداوند تعالی نعمات بی شماری را در خدمت انسان قرار داده و به این امر در جاهای مختلفی از

قرآن اشاره نموده است و از آن جمله در آیات (۱۰-۱۱) سورة النحل فرموده است:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ {۱۰} يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ {۱۱}

ترجمه: خداوند ذاتی است که از آسمان آب را فرود آورد که آب آشامیدنی خود تان و خوراکی رمة های تان از آن است، و به وسیله آن کشت زیتون و درختان خرما و انگور و از هر گونه محصولات دیگر برای شما می‌رویاند، یقیناً در اینها برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه بی است.

مهمترین ضرورت‌های مادی انسان؛ شامل: خوراک، پوشاک و سرپناه..... و غیره است. خداوند (جل جلاله) برای ما منابع و ذخایر فراوان در طبیعت قرار داده است. انسانها برای تأمین این نیازها در تلاش اند به سراغ کوه‌ها، جنگلات، نباتات و حیوانات بر آیند و با جهان خارج از خود رابطه برقرار کنند. انسانها بدون رفع این نیازمندی‌ها قادر به ادامه زنده‌گی نیستند. به طور؛ مثال: اگر آب به مقدار کافی به انسان نرسد، آب بدن انسان خشک می‌گردد؛ انسانها احتیاج به اکسیجن دارند. اگر چند دقیقه برای انسان اکسیجن نرسد، زنده نخواهد ماند. علاوه بر این وجود انسان احتیاج به انرژی دارد. این انرژی از طریق غذا‌های گوناگون به دست می‌آید. اگر برای مدتی غذا به انسان نرسد، ضعیف و بی حال می‌شود. وجود انسان به پروتین، ویتامین‌های مختلف و مواد معدنی ضرورت دارد. همچنان انسانها با استفاده از وسایل و مواد ساختمانی برای خود خانه می‌سازند؛ با استخراج انواع فلزات از معادن برای خود و جامعه وسایل رفع احتیاجات را آماده می‌کنند. از گوشت و پوست حیوانات و همچنان از نباتات خوراک‌های مختلف و پوشاک‌های گوناگون را آماده می‌سازند.

موادی که در طبیعت به آنها ضرورت داریم، گاهی به فراوانی در ماحول ما پیدا می‌شود؛ مانند: هوا و نور و گاهی نسبتاً کم یاب اند که برای تهیه آنها باید تلاش کرد تا آنها را به دست آورد؛ مانند: غذا، پوشاک و غیره. طبیعت مکان زنده‌گی انسان‌ها است. بنابر این ما همه مسئولیت داریم تا از آن من حیث نعمت خداوند (ج) به طور بهتر نگهداری نماییم. به خاطر رفع ضرورت‌های خود از آن استفاده معقول بعمل آوریم تا نسل‌های آینده نیز از آن بهره ببرند، زیرا آن‌ها نیز به طبیعت نیاز دارند.

✱ به نظر شما، علاوه بر آنچه که گفتیم، انسان چه ضرورت‌های جسمی دیگری دارد؟

مروری بر درس

- انسان موجود محتاج است.
- بعضی از احتیاجات مهم انسانها این است؛ مانند: خوراک، پوشاک، سرپناه و غیره.
- انسانها احتیاجات مادی خود را از طبیعت تأمین می‌کنند.
- از وظایف انسانها است که از منابع طبیعی به وجه معقول استفاده نمایند و در فکر آینده‌گان نیز باشند.

سوالات

- ۱- احتیاجات مادی شامل چه چیزها می‌شود؟ مثال بیاورید.
- ۲- کدام احتیاجات خود را توسط سعی و تلاش به دست می‌آوریم؟ بنگارید.
- ۳- کدام مواد در طبیعت به فراوانی پیدا می‌شود؟

کارخانه‌گی

در مورد استفاده معقول از طبیعت چند سطر بنگارید.

مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُقَيِّمَهُ فِي الدِّينِ وَيُلْهِمَهُ رُشْدَهُ. [حدیث شریف]

ترجمه: به هر کس که خداوند (جَلَّ جَلَّالُهُ) خیر را اراده کند آن کس را به علم دین ماهر گردانیده، راه راست را به وی الهام می کند.

در درس گذشته در مورد احتیاجات مادی آگاهی حاصل نمودید. در این درس با احتیاجات معنوی آشنا می شوید.

بحث نمایید

به نظر شما آیا انسان بر علاوه احتیاجات مادی احتیاجات دیگری نیز دارد؟



انسانها بر علاوه احتیاجات مادی، احتیاجات دیگری نیز دارند؛ مانند: شناخت خداوند (جَلَّ جَلَّالُهُ) و ارتباط با او، شناخت

خود، شناخت طبیعت، ضرورت ارتباط با دیگران، احساس امنیت، احساس مفید بودن، نیاز به مورد احترام قرار گرفتن، ضرورت به دانش، زیبایی و کمال و ضرورت به تفریح، این ها احتیاجاتی اند که به نام احتیاجات معنوی یاد میگردند.

در جوامع اسلامی که هم بخش معرفت و هم عمل انسان زیر پوشش دین قرار دارد، دین برای راهنمایی و تدبیر امور فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی تربیت و هدایت انسان ها، آمده است. زیرا دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای راهنمایی فرد و جامعه انسانی و تربیت انسان ها به طریق وحی از طرف شارع نازل شده است. به این ارتباط دینداری یکی از ضرورت های مبرم شخص مسلمان و جوامع اسلامی به شمار میرود، زیرا از طریق و برکت دینداری است که ما میتوانیم به شناخت خداوند (جَلَّ جَلَّالُهُ) شناخت خود، شناخت جهان و طبیعت دسترسی پیدا نماییم.

دینداری معتقد بودن و پابندی و التزام به دین است، یا به عبارۀ دیگر، دینداری عبارت از اعتقاد عقلی، تصدیق یا باور قلبی و التزام عملی است. دینداری انسان را به فداکاری در راه

دین آماده می‌سازد؛ هم چنان دینداری انسان ساز است که انسان را در بخش علم و عمل و در تمام بخشهای زنده‌گی فردی و اجتماعی، معنوی، دنیوی و اخروی تربیت می‌کند و او را دیندار، آگاه و معتقد می‌سازد. در این صورت ارتقا و سعادت او را تضمین می‌کند.

* با همکاری همصنفان خود، ده ضرورت معنوی را فهرست کرده به شاگردان بیان دارید.

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- احتیاجات معنوی کدام ها اند؟ چند مورد آنرا نام بگیرید.
- ۲- دین را تعریف نمایید.
- ۳- دینداری در رفع نیازهای علمی، روحی، عملی و اجتماعی انسان ها چه نقش دارد؟

کارخانه‌گی

- خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) در قرآن کریم می‌فرماید:
- يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر، آیه ۱۵).
- با کمک معلم علوم دینی یا ملا امام مسجد، فعالیت های ذیل را انجام دهید.
- ۱- معنای آیه شریفه را بنویسید.
 - ۲- این آیه چه ارتباطی با احتیاجات مادی و معنوی انسان دارد؟
 - ۳- نتیجه را در کتابچه خود یادداشت نموده و در صنف بیان کنید.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ [سوره فاطر: ۱۹]

ترجمه: (نابینا و بینا با هم برابر نیستند)

در درس گذشته آموختیم که انسانها علاوه بر احتیاجات مادی، احتیاجات دیگری نیز دارند که به نام احتیاجات معنوی یاد می گردد، این احتیاجات معنوی همانند احتیاجات مادی انسان مختلف هستند؛ مثلاً: انسان با تمام وجود نیاز به دینداری، معنویت و خدا جویی دارد و با سپاسگزاری از نعمات خداوندی احساس خوشی می نماید و در عین حال به شناخت و آگاهی ضرورت مبرم دارد که بدون آن نمی تواند بسوی هدایت راه یابد. حتی قرآن کریم انسان آگاه و عالم را به بینا و شنوا تشبیه می کند، ولی انسان جاهل و نادان را به کور و کر. این خود اهمیت آگاهی و شناخت را به اثبات می رساند. در این درس به ضرورت شناخت آشنا می شوید.

مباحثه کنید

یکی از تفاوت های اساسی انسان و حیوان این است که انسان موجود آگاه است، پس ما به عنوان انسان، ضرورت به شناخت و آگاهی داریم؛ خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) می فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ (سوره اسراء: ۳۶)

ترجمه: دنبال چیزی که آنرا نمی دانی مرو.

اهمیت شناخت؟

یکی از امتیازات مهم انسان ها نسبت به موجودات دیگر این است که انسان دارای عقل، شعور و فهم است که توسط این نیروهای خداداد، به شناخت اشیا و ماحول خود می پردازد.

وسایل شناخت

۱- حواس پنج گانه

یکی از وسایل شناخت، حواس پنج گانه است. انسان زمانی که تولد می شود هیچ چیز را نمی داند. آهسته آهسته با استفاده از حواس پنج گانه، مانند: حس باصره، حس سامعه، حس لامسه، حس ذایقه، حس شامه به اشیا و محیط ماحول خود آشنایی و شناخت پیدا می کند؛ مثلاً: انسان توسط حس باصره اشیا را می بیند، توسط حس ذایقه، مزه غذا ها را تشخیص می دهد، توسط حس سامعه آواز های گوناگون را می شنود توسط حس لامسه اشیا را لمس و تشخیص می دهد. توسط حس شامه، بوهای مختلف را فرق کرده می تواند. به نظر شما:

* اگر حس باصره از بین رود آیا ما قادر به شناخت اشیا به صورت درست شده می‌توانیم؟

۲- عقل

یکی دیگر از وسایل شناخت، عقل است که با استفاده از آن می‌توانیم با مفاهیمی از قبیل: ریاضی، کیمیا و مسایل دینی، منطقی و فلسفی آگاهی حاصل نماییم. شناخت و آگاهی کافی سبب می‌شود که انسان دنیا را با چشم باز تری ببیند و بشناسد و از اندیشه سالم برخوردار شود. شناخت و آگاهی باعث می‌شود تا آدمی همیشه بیشتر از حوادث و جریانات آگاهی داشته باشد. فایده شناخت این است که اگر ما شناخت درست داشته باشیم، می‌توانیم حق را از باطل، تفکیک نماییم؛ در غیر آن باطل را حق و حق را باطل خواهیم ساخت؛ بنابراین، بر همه ما لازم است که اولاً برای تشخیص موضوع بکوشیم و بعداً با رعایت اصل شناخت، به کار دلخواه خود اقدام نماییم. آنچه را نمی‌شناسیم در باره آن سخن نگوییم و آنچه به ما مربوط نمی‌شود، از آن دوری گزینیم.

* با استفاده از عقل با کدام مسایل، شناخت حاصل می‌نماییم؟ آن را فهرست کنید.

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- راجع به اهمیت شناخت مختصراً معلومات دهید.
- ۲- انسانها چگونه می‌توانند با اشیا شناخت پیدا کنند؟
- ۳- چگونه ما با استفاده از عقل به اشیا شناخت پیدا کرده می‌توانیم؟

کارخانه‌گی

در مورد فایده شناخت چهار سطر بنگارید.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ [التين: ٤]

ترجمه: ما انسان را (از نظر جسم و روح) در بهترین شکل و زیبایا ترین سیما آفریده ایم.

در درس قبلی گفتیم که خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) به انسانها شعور و فهم داده که به کمک حواس پنج گانه و عقل، اشیا و پدیده ها را می شناسند و به آن شناخت پیدا می کنند. پس لازم است از خلال این درس خود را بشناسیم تا خصوصیات خویش را تشخیص و درک نماییم که چگونه خداوند متعال ما را در احسن تقویم آفریده است؟

مباحثه کنید

• ما کیستیم؟

• برای چه آفریده شده ایم؟

ما باید خود را بشناسیم که کی هستیم؟ خداوند تبارک و تعالی ما را از پدر و مادر و با صورت زیبا و سیرت شایسته و نیکو آفرید.

هدف خلقت انسان، عبادت و معرفت خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) است، حضرت پیامبر ﷺ می فرماید: (مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ) ^(۱)

ترجمه: کسی که خود را شناخت، خدا را شناخت.

و این معرفت مربوط است به معرفت نفس و خود شناسی.

خود شناسی، انسان را به یک سلسله حقایق بزرگ جهان آفرینش، حقوق، تکالیف شخصی و حیات اجتماعی آگاه می سازد.

اگر کسی خودش را نشناسد و از عیوب و ضعف های خود و توانمندی های بالقوه نفس خود آگاهی نداشته باشد، هرگز به دنبال خود سازی، کمالات انسانی نخواهد رفت، انسان با خود شناسی، خود را ارزیابی می کند. خصلت های نا روا را از خود دور می کند و در صدد تقویت جنبه های مثبت خود می برآید.

*** آیا تا به حال در باره ضعف های خود فکر جدی کرده اید؟**

خود شناسی زیر بنای سعادت آدمی در همه جنبه های مادی و معنوی زنده گی است. انسان در پرتو خود شناسی، به نیاز های درونی و بیرونی خویش پی می برد و عواملی را که

(۱) شرح جامع الصغیر صفحه (۱۰۰۱)

باعث تعالی و ارتقای شخصیت وی می‌شود. تشخیص می‌دهد. در نتیجه، وظیفه شناس می‌گردد و به پاکی و نیکی می‌گراید و سرانجام به کمالیکه لایق مقام انسان است نایل می‌گردد. خلاصه خود شناسی به ما کمک می‌کند که ما چه توانایی‌ها و چه ضعف‌هایی داریم، ما با شناخت نقاط قوت و ضعف خود می‌توانیم خود را ارزیابی نموده و اخلاق و رفتار خود را اصلاح نماییم و به حقوق پروردگار منعم حقیقی و مسئولیت‌های خود آگاه شویم. و با استفاده از این آگاهی به فضایل روحانی و ارتقای معنوی برسیم و به حیث بنده صالح خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) و عضو مفید جامعه خود مراحل مختلف زنده‌گی را به ادای حقوق خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) و هموطنان و همشهریان خود موفقانه سپری نماییم، همیشه ضمیر خود را شاد و راضی نگهداریم تا مردم اطراف ما نیز از طرز حرکت، کردار و گفتار ما مستفید گردند.

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- حدیث شریف را که در مورد خود شناسی خوانده اید با ترجمه آن بیان دارید.
- ۲- خودشناسی انسان را به کدام موضوعات واقف می‌سازد؟ معلومات دهید.
- ۳- خود شناسی به ما چه کمک می‌کند؟

کارخانه‌گی

به همکاری اعضای خانواده سه مورد بر علاوه مواردیکه در درس خواندید در باره اهمیت خود شناسی را در کتابچه‌های خود بنویسید و در صنف بخوانید.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ [سوره ال عمران ۱۹۰]
ترجمه: به درستی در آفرینش آسمان ها و زمین و درآمد و رفت شب و روز برای خرد مندان نشانه هایی آشکار است.

در درس گذشته آموختیم که انسان با خود شناسی خود را ارزیابی می کند و خصلت های ناجایز و بد را از خود دور می سازد. و در پی تقویت جنبه های مثبت زنده گی خود می برآید باید توجه داشت که خود شناسی بدون شناخت طبیعت تکمیل نمی گردد در این درس به شناخت طبیعت آشنا می گردیم.

مباحثه کنید

- مابه شناخت طبیعت چه ضرورت داریم؟ خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) آنرا برای چه آفریده است؟
- اگر از منابع و ذخایر طبیعی به صورت درست و مناسب استفاده ننماییم چه عواقب خواهد داشت؟

طبیعت عبارتست از تمام هستی از قبیل زمین، آسمان، کوه ها، درختها، دریاها، جنگلات و دیگر اشیاییکه در دور وبر و اطرف ما وجود دارند. طبیعت را خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) برای زیستن و استفاده انسان خلق و مسخر کرده است.

همه پدیده های طبیعی با قانونمندی خاصی عمل نموده و در میان آنها هماهنگی عجیب و شگفت انگیزی وجود دارد. همه پدیده های طبیعی تابع و فرمانبردار خداوند قادر و حکیم (جَلَّ جَلَالُهُ) بوده به امر و حکم او تعالی و مطابق با قوانینی حرکت می کنند که خالق و آفریده گار در طبیعت به ودیعه گذاشته است. این قوانین به نام سنن تکوینی خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) یاد می شود.

کشف اسرار طبیعت و پی بردن به قوانین و سنن تکوینی خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) در موجودات طبیعی وظیفه و موضوع علم ساینس است. علومی؛ چون: فیزیک، کیمیا، بیولوژی، ستاره شناسی، جیولوژی، طب، بخشهایی از انجینری و غیره با طبیعت و پدیده های طبیعی سر و کار دارند.

پی بردن به اسرار طبیعت و آگاهی از سنن تکوینی خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) در طبیعت، یکی از واضحترین و آسانترین راه های شناخت و معرفت خالق و پروردگار است.

پیشرفت و ترقی که در ساحات مختلف علم و دانش و ساینس و تکنولوژی نصیب بشر شده است، همه نتیجه کشف اسرار و قوانین طبیعت از طریق تحقیق و مطالعه در پدیده های طبیعی می باشد.

مسلمانان با پیروی از اوامر خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) و ارشادات پیامبر اکرم ﷺ در حصول علم و دانش و انجام تحقیقات علمی در پدیده های طبیعی و عرصه های اکتشافات و اختراعات چنان کار نامه های بزرگی انجام داده اند که تاریخ بشریت به آن افتخار می کند.

* با همکاری همصنفان خود در باره سنن تکوینی خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) چند سطر تحریر و در صنف بخوانید.

مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

.....

سؤالات

- ۱- طبیعت چیست؟
- ۲- همه پدیده های طبیعی تابع امر کیست؟ و مطابق به کدام قوانین حرکت می کنند؟
- ۳- تحقیق در باره کشف اسرار طبیعت وظیفه کدام علوم است؟

کارخانه گی

اینکه تحقیق در باره اسرار طبیعت در شناخت خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) چگونه کمک می کند چهار سطر بنویسید.

شناخت خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ)

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ [سوره فصلت: ۵۳]

ترجمه: ما قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بنده گان کاملاً هویدا و روشن می گردانیم تا برای آنها معلوم شود که این قرآن حق است.

برگ درختان سبز از نظر هوشیار هرورقش دفتریست معرفت کردگار



ما در درس گذشته در مورد شناخت طبیعت بحث کردیم، ولی هر که طبیعت را درست بشناسد باید به شناخت آفریدگار آن نیز رهیاب شود؛ زیرا که خداوند متعال است که طبیعت و خصایص آن را خلق کرده است. این درک ما را در شناخت بهتر اوتعالی کمک خواهد کرد. در این درس با شناخت خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) آشنا می شوید.

مباحثه کنید

- ۱- شاگردان عزیز! آیا در باره بزرگی کاینات و جهانی که ما در آن زنده گی می کنیم، گاهی فکر کرده اید؟
 - ۲- بزرگترین چیزی را که تاکنون دیده اید و یا در ذهن تان خطور نموده چیست؟ درین مورد خوب فکر تان را به کار انداخته و دقت کنید.
- شاید بعضی از شما فکر کند شهری که در آن زنده گی دارد، بزرگترین شهر خواهد بود و بعضی دیگر که با مناطق دُور سفر کرده اند، گمان خواهند کرد که جاهای را که دیده اند شاید پهناور ترین جاهای دنیا باشند.
- بدون شک وضع کره زمین در میان کاینات و پهنای هستی، مانند: یک ذره کوچک در یک فضای پراز غبار است، که کوچکی زمین را با همه بزرگی آن، و بزرگی و وسعت حیرت آور کاینات را به نمایش می گذارد.
- شاید با این مثال، بزرگی شگفت انگیز جهان هستی برای تان واضح شده باشد. زمین، آفتاب، مهتاب، ستاره ها، آسمانها، انسانها، آب، درختها، گلها، حیوانات، پرندگان، حشرات و هر چیزی را که در طبیعت و دور و پیش خود می بینیم از کجا و چه گونه پیدا شده اند؟
- آیا می دانید که اجرام سماوی بزرگ در کنار کره زمین و آفتاب و مهتاب در فضای پهناور و وسیعی چنان در حرکت اند، که گویی آب بازی می کنند؟
- و آیا می دانید که وجود و حرکت این اجرام بزرگ مطابق نظم و قانون شگفت انگیزی صورت

می‌گیرد که اندک‌ترین خلل و پراکنده‌گی در آن وجود ندارد؟
کاینات با این عظمت و جهانی با این همه دقت و نظم شگفت‌انگیز، خالق و آفریده
گاری دارد که با قدرت بی‌پایان و علم بی‌کرانش، همه چیز را آفریده است.

بعضی نشانه‌های قدرت خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ)

طبیعت و کاینات مملو از نشانه‌های قدرت مطلق و علم بی‌کران خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) است،
مشاهده و تفکر در پدیده‌های هستی و پی بردن به اسرار خلقت، بهترین راه معرفت و شناخت
خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) و تقویت ایمان می‌باشد. از همین سبب است که خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) در قرآن
کریم بار بار انسانها را به نظر کردن، تفکر، تدبر و اندیشیدن در طبیعت و کاینات امر نموده و آنها
را به مطالعه و کشف اسرار پدیده‌های طبیعت و هستی فرا می‌خواند.

هر چند انسان در دنیا خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) را دیده نمی‌تواند؛ زیرا توانایی و قابلیت این کار را
ندارد، ولی شناخت خداوند یگانه و یکتا از طریق درک آثار و علایم قدرت او تعالی و معرفت
نامها و صفات او ممکن می‌باشد.

اسمای خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) و صفات او در قرآن کریم و احادیث پیامبر ﷺ ذکر شده است که
تفصیلات آن را در کتابهای عقاید می‌توان یافت.

معرفت و شناخت خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) مستلزم فرمانبرداری و اطاعت از آن ذات کریم و رحمن
است. انسانی که خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) را شناخت باید خودش را در تمام گفتار و کردار تابع و
فرمانبردار قانون و نظام او یعنی دین اسلام ساخته و از گناه و سرکشی اجتناب نماید.

* چرا خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) بار بار انسان را به نظر کردن، تفکر، تدبر و اندیشیدن بر کاینات امر
کرده است؟

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- راه پی بردن به اسرار خلقت و شناخت خداوند چیست؟
- ۲- فواید شناخت خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) چه است؟ واضح سازید.
- ۳- آیا می‌توانید چند اثر از آثار قدرت خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) را نام بگیرید؟

کارخانه‌گی

با کمک والدین خود مفهوم شعر حضرت سعدی (ع) را در چهار سطر بنویسید.

در درس گذشته آموختیم که شناخت خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) مستلزم فرمانبرداری از آن ذات کریم و رحمان است. انسانی که خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) را شناخت، باید خود را در تمام گفتارها و



کردارها تابع و فرمانبردار قانون و نظام او یعنی دین اسلام ساخته و از گناه و سرکشی اجتناب نماید. در این درس به ضرورت روابط و مناسبات اجتماعی آشنا می‌شویم.

مباحثه کنید

ارتباط چیست؟

آیا بدون ارتباط دیگران می‌توانیم به حیات خود طوریکه لازم است ادامه بدهیم؟

ارتباط از نظر لغوی پیوند دادن است. مفهوم ارتباط به معنای عام عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر. اکنون شما در مورد معنا و مفهوم ارتباط معلومات حاصل نمودید، لازم است که ضرورت ارتباط با دیگران را بدانید.

* با همصنفان خود بحث نموده و به این سؤال پاسخ دهید:

ارتباط تان با همسایه گان و همصنفان تان چطور است؟

انسان ها موجودات اجتماعی اند که به تنهایی زنده گی کرده نمی‌توانند. ضرورت های زنده گی اکثراً احتیاجات اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و سیاسی است که به همکاری با دیگران رفع می گردد. ما از سویی برای رفع ضرورت های مادی خود نیاز به هم فکری و همکاری دیگران داریم و از سوی دیگر برای تأمین ضرورت های عاطفی؛ مانند: محبت، صمیمیت، آرامش روحی خود ضرورت داریم تا با دیگران ارتباط داشته باشیم؛ در

خوشی های دیگران شرکت و در اندوه و مصیبت دیگران سهم بگیریم، تا آنها غصه و غم خود را نه فهمند و احساس تنهایی نکنند؛ زیرا پیامبر بزرگ اسلام ﷺ فرموده است: «حالت مؤمنان از نظر محبت، مهربانی، و عطوفت؛ مانند: یک جسم است، که هر گاه عضوی از اعضای آن به درد آید همه وجود آدمی احساس درد و ناآرامی می نماید» (صحیح البخاری).

انسانها با یک دیگر روابط گوناگون دارند. و هر کدام کاری را در جامعه انجام می دهند. به این ترتیب باید با همدیگر همکاری کنند تا بتوانند ضرورت یک دیگر را رفع نمایند و بدون وجود انسانها با مشکلات روبه رو می شوند. خداوند متعال می فرماید:

(وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ) [سوره مایده: ۲]

ترجمه: در کارهای نیک و خیر با همدیگر همکاری کنید و در کارهای گناه و سرکشی همراهی هیچ کس همکاری نکنید. بنابراین: بر همه ما لازم است که با پدر، مادر، برادران، خواهران، اقارب، دوستان، رفقا، و خویشاوندان و هموطنان روابط حسنه و دوستانه داشته باشیم، تا در صلح و آرامی بسر ببریم. ما نمی توانیم در انزوا و دور از سایر انسانها زنده گی کنیم.

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- ارتباط، کدام معنا را افاده می کند؟
- ۲- انسان ها چرا با یک دیگر ارتباط دارند؟
- ۳- انسان ها با یک دیگر چگونه روابط دارند. بیان دارید؟

کارخانه گی

فواید روابط حسنه را در سه سطر بنگارید.

چرا به احترام ضرورت داریم؟

دردرس گذشته آموختید که انسانها موجودات اجتماعی اند. ضرورت به برقراری روابط اجتماعی با همدیگر دارند. ما از یک سو، برای رفع احتیاجات مادی خود ضرورت به هم فکری و همکاری دیگران داریم و از سوی دیگر از لحاظ عاطفی ضرورت داریم که با دیگران ارتباط داشته باشیم. در این درس می‌خوانیم که انسان را خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) اکرام کرده است از اینرو به احترام کردن طبعاً خوش می‌شود.

مباحثه کنید

۱- اگر به یک انسان احترام گذاشته نه شود، به وی چه احساس رخ خواهد داد؟

۲- آیا احترام گذاشتن از خود حد و اندازه بی دارد؟

ضرورت به احترام، منزلت، عزت نفس، حفظ آبرو و قدرشناسی موجب می‌شود که انسان‌ها از توهین و توبیخ آزاده و از تشویق و تمجید خوشحال شوند. هم چنین ضرورت فطری به احترام، میتواند نظر به شرایط متفاوت فرهنگی و اجتماعی فرق داشته باشد. به این معنا که به هر اندازه که عزت نفس در طفولیت بیشتر صدمه ببیند و انسان سرزنش شود، میل او به کسب احترام بیشتر می‌گردد.

از طرف دیگر اگر به انسانها از طفولیت احترام زیاد گذاشته شود؛ مثلاً: به طفل ۵ یا ۷ ساله بگوییم، آقای احمد بفرماید و یا لطفاً اینجا بیایید، ضرورت به احترام آنها افزایش می‌یابد؛ مانند: کسی که به غذا های خوب عادت کرده باشد و گرسنه گی نه دیده باشد، همیشه خواهش غذا های باز هم خوبتر را می‌نماید که این ضرورت از حد و اندازه بیشتر است. بنابراین اندازه رفع ضرورت‌ها در انسان‌ها چه در اطفال، چه در افراد بالغ باید فقط در حد ضرورت باشد، یعنی در جامعه ضرورت به احترام متقابل باشد. به افراد به خصوص اطفال نه باید آنقدر بی احترامی کرد و نه هم زیاد احترام گذاشت. باید با آنها به طوعرادی رفتار کرد. اگر فرزندان نازدانه که در خانواده همیشه به آنها بیش از حد احترام گذاشته شده، وارد جامعه شوند، با توهین‌ها و بی احترامی‌ها مواجه گردیده، شخصیت شان خورد و ناکام شده و توان هر فعالیت ازایشان سلب می‌شود. هم چنین این موضوع در مورد ضرورت های مادی نیز صدق می‌کند؛ مثلاً: شخصی که گرسنه گی و مشکلات زنده گی را ندیده باشد، در موقع بحرانی از پا می‌افتد.

دیده میشود که تأثیر ضرورت به احترام و عزت نفس، حفظ آبرو و منزلت بسیار قویتر از ضرورت های مادی است؛ مثلاً: برای فردی مسلمان دفاع از عقیده، ناموس، و عزت مهمتر از حفظ جان او است.

ضرورت به احترام در جریان زنده گی روز مره نیز دیده می‌شود؛ مثلاً فردی شاید شکم سیر نان نخورد؛ اما برای بچه های خود لباس خوب تهیه نماید، شاید. خودش به بدترین وضع زنده گی کند؛ اما وقتی مهمان بیاید، از وی با غذا و میوه های که هرگز خودش و فامیلش نخورده است، پذیرایی کند و غیره.

طوری‌که گفته شد رفع احتیاجات در انسان‌ها به حد ضرورت باشد؛ یعنی ضرورت داشتن احترام به دیگران در جامعه متعادل باشد. انسان نه باید توهین و تحقیر شود. به او باید احترام قایل بود. و هم

چنان نه باید احترام کردن به یک انسان به اندازه باشد که از حد خود بگذرد و سبب غرور وی گردد. خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) در قرآن می‌فرماید: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (بقره ۱۴۳)

ترجمه: (و همین گونه شما را امت میانه و وسط قرار دادیم تا امت نمونه در برابر مردم باشید و پیامبر ﷺ هم فردی نمونه‌ی در برابر شما باشد)

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم؛ طوری که ما به مردم احترام می‌گذاریم همین طور ما هم به احترام ضرورت داریم.

* با همصنفان خود در باره حد و اندازه احترام گذاشتن بحث نمایید.

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- در چه شرایطی ضرورت به احترام، بیشتر می‌شود؟
- ۲- چرا با توهین و توییخ آزرده و با تشویق و تمجید خوشحال می‌شویم؟
- ۳- طفل نازدانه در زنده گی آینده خود به چه مشکلات مواجه می‌گردد؟

کارخانه گی

در باره ضرورت به احترام چند سطر بنویسید.

خلاصه فصل اول

- احتیاجات، عبارت از احساس یک کمبود همراه با کوشش در جهت برطرف کردن آن است.
- احتیاجات مادی؛ شامل: غذا، آشامیدن، پوشاک، سرپناه و غیره است.
- احتیاجات معنوی انواع گوناگون دارد؛ به طور مثال: احتیاج به شناخت خداوند (جَلَّ جَلَّالَهُ) و ارتباط با او، احساس امنیت، احساس مفید بودن، محبت کردن و غیره.
- طبیعت عبارت است از زمین، آسمان، کوه، درخت، دریا، جنگل و دیگر اشیایی که در دور و بر و اطراف ما وجود دارند.
- انسان ها با یک دیگر روابط گوناگون دارند و هر کدام کاری را در جامعه انجام می‌دهند. پس باید با هم دیگر کمک کنیم تا بتوانیم ضرورت های یکدیگر را رفع سازیم.

فصل دوم

خانواده

- پیدایش و نقش خانواده
- ما چرا به خانواده ضرورت داریم؟
- احساس مسؤولیت در خانواده
- احساس همکاری در خانواده
- مشورت در خانواده
- نظم در خانواده
- احترام متقابل در خانواده
- خود گذری در خانواده

اهداف فصل

از شاگردان انتظار می‌رود که به اهداف زیر دست یابند:

- شاگردان مفاهیم پیدایش و نقش خانواده را بدانند؛
- شاگردان احساس مسئولیت، همکاری و مشورت را در خانواده بفهمند؛
- شاگردان نظم و احترام متقابل را در خانواده بفهمند.
- شاگردان خود گذری را در خانواده بدانند؛
- شاگردان پیدایش و نقش خانواده را درک کرده بتوانند؛
- شاگردان ضرورت خانواده را فهمیده بتوانند؛
- شاگردان احساس مسئولیت و همکاری را تفکیک کرده بتوانند؛
- شاگردان احساس مسئولیت، مشورت و نظم را فرق کرده بتوانند؛
- شاگردان احترام متقابل را با خود گذری در خانواده مقایسه کرده بتوانند.
- شاگردان به مفاهیم پیدایش و نقش خانواده دلچسپی حاصل نمایند.
- شاگردان نگرش خوب به مسئولیت، همکاری و مشورت در خانواده پیدا کنند؛
- شاگردان علاقه به نظم و احساس مسئولیت به خانواده حاصل نمایند؛
- شاگردان ذهنیت مثبت به خود گذری در خانواده و جامعه پیدا کنند؛

در درس گذشته دانستیم که ضرورت به احترام، منزلت، عزت نفس، حفظ آبرو و قدر شناسی موجب می‌شود که انسانها از توهین و توییح آزرده و از تشویق و تمجید خوشحال شوند. در این درس با پیدایش و نقش خانواده آشنا می‌شویم.

مباحثه کنید

- هریکی ما عضو یک خانواده هستیم. خانواده چگونه تشکیل می‌شود؟
 - خانواده کدام ضرورت های ما را برطرف می‌سازد؟
- هر گاه از شما سؤال گردد که نخستین اشخاص را که در زنده گی خود شناخته اید نام ببرید، جواب شما چه خواهد بود؟ فوراً می‌گویید، مادر، پدر، خواهران، برادران، اولین کسانی اند که شما آنها را شناخته اید و به آنها علاقه مند شده اید. شما و آنها یک گروه هستید و این گروه، خانواده نام دارد.
- خانواده با ازدواج مرد و زن تشکیل می‌شود با تولد فرزندان تعداد افراد خانواده زیاد می‌گردد و به خوشی و شادمانی آنها افزوده می‌شود. خانواده وسیله پیوند اجتماعی بوده که اساس جامعه را تشکیل می‌دهد و از مهم ترین و اساسی ترین عنصر جامعه به شمار میرود که در همه جوامع پذیرفته شده و انکشاف و توسعه یافته است.
- اکثر نوجوانان ما در خانواده خود در کمال آرامش و آسایش با پدر و مادر و سایر اعضای خانواده خود زنده گی می‌کنند. آیا فکر کرده اید که همه نوجوانان هم سن شما با اعضای خانواده خود زنده گی می‌کنند؟

نقش خانواده در زنده گی

اولین زمینه ساز اجتماعی کردن افراد، خانواده می‌باشد. طفل زمانی که متولد می‌گردد، سخن گفتن، راه رفتن، آداب و شیوه زنده گی کردن را در خانواده خود فرا می‌گیرد و به تعقیب آن آداب و رفتار دیگران را می‌آموزد. بنابراین، خانواده اطفال را برای زنده گی کردن در جامعه تربیت و آماده می‌سازد. خانواده بهترین آموزشگاه است که کودک، دین، زبان، اخلاق نیکو، ایمانداری، مهربانی، لطف، گذشت و لبخند را در آن می‌آموزد.

* اطفال کدام موضوعات را از خانواده می‌آموزند.

چرا دین اسلام به خانواده اهمیت زیاد داده است؟

اسلام خانواده را مهم ترین و اساسی ترین واحد اجتماعی می داند که بنای آن بر الفت، محبت، رواداری، همدلی و همکاری استوار بوده و این بنا محبوبترین بناها در پیش گاه خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) است. اسلام زنده گی خانواده را بر مبنای حقوق و مسؤولیت پی ریزی می کند و در آن وظیفه هر یک از اعضا، معلوم و مشخص است. اسلام قایل است که اصلاحات از خانواده شروع گردد و زن و شوهر مسلمان باید بقای حیات اجتماعی خود را در خانواده پی ریزی نماید. کودکی که در خانواده از تربیت، محبت و اخلاق خوب بهره مند شود، در آینده فردی مفید و وظیفه شناس خواهد شد. به همین دلیل، دین اسلام به خانواده اهمیت زیادی داده است. خانواده اعضای خود را از لحاظ اقتصادی حمایت و پشتیبانی می کند. غذا، پوشاک، مصارف تحصیل و سایر نیازهای مادی آنها را تأمین می کند. هم چنان با محبت و صمیمیت ضروریات عاطفی آنها را بر آورده می سازد. اسلام جهت استحکام پایه های خانواده، پیروان خود را بعد از عبادت خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) و دوری از شرک، به نیکویی با والدین دستور می دهد، همانگونه که تربیت سالم فرزندان را بر والدین شان الزامی ساخته است.

* خانواده ضرورت های زنده گی اعضای فامیل خود را از کدام منابع تأمین می کند؟

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- خانواده را تعریف کنید.
- ۲- دولت اطفالی را که پدر و مادر خود را از دست داده اند، در کجا نگهداری می کند؟
- ۳- خانواده، کدام نیازهای طفل را تأمین می کند؟

کارخانه گی

فرزندان چه وظایفی در مقابل خانواده دارند؟ با کمک والدین سه سطر بنگارید.

چرا به خانواده ضرورت داریم؟

در درس گذشته آموختیم که خانواده تهداب پیوند اجتماعی است که اساس جامعه را تشکیل می‌دهد و مسئولیت دارد تا اعضای خانواده را از لحاظ اقتصادی، عاطفی و تربیتی مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد، در این درس به

موضوع (ما چرا به خانواده ضرورت

داریم؟) آشنا می‌شویم.

مباحثه کنید

- اگر خانواده وجود نمی‌داشت، ما چگونه زنده گی می‌کردیم؟
- انسان موجود محتاج است. یکی از نیازهای مهم بشر این است که نمی‌تواند بدون دیگران زنده گی کند؛ انسان وقتی که تولد می‌شود ضرورت به خانواده دارد، و



نمی‌تواند بدون خانواده و دیگران زنده گی کند وقتی که طفل بزرگ شد، بازهم پدر و مادر، غذا، لباس، مسکن، تعلیم، تربیت و امنیت او را فراهم می‌سازند تا به مکتب برود و درس بخواند. خواهران و برادران بزرگ و سایر اعضای بزرگ خانواده هر کدام به سهم خود او را در درس و کارهای شخصی همکاری می‌نمایند.

خانواده یک نهادی است که ضرورت آن شرعاً و عقلاً قابل درک است. تشکیل خانواده خدمتی است به زن و مرد که برای حیات مشترک پیوند برقرار کرده و خدمتی است به اجتماع، از نظر دور داشتن آن از عوامل فساد و ایجاد احساس مسئولیت به کودک است که ضرورت به معلم و مربی صالح دارد.

بررسی کنید

- قبلاً گفتیم که خانواده از زمان تولد فرزندان، از آنها مراقبت می‌کند و برای اعضای خانواده خود غذا، لباس و مسکن آماده می‌کند. به نظر شما.
- آیا این مراقبت‌ها تنها به دوران کودکی محدود می‌گردد؟
 - خانواده چه کارهای دیگر را برای اعضای خود انجام می‌دهد؟
- وقتی طفل تولد گردید، سخن گفتن، راه رفتن، آداب و شیوه زنده گی کردن، طرز برخورد

با مردم را نمی‌داند به تدریج که بزرگ شد، از پدر و مادر و سایر اعضای خانواده آنرا می‌آموزد.

خانواده میتواند سرچشمهٔ سعادت، اطمینان و امنیت و آسایش و بهترین پناه گاه انسان هنگام رنج و سختی و ناکامی باشد. خانواده میتواند انسان را در مقابل انحرافات و کجروی‌ها و گمراهی‌های موجود در جامعه بیمه نماید به شرط اینکه فرد فرد افراد آن معتقد به نیروی ایمان بر پروردگار و احترام و اعتماد و محبت به یکدیگر و تعلیم و تربیت و آموختن مسایل ارزشمند اخلاقی باشد. اگر خانواده وجود نداشته باشد، کودکان به صورت صحیح و نور مال تربیت نخواهند شد. تجارب و تحقیقات نشان داده است، کودکانی که در آغوش خانواده تربیت یافته اند. از کودکانی که در آغوش دایه و یا پرورشگاه تربیت شده اند از روحیهٔ بشاش، روان آرام و شخصیت کاملتری برخوردار بوده اند. از اینجا نقش و ضرورت خانواده بیشتر از پیش احساس می‌شود.

* به نظر شما، مادر کدام ضرورت‌های زنده‌گی شما را رفع می‌نماید؟

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- انسان چرا به خانواده ضرورت دارد؟
- ۲- خانواده کدام احتیاجات اطفال را تأمین می‌کند؟
- ۳- خانواده کدام چیزها را به اطفال می‌آموزاند؟

کارخانه‌گی

به نظر شما فرزندان چه وظایفی در مقابل خانواده دارند؟ در این باره با چند تن از هم صنفان خود صحبت نموده نتیجه را در سه سطر تحریر و روز بعد به هم صنفان خود در صنف بیان دارید.

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ [بخاری]

حضرت پیامبر ﷺ می فرماید: همه شما سرپرست بوده و مسؤول زیر دستان و رعیت خود هستید. در درس گذشته آموختیم، طفل وقتی که تولد می شود، ضرورت به خانواده دارد و نمی تواند بدون خانواده و سرپرستی والدین زنده گی کند. زیرا خانواده وسایل مادی و معنوی مورد ضرورت وی را فراهم می سازد. در این درس به درک احساس مسؤولیت در خانواده آشنا می شویم.

مباحثه کنید

اگر کاری از جانب مادر و پدرتان به شما سپرده شود، آنرا انجام می دهید یا خیر؟ اگر جواب شما مثبت باشد، دلیل بیاورید. شما در خانواده خود وظایف مختلفی را به عهده دارید و آن را انجام می دهید. فردی که انجام دادن یک کار را به عهده می گیرد، باید آن را با شوق و دلسوزی به صورت درست و به موقع انجام دهد، به آن احساس مسؤولیت می گویند. احساس مسؤولیت به این معناست که فرد نسبت به کاری که به عهده گرفته است، علاقه مند باشد و آن کار را به خوبی، دلسوزی و به صورت صحیح و به موقع انجام دهد.

مسؤولیتی را که به عهده می گیرید، فراموش نکنید که آن را به علاقه و محبت و به موقع انجام دهید، حتی اگر دوستانتان در زمان اجرای کار، شما را به بازی فوتبال، والیبال دعوت کند، از آنها نسبت مسؤولیتی که قبول کرده اید، تا انجام دادن کار معذرت بخواهید. هرگاه کاری به عهده یکی از اعضای خانواده گذاشته شود و آن را به موقع انجام ندهد، این عمل وی باعث نارضایتی و ناخشنودی خانواده می گردد و امکان دارد که صمیمیت و محبتی که در خانواده ایجاد شده، از بین برود.

با خصوصیات فرد مسؤول آشنا شوید

از خصوصیات فرد مسؤول، دلسوزی، علاقه مندی، دقت در انجام کار، وقت شناسی، نظم و پیگیری امور و غیره می باشد.

* بر علاوه موضوعات فوق دیگر کدام مطالب شامل ویژه گی های فرد مسؤول می شود؟ فهرست کنید.

مسئولیت اعضای خانواده

هر یک از اعضای خانواده در انجام امور خانواده گوی، پیشرفت و ترقی و تعالی، رفاه، سعادت و رشد استعداد های اعضای آن مسئولیت و وجایی دینی و اسلامی دارند، در صورت تغافل و انجام ندادن مسئولیت ها و وظایف مربوطه، سکتگی در امور خانواده رُخ داده، بروز اختلافات و عدم اعتماد، سبب آزرده گوی، بی علاقه گوی، عدم محبت و صمیمیت در بین خانواده می گردد. صمیمیت و مهربانی از ویژه گوی های خانواده بی است که اعضای آن نسبت با هم دیگر احساس مسئولیت می کنند.

هر عضو خانواده مسئولیت دارد که در کارهای خانه همکاری نماید؛ بنابراین، ما با انجام دادن این کار با مادر و پدر و سایر اعضای خانواده نشان می دهیم که آن ها را دوست داریم و نیز خود را برای پذیرفتن مسئولیت های بعدی در زنده گوی آینده، آماده می سازیم.

* اگر در انجام وظایفی که خانواده به ما می سپارد، احساس مسئولیت نکنیم، چه عواقبی پیش می آید؟

مروری بردرس



- •
- •
- •
- •
- •

سؤالات



- ۱- احساس مسئولیت کدام معنا را افاده می کند؟
- ۲- احساس مسئولیت در کار ها کدام نتایج را به بار می آورد؟
- ۳- در صورت عدم احساس مسئولیت در کار ها، چی عواقبی پیش می آید؟

کارخانه گوی



فردی که در انجام کار ها احساس مسئولیت می کند، با شخصی که احساس مسئولیت نمی کند مقایسه نمایید.

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ [مائده: ۲]

ترجمه: در کار های نیک و خیر با همدیگر همکاری کنید و در کار های گناه و سرکشی با همدیگر همکاری نکنید.

در درس گذشته آموختید که احساس مسئولیت به این معناست که فرد نسبت به کاری که به عهده گرفته است، علاقه مند باشد و آن کار را به خوبی و به صورت صحیح انجام دهد در این درس با داشتن روحیه همکاری در بین اعضای خانواده آشنا می شوید.

بحث کنید

چرا شما، در انجام دادن کارها با یکدیگر همکاری می کنید؟

هر کدام ما عضوی از خانواده هستیم. وظایف معینی را در خانواده به عهده داریم. کار معینی را به عنوان عضو خانواده انجام می دهیم و با سایر خانواده ها همکاری داریم. با در نظر داشت این مطالب به سؤالات ذیل جواب بدهید.

- ۱- اگر در یک خانواده بین اعضای آن، همکاری وجود نداشته باشد، چه واقع می شود؟
- ۲- آیا بدون همکاری سایر اعضای جامعه، میتوان همه امور زنده گی خود را به تنهایی به نحواحسن پیش ببریم؟

همکاری (تعاون) چیست؟

همکاری یا تعاون، عبارت از عمل اجتماعی است که در آن دو یا چند شخص یا یک گروه افراد به اتفاق همه و با تشریک مساعی یکدیگر، هدف مشترکی را دنبال کنند. این نه تنها عامترین صورت روابط اجتماعی است؛ بلکه شرط اساسی و ضروری حفظ و دوام خانواده ها، گروپ ها و جوامع است. همکاری، یک عملیه دو جانبه است.

در خانواده، روزانه کار های زیادی صورت می گیرد، همه اعضای خانواده می توانند در کار های مربوط خانواده همکاری داشته باشند؛ به طور مثال: پدر شما مصارف ماهوار تان را فراهم می نماید، مادر شما طعام را آماده می سازد؛ برادر شما نان را از نانوائی می آورد؛ برادر خورد شما به دست های اعضای خانواده قبل و بعد از صرف طعام آب می ریزد، خواهر شما دسترخوان را هموار می نماید؛ دیگر اعضای خانواده طعام را به دسترخوان می گذارند؛ و با گفتن **بسم الله**

الرحمن الرحيم خوردن طعام را آغاز می نمایند و در ختم طعام پدر با خواندن دعایه صرف طعام را به پایان می رسانند. در واقع همه اعضای خانواده با یک دیگر همکاری می نمایند. بنابراین کارها به خوبی و به سرعت انجام می گیرد.

* آیا شما در کارهای خانه همکاری می نمایید؟

اگر اعضای خانواده با یکدیگر همکاری نکنند، به چه مشکلات مواجه می شوند؟

در بعضی از خانواده ها بین اعضای خانواده روحیه همکاری ضعیف است. در این صورت امکان دارد همه کارهای خانواده یا بخش عمده آن ها به دوش یک نفر در خانواده قرار گیرد و دیگر اعضای خانواده کارهای خصوصی خود را انجام دهند. اگر مادر کار بیرون از خانه نیز داشته باشد، باید بیشتر کار و زحمت بکشد. علاوه بر کار بیرون از خانه، کارهای داخل منزل را نیز انجام دهد. در چنین حالت، مادر مریض و ناتوان می گردد. خلاصه گفته می توانیم که خانواده بیشتر از سایر گروه های اجتماعی بنیادش بر روحیه همکاری بین اعضای آن استوار است، شخص تا پایان عمرش به همکاری خانواده خویش ادامه می دهد. پس بر ما لازم است که با خانواده و جامعه خود همکاری صادقانه و صمیمانه داشته باشیم و وظایفی که به ما داده می شود، به وجه احسن انجام دهیم.

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- همکاری چیست؟
- ۲- آیت متبرکه را که در مورد همکاری خوانده اید، تحریر و ترجمه نمایید.
- ۳- هرگاه در خانواده، روحیه همکاری نباشد، خانواده به چه مشکلات مواجه می شود؟

کارخانه گی

برای این که اعضای خانواده باهم بیشتر همکاری داشته باشند، چه کارها را باید انجام دهند؟

مشورت

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ [سوره ال عمران آیه ۱۵۹]
در کارها از ایشان مشورت بگیر.

در درس گذشته آموختیم که همکاری یا تعاون عبارت از عمل کرد اجتماعی است که در آن دو یا چند شخص به صورت دسته جمعی به اتفاق همه و با تشریک مساعی هدف مشترکی را دنبال می کند. در این درس، مشورت را میخوانیم.

بحث کنید

یکی از رازهای موفقیت انسان این است که در کارها با دیگران مشورت نماید؛ اما آیا با هر فردی میتوان مشورت کرد؟ کسی که با او مشورت می کنید، باید دارای چه خصوصیتی باشد؟

مشورت یعنی چه؟

مشورت در لغت نظر خواهی و تدبیر است و یا تبادل نظر کردن دو یا چند نفر با یکدیگر به منظور یافتن راه حل یا تصمیم گیری در باره موضوعی می باشد. همه انسانها قبل از این که کاری را انجام دهند، در مورد آن مشورت می کنند و در باره امور مختلف می اندیشند.

- با اشخاص ذیل در چه مواردی می توانید مشورت نمایید؟
- پدر، مادر، خواهر، برادر، هم صنفان، دوست، معلم، امام مسجد.
- تنها افراد کم تجربه نیستند که با دیگران مشورت می کنند، بلکه افراد با تجربه نیز از مشورت با یکدیگر مستفید می شوند. شما بارها در مورد کالا، غذا، نحوه گذاشتن وسایل منزل در جای مناسب آن با مادر تان مشورت نموده و نظر آنها را پرسیده اید.
- معمولاً پدران در بسیاری از کارهای مهم؛ مانند: خرید یا اجاره آپارتمان (خانه) تهیه وسایل منزل باخانم و فرزندان خود مشورت می کنند. به نظر شما به مشورت کردن در این موارد و وسایل مختلف چه ضرورت است؟

همان طوریکه شما ملاحظه می کنید ما انسانها به منظور راه حل و تصمیم گیری برای زنده گی کردن بهتر همیشه با اطرافیان خود مشورت می کنیم و به این ترتیب علاوه بر طرز فکر خود از اندیشه دیگران نیز بهره مند می گردیم.

آیا می دانید از کدام اشخاص می توان مشورت گرفت؟

از اشخاص پرهیزگار، باتجربه، دانا، رازدار می توان مشورت گرفت.

* بر علاوه اشخاص فوق از کدام اشخاص دیگر می توان مشورت گرفت؟ موضوع را فهرست کنید.

دین مقدس اسلام در مورد مشورت چه هدایت داده است؟

دین مقدس اسلام به مشوره اهمیت خاصی قایل است. تا وقتی که ملت های مسلمان از اصل مشوره پیروی نمایند، از الطاف خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) بهره مند خواهند بود، در امور دینی و دنیوی به مشورت یکدیگر کار کردن باعث رضای خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) و رسول خدا است. پیامبر ﷺ فرموده اند: کسی که استخاره کند، نا مراد نمی شود و کسی که مشورت نماید پشیمان نمی گردد و کسی که اقتصاد خود را تنظیم نماید، تنگدست نمی شود.

حضرت محمد ﷺ در امور مهم با اصحاب کرام همیشه مشورت می کرد و اصحاب کرام هم پس از رحلت وی در امور به مشورت کار می کردند و از اهل رأی و صاحبان خبره رأی می گرفتند و بر حسب صواب دید شان به اجرای امور می پرداختند. در اثر مشورت پرده از روی حقیقت برداشته می شود و روشنتر می گردد. از طرف دیگر شاملین مشورت و مشورت دهنده گان مسؤولیت مستقیم را احساس کرده برای رفع مسؤولیت خود همکاری می نمایند. همین فلسفه است که در ایجاد شورا ها بین مجامع اداری از زمان های قدیم به این طرف مورد قبول است و هر ملت به نحوی، از آن پیروی می نماید. بنابراین ما باید در امور زنده گی با اشخاصی مشورت نماییم که راز دار، صادق، عالم باتجربه و معلومات زیاد در موضوع مورد بحث داشته باشند.

* در مورد اهمیت مشورت با همکاری همصنفان بحث نموده نتیجه را یکی از شاگردان بیان دارد.

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- مزایای مشورت را بنگارید.
- ۲- از کدام اشخاص باید مشورت گرفت؟
- ۳- دین مقدس اسلام در مورد مشورت چه گفته است؟ بیان دارید.

کارخانه گی

اشخاصی که مشورت نمی کنند، به کدام مشکلات مواجه می شوند. در این باره چند سطر بنویسید.

الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا

[سوره النساء ۳۴]

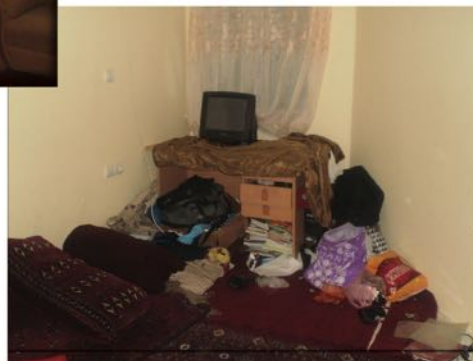
ترجمه: مردان بر زنان حاکم اند به سبب آنکه خداوند بعضی شان را بر بعضی دیگر برتری بخشیده و به سبب آنکه مردان مخارج را به عهده دارند)

در درس گذشته آموختیم که مشورت عبارت از تبادل نظر کردن دو یا چند نفر با یکدیگر به منظور یافتن راه حل یا تصمیم گیری در باره موضوعی می باشد. در این درس به رعایت نظم در خانواده آشنا می شویم.

بحث کنید

- نظم چیست؟
- چگونه می توانیم در خانواده نظم را ایجاد کنیم؟

نظم، در لغت آراستن، ترتیب دادن، تنظیم کردن و در اصطلاح به معنای آرامش، انتظام و اطاعت است. نظم اجتماعی نیز از همین نگاه مورد نظر قرار میگیرد و به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از قواعد، ارزش ها و قوانینی است که پایه و ستون جامعه را تشکیل میدهند. یکی از مسایل که انسان ها در حیات عادی و روز مره خود به آن ضرورت دارند؛ موضوع نظم و رعایت مقررات در امور اجتماعی است. تهیه یک پلان برای زنده گی روز مره و عادت دادن به تداوم آن؛ از جمله مسایلی است که در آوردن نظم، ما را کمک می کند. به طور



مثال: شماصبح که می خواهید به مدرسه بروید ابتدا لباس های تان را از الماری بر می دارید و می پوشید. جورابه های تان را از جای مخصوص آن می گیرید و می پوشید، بوت های تان را از جای مخصوص برداشته

بعد از پاک کردن به پا می کنید و به طرف مکتب حرکت می نمایید. زمانی که شما از مکتب به خانه بر می گردید. بوتا و جورابها و لباس های تان را به جاهای مخصوص می گذارید. قرار دادن وسایل و اشیا به محل های مخصوص شان به نام نظم یاد می شود. ممکن است در جوار منزل شما خانواده یی زنده گی نماید که بسیاری از وسایل منزل را در جاهای مخصوص قرار دهند. در این صورت اگر وارد خانه آنها شوید. هر چیز را در جای اصلی آنها نمی بینید؛ مثلاً: بوتها در نزدیک الماری، لباسها در دهلیز خانه و در سایر وسایل نیز چنین وضع را می بینید.

* با گروه خود بحث نموده، خانه بانظم را با خانه بی نظم مقایسه کنید.

پلان خانواده

هر خانواده یی برای این که نظم در خانواده آنها ایجاد گردد، برای خود پلان ماهانه و سالانه ترتیب می نمایند و در مواردی؛ چون: دید و باز دید اقارب، دوستان، آشنایان، و همسایه ها اعیاد و غیره بر اساس پلان عمل می نمایند.

* آیا شما در خانواده خود، برای دید و بازدید روز های عید، و سایر مناسبتها پلان دارید؟ فهرست نمایید. خلاصه این که در هر جامعه یی مسأله نظم، امر پسندیده و لازمی است. اهمیت آن این است که در مسایل برقراری نظم آن افراد، قادر میشوند استعداد خود را کشف کنند، اهداف خود را تعیین نموده و برای رسیدن به آن برنامه ریزی کنند. داشتن برنامه منظم در همه امور زنده گی ما را به اهداف مشخص مان می رساند.

مروری بردرس

- _____
- _____

سؤالات

- ۱- نظم چیست؟
- ۲- نظم چه فایده دارد؟
- ۳- اهمیت مسایل برقراری نظم در یک جامعه چیست؟

کارخانه گی

در مورد پلان خانواده گی سه سطر بنگارید.

در درس قبلی آموختید نظم، در لغت آراستن، ترتیب دادن، و در اصطلاح به معنای آرامش، انتظام و اطاعت است، در این درس به احترام متقابل در خانواده آشنا می شوید.

بحث کنید

- شما در خانه چگونه رفتار می کنید؟
- آیا به پدر، مادر و دیگر اعضای خانواده احترام می گذارید؟ از آنها چه توقع دارید که با شما چگونه رفتار داشته باشند؟

احترام، عبارت از رفتار و گفتاری است که نشان دهنده تأیید شخصیت و یا اهمیت کسی یا چیزی باشد. در تعلیمات اخلاقی اسلام، حفظ ادب و احترام و رعایت آداب انسانی از وظایف حتمی یک فرد مسلمان است. حفظ احترام، موجب حفظ وحدت و بشر دوستی و محبت و جلوگیری از بغض و کینه و عداوت در بین افراد جامعه می گردد. وقتی ما به کسی احترام می گذاریم، باعث می شود که دیگران نیز به ما احترام بگذارند. در خانواده، پدر، مادر و فرزندان به همدیگر احترام می گذارند.

خانواده هایی که اعضای آن به همدیگر احترام می کنند، همه اعضا احساس شخصیت و آرامش می کنند. اعضای چنین خانواده مودب و مهربان هستند و در جامعه هم باید با دیگران رفتار دوستانه داشته باشند. وجود این گونه افراد در جامعه نشان دهنده آن است که آنها خانواده خوب و موفق دارند. پیامبر ﷺ در این مورد فرموده است: کسی که به بزرگان ما احترام نمی گزارد و برخورد سالان ما شفقت و مهربانی ندارد، از جمله ما نیست.

* احترام متقابل در خانواده چه اهمیت دارد؟

افراد با شخصیت، و صاحبان عقل و درایت همیشه با مردم با احترام رفتار می نمایند. حضرت پیامبر ﷺ با مردم به احترام و پیش آمد خوب رفتار می کردند. در سلام دادن سبقت می جستند، آرام و مؤدب سخن می گفتند و هر کس که نزد شان می آمد به احترامش به پا می خاست و مقامش را گرامی می داشت، او را در جای

خود می‌نشانند و اگر احیاناً فرشی وجود نداشت، عبای خود را زیر پایش هموار می‌کرد و متکا (بالشت) خود را به وی می‌دادند.

خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) در آیات قرآنی امر می‌کند که احترام دیگران را رعایت کنید، کسی را تحقیر نه کنید و از تمسخر و استهزا پرهیز نمایید. با گفتار یا اشاره و زخم زبان، روح کسی را آزار ندهید و قلب کسی را جریحه دار نسازید. از عیب دیگران چشم‌پوشید و کسی را با لقب یا نامی که دوست ندارد، صدا نکنید.

بنابراین، بر ما لازم است که هر کس را با در نظر داشت تقوا، پرهیزگاری، علمیت و مقامش احترام نماییم و از بی‌احترامی احتراز ورزیم.

* کدام اشخاص با مردم با احترام رفتار می‌نمایند؟ معلومات دهید.

مروری بر درس

سؤالات

- ۱- در تعالیم اسلام در مورد احترام متقابل چه گفته شده است؟ بیان دارید.
- ۲- اگر احترام متقابل وجود نداشته باشد؛ کدام نتایج را به بار می‌آورد.
- ۳- حضرت پیامبر ﷺ مردم را چگونه احترام می‌کردند، بیان دارید.

کارخانه‌گی

در مورد احترام متقابل چهار سطر بنگارید.

در درس گذشته آموختیم که در تعلیمات اخلاقی اسلام، حفظ ادب و احترام و رعایت آداب انسانی از وظایف یک فرد مسلمان است. خانواده‌هایی که اعضای آن همدیگر را احترام می‌کنند، همه اعضا احساس شخصیت و آرامش می‌کنند، اعضای چنین خانواده مؤدب و مهربان هستند در این درس به خود گذری در خانواده آشنا می‌شویم.

دلیل بیاورید

آیا خانواده می‌تواند بدون همکاری با یکدیگر و از خود گذری اعضایش بر مشکلات خود غلبه حاصل نمایند؟

از خود گذری یعنی گذشت کردن از حق خود برای آن که دیگری یا دیگران به حق خود برسند. اگر در رفتارهای هر یک از اعضای خانواده خود توجه کنید، متوجه می‌شوید که آنها نه تنها به خاطر برآورده شدن خواسته‌های خود بی‌پروا نیستند؛ بلکه برای رفع احتیاجات سایر اعضای خانواده نیز تلاش می‌نمایند. اگر شما به کارهای مادر و پدرتان توجه شوید، خواهید دید که آنها همیشه برای فرزندان، از خود گذری می‌کنند؛ به گونه مثال: ما در شب‌ها تا روز از طفلش مواظبت می‌نمایند، تا به وی صدمه نرسد، به او شیر می‌دهند، وقتی طفل بزرگ شد، پدرش او را در مدرسه و یا مکتب شامل می‌نمایند، برایش لباس، بکس، کتاب، کتابچه و وسایل درسی و آسایش را فراهم می‌سازد، در درس‌هایش با وی کمک می‌کند. ممکن است از بسیاری علایق خود به سبب کمک رساندن به طفل صرف نظر کند. اگر برای طفلش مشکل پیش آید در رفع آن مشکل به وی کمک می‌کند. اگر طفلش در کارها شکست بخورد، مادر و پدر احساس شکست می‌کند. اگر طفل در کار و فعالیت درسی موفق شود، والدین به خود می‌بالند و احساس خوشی می‌کنند.

* با همکاری یک دیگر یک نمونه از خود گذری را به همصنفان خود بیان کنید.

از خود گذری از صفات خوب و برازنده انسان‌ها است. مردم از انسان‌هایی که به اشکال مختلف برای دیگران خود گذری کرده‌اند، قدردانی می‌نمایند. هر چه روحیه فداکاری و از خود گذری در خانواده و جامعه زیاد تر گردد، افراد آن خانواده‌ها و جامعه از رفاه و آسایش بیشتر برخوردار می‌شوند. بنابراین از همین امروز باید تصمیم بگیریم که در همه امور زنده‌گی، چه در کارهای خانواده و چه در جامعه از خود گذری برای دیگران دریغ نکنیم تا خانواده و جامعه خوب و مملو از محبت داشته باشیم.

مروری بر درس



.....

.....

.....

.....

سؤالات



- ۱- از خود گذری چیست؟
- ۲- چند مثال از خود گذری والدین خود را بیان دارید؟
- ۳- هرگاه از خود گذری در خانواده و جامعه زیاد گردد، کدام نتایج را به بار می آورد؟

کارخانه گی



چهار مثال از خود گذری در خانواده را فهرست و در صنف بخوانید.

خلاصه فصل دوم

- انسان از وقتی که تولد می شود، ضرورت به خانواده دارد و نمیتواند بدون خانواده و اجتماع زنده گی کند.
- احساس مسؤولیت به این معناست که فرد نسبت به کاری که به عهده گرفته است، علاقه مند باشد و آن کار را به خوبی، دلسوزی و به صورت صحیح و به موقع انجام دهد.
- ما انسان ها به منظور راه حل و تصمیم گیری برای زنده گی کردن بهتر با اطرافیان خود باید مشورت کنیم و به این ترتیب علاوه بر اندیشه خود از مشوره دیگران نیز بهره مند می گردیم.
- احترام، عبارت از رفتار و گفتاری که نشان دهنده تایید شخصیت و یا اهمیت کسی یا چیزی است.
- از خود گذری، یعنی گذشت از حق خود برای آنکه دیگران به حق خود برسند.

بخش دوم - جغرافیه

فصل اول - مبادی جغرافیه

درس بیستم

مفاهیم و اصطلاحات جغرافیایی



تعریف علم جغرافیه

جغرافیه علميست که روابط متقابل انسان و محیط طبیعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. جغرافیه آیینۀ جهان نمایی است که در همه موارد مربوط به زمین و کاینات به ما معلومات میدهد.

فواید علم جغرافیه

ما و شما در مورد قریه، شهر و کشوری که در آن سکونت داریم، معلومات داشته، اما در مورد سایر شهرها، ممالک، کرۀ زمین، نظام شمسی، سیاره‌ها و سایر موضوعات معلومات نداریم. وقت و امکانات هم محدود است تا به هر جا سفر کنیم و در بارۀ آنها معلومات حاصل کنیم. علم جغرافیه و معلومات مستند آن ما را کمک میکند، بدون آن که به جایی برویم و یا سفر نماییم، معلومات صحیح و موثق علمی را بدست آوریم.

آیا زمین به شکل کروی است ؟

زمین یکی از سیارات نظام شمسی است که تقریباً شکل کروی را دارا می‌باشد. به اساس مطالعات دقیق که صورت گرفته قطب شمال زمین قدری فرو رفتگی داشته و در حصه استوا قدری برآمده گی دارد. به این اساس زمین شکل یک کره مکمل را نداشته بلکه آنرا به شکل کره نامنظم تعریف می‌کنند. بناءً قطر استوایی آن نظر به قطر قطبی قدری طولتر می‌باشد.

کره زمین از لحاظ ساختمان دارای برجسته گی‌ها و فرو رفتگی‌ها و صحراهای هموار و همچنین دارای دریاها، خروشان، جهیل‌ها، بحیره‌ها و ابحار می‌باشد. بلند ترین ساحه زمین را قله ایورست تشکیل می‌دهد که در کوه‌های همالیای براعظم آسیا در شمال هند موقعیت داشته (۸۸۴۸) متر از سطح بحر بلندی دارد. عمیق ترین قسمت زمین در بحر الکاهل، جنوب شرق چین واقع است که (۱۱۰۳۶) متر از سطح بحر پایین افتاده و به نام گودال ماریانا یاد می‌شود.

فعالیت داخل صنف:



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. هر گروهی از شاگردان تصویر کره مجسمه را پیشروی خود گذاشته، ساحه استوایی، ساحه قطبی، بلندترین نقطه زمین و عمیق ترین قسمت زمین را به کمک معلم صاحب به شکل تقریبی پیدا کنند. بعد نماینده هر گروه موضوعات را در پیش روی صنف تشریح نمایند.

سوالها:



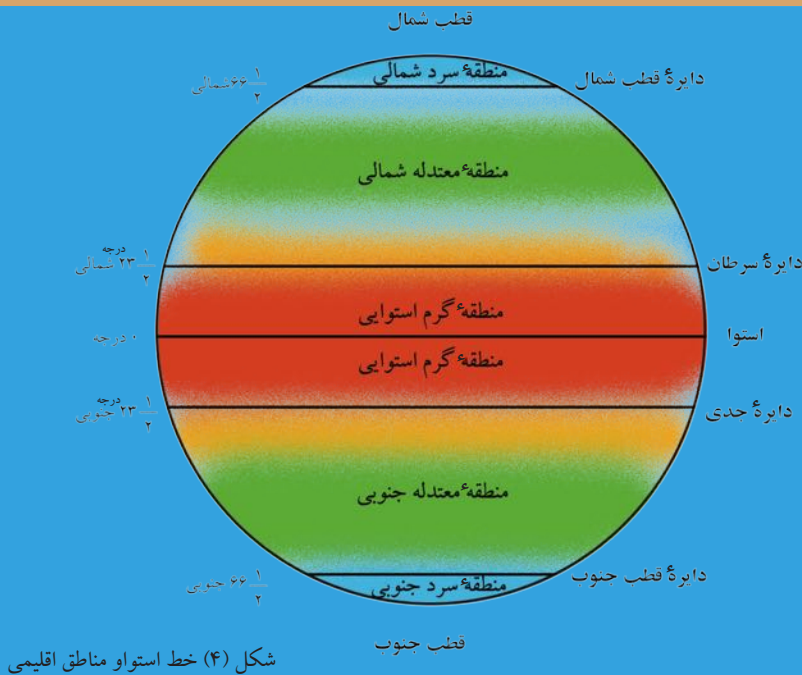
- ۱- جغرافیه را تعریف کنید.
- ۲- در جایکه که زنده گی میکنید بلند ترین و پایین ترین قسمت‌های آن چه نام دارد؟
- ۳- بلند ترین نقطه جهان چقدر بلندی دارد و در کجا واقع است؟

فعالیت خارج صنف:



شاگردان راجع به اهمیت جغرافیه یک مقاله مختصر بنویسند.

خط استوا و مناطق اقلیمی



خط استوا دایره فرضی بزرگی است که کره زمین را بدو حصه مساوی تقسیم میکند و به دایره‌های طول البلد و محور زمین عمود می‌باشد. حصه شمالی خط استوا را به نام نیمکره شمالی و حصه جنوبی آنرا نیمکره جنوبی یاد میکنند.

خط سرطان: از اول حمل به بعد، شعاع آفتاب آهسته، آهسته به استقامت عرض البلد‌های شمالی عمود تابیده تا آنکه در اول سرطان بالای عرض البلد $23\frac{1}{2}^{\circ}$ درجه شمالی عمود واقع می‌شود. از این سبب این عرض البلد را به نام دایره سرطان یاد میکنند، در این وقت فصل تابستان نیمکره شمالی و موقع انقلاب شمسی تابستان می‌باشد.

خط جدی: بعد از اول میزان شعاع آفتاب به استقامت جنوب دایره استوا عمود می‌تابد تا وقتی که در اول جدی بالای عرض البلد $23\frac{1}{2}^{\circ}$ جنوبی عمود واقع می‌شود. از این سبب این دایره عرض البلد را به نام دایره جدی یاد میکنند و تابستان نیمکره جنوبی می‌باشد. بعد از اول جدی شعاع آفتاب دو باره جانب استوا حرکت کرده، با گذشت سه ماه دیگر یعنی در اول حمل بالای خط استوا عمود می‌تابد.

منطقه مدارین: بالای خط جدی و خط سرطان شعاع آفتاب یک بار و بالای دیگر عرض البلد‌ها که بین دایره سرطان و جدی واقع اند، دو بار شعاع آفتاب عمود می‌تابد. بنابر آن این

منطقه را به نام منطقه مدارین استوایی یاد میکنند که دارای هوای بسیار گرم می‌باشد.
مناطق معتدله: بین عرض البلد های 23° و 66° درجه در نیم کره شمالی و جنوبی موقعیت دارد که آب و هوای آن معتدل است.

مناطق سرد و بارده: بین عرض البلد های 66° درجه و 90° درجه در هر دو نیم کره واقع بوده هوای آن اضافه تر سرد بوده منطقه بارده و یخچالی را تشکیل می‌دهد.

نیمکره شمالی و جنوبی:

معلومات درباره نیمکره شمالی و جنوبی، قطب شمال و قطب جنوب برای شاگردان چه اهمیتی دارد؟ هر گاه به کره زمین توجه شود، خط استوا آنرا به دو حصه مساوی تقسیم می‌کند. دایره استوا که به حیث مبدا عرض البلد ها قبول شده، صفر درجه عرض البلد است، نود درجه عرض البلد در نیمکره شمالی و نود درجه عرض البلد در نیمکره جنوبی وجود دارد. اما در نیمکره جنوبی تنها استرالیا، آفریقای جنوبی و حصه زیاد امریکای جنوبی واقع شده است، از طرف دیگر حصه زیاد بحرها در نیمکره جنوبی وجود دارد. مثلاً بحر هند، حصه زیاد بحر الکاهل، بحر منجمد جنوبی و حصه جنوبی اوقیانوس اطلس در نیمکره جنوبی موقعیت دارد.

بنابراین نیمکره جنوبی را نیمکره آبی و نیمکره شمالی را نیمکره خشکه نیز یاد میکنند. آب و هوای نیمکره جنوبی بحری و از نیمکره شمالی نسبتاً بری است و نفوس جهان بیشتر در نیمکره شمالی بود و باش دارند.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. هر گروه در صنف نیم کره را در قوس نیم دایره تشکیل دهند. یک گروه نیم کره شمالی و گروه دیگری نیم کره جنوبی را تمثیل کنند.

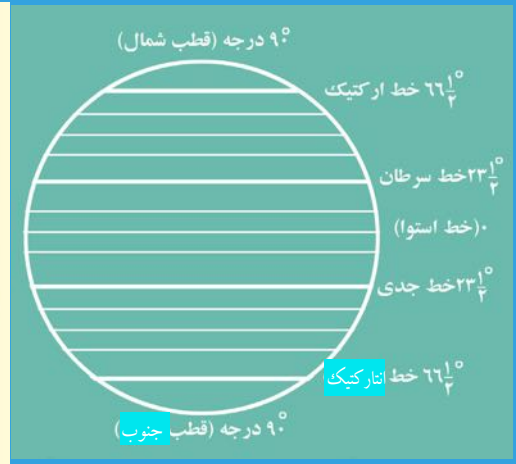
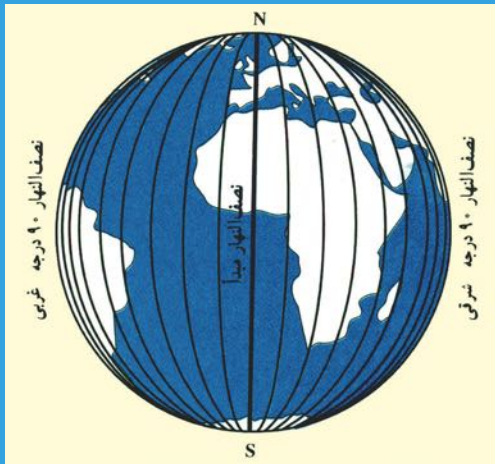
سوال‌ها:

- ۱- خط استوا چیست؟
- ۲- خط جدی در کدام نیمکره واقع شده است؟
- ۳- دایره سرطان را چرا به نام دایره سرطان یاد می‌کنند؟
۴. در نیم کره شمالی کدام قطعات خشکه وجود دارد؟
۵. در نیم کره جنوبی کدام ابحار موقعیت دارد؟

فعالیت خارج صنف:

شاگردان شکل نیم کره شمالی و جنوبی را با قطعات خشکه و ابحار در کتابچه‌های خود ترسیم کنند.

قطب شمال و قطب جنوب زمین - عرض البلد و طول البلد ؟



قطب شمال و جنوب

قطب شمال و جنوب:

قطب شمال نقطه آخری محور در شمال است که عرض البلد آن نود درجه شمالی است. همچنین قطب جنوب نقطه آخر محور زمین در جنوب است که عرض البلد آن نود درجه جنوبی می باشد.

دایره آرکتیک: دایره قطب شمال (آرکتیک) عرض البلد $۶۶\frac{۱}{۴}^{\circ}$ درجه شمالی است.
 دایره انتارکتیک: دایره قطب جنوب (انتارکتیک) عرض البلد $۶۶\frac{۱}{۴}^{\circ}$ درجه جنوبی است.
محور زمین: هر گاه نقطه آخری قطب شمالی را به قطب جنوبی وصل نماییم، خطی که این دو نقطه را وصل می کند به نام محور زمین یاد می شود، انجام شمال محور را قطب شمال وانجام جنوب محور را قطب جنوب یاد می کنند. قطب شمال جغرافیایی متوجه به ستاره قطب است که محورها را از حالت عمود به زاویه $۲۳\frac{۱}{۴}^{\circ}$ درجه طرف راست میلان داده است.

عرض البلد:

عرض البلد دایره های را گویند که موازی به خط استوا، استقامت شرق - غرب را دارند، موازی همدیگر بوده به دایره های طول البلد عمود می باشند. چون زمین کروی است، بزرگترین دایره عرض البلد، خط استوا است و مبداء عرض البلد محسوب می شود بنابر آن صفر درجه قبول شده است. عرض البلد های شمال استوا را عرض البلد های شمالی گویند که به حرف (N) نشان داده می شود و عرض البلد های جنوب استوا را عرض البلد های جنوبی گویند و به حرف S ارائه می شود. هر درجه عرض البلد به ۶۰ دقیقه و هر دقیقه به ۶۰ ثانیه تقسیم شده که در نقشه ها به حساب درجه، دقیقه و ثانیه معرفی می شود.

بزرگترین دایره عرض البلد را خط استوا گویند که کره زمین را به دو حصه مساوی تقسیم می‌کند، یعنی نیمکره شمالی و جنوبی بالای دایره استوا در اول حمل و میزان و بالای دایره سرطان در اول سرطان و در بالای دایره جدی در اول جدی شعاع آفتاب عمود می‌تابد. از همین سبب است که میل اشعه آفتاب و موقعیت آن در هر فصل مختلف است. توجه شود به تفاوت میل اشعه آفتاب در تغییر فصل‌ها و نشو و نمای نباتات و مناطق اقلیمی اثر مهم دارد. خاصاً در مناطق معتدله و مناطق قطبی.

طول البلد:

بر روی نقشه‌های جغرافیایی خطوطی رسم شده که توسط آن بالای نقشه، هر نقطه روی زمین را که خواسته باشیم، پیدا کرده می‌توانیم.

این خطوط دایره‌های طول البلد و عرض البلد می‌باشند که به اصطلاح کمیات وضعیه جغرافیایی نیز یاد میشوند. زمین دو قطب دارد. قطب شمالی و قطب جنوبی. آن خطوط فرضی که از قطب شمالی شروع شده و تا قطب جنوب می‌رسد، بنام خطوط طول البلد (نصف النهار) یاد میشوند. چون محیط یک دایره (۳۶۰) درجه است بنام تعداد مجموعی طول البلد‌ها (۳۶۰) درجه می‌باشد. خط طول البلد که از شهر گرینویچ لندن می‌گذرد، مبدأ طول البلد‌ها بوده و صفر درجه قبول شده که (۱۸۰) درجه طول البلد آن به طرف شرق گرینویچ لندن موقعیت دارد و به نام طول البلد‌های شرقی و (۱۸۰) درجه دیگر آن که به طرف غرب گرینویچ موقعیت دارد، به نام طول البلد‌های غربی یاد می‌شود. هر درجه طول البلد به ۶۰ دقیقه و هر دقیقه آن به ۶۰ ثانیه تقسیم می‌شود.

خطوط طول البلد به تنهایی خود تفاوت وقت را در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد. تقاطع خطوط طول البلد و عرض البلد یکجا بالای نقشه‌ها موقعیت جاها را نشان می‌دهد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به چند گروه تقسیم شوند. گروه اول دایره‌های عرض البلد و گروه دوم دایره‌های طول البلد را ترسیم کنند و اشکال آن را در مقابل صنف توضیح نمایند.

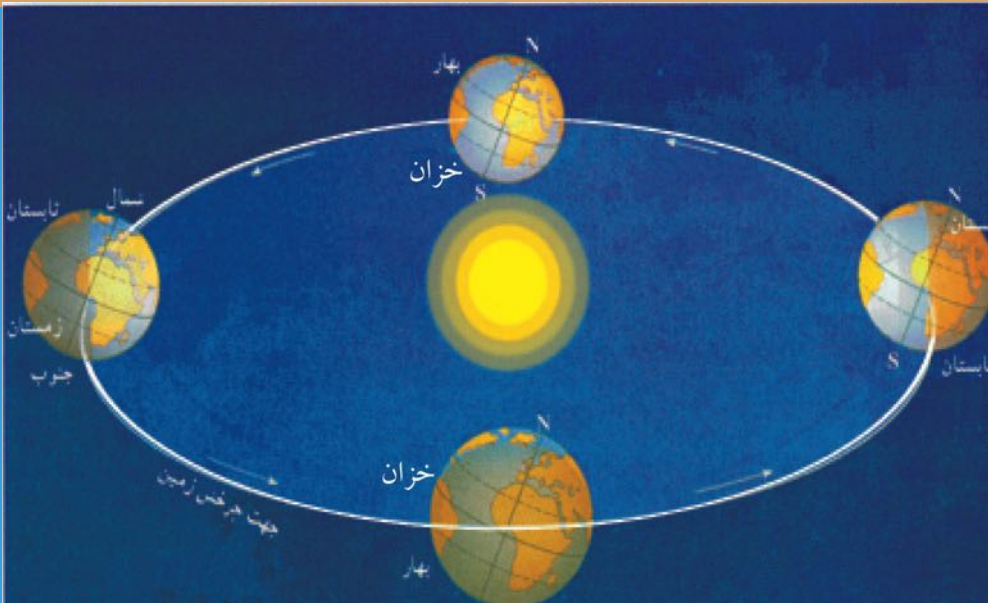
سوالها:

- ۱- قطب شمال در کدام درجه عرض البلد قرار دارد؟
- ۲- دایره استوا را تعریف نمایید؟
- ۳- تعداد مجموعی طول البلد‌ها چند درجه است و چرا؟
- ۴- طول البلد صفر درجه از کدام شهر می‌گذرد؟

فعالیت بیرون صنف:

شاگردان دایره‌های عرض البلد را در یک کره ترسیم کنند و دایره‌های مهم آنرا نام بگیرند.

حرکات وضعی و انتقالی زمین



زمین دونوع حرکت مهم دارد: حرکت وضعی و حرکت انتقالی.

زمین در مدت ۲۴ ساعت به دور محور خود می چرخد و یک دور کامل خود را تکمیل میکند، که این حرکت به نام حرکت وضعی زمین یاد می شود و از نتایج حرکت وضعی زمین به وجود آمدن شب و روز است. آفتاب همیشه در یک طول البلد در حالت طلوع و به جهت مخالف آن در یک طول البلد در حالت غروب می باشد. بنابر این در تمام طول البلدها شب و روز پی هم واقع می شود. کره زمین که شامل ۳۶۰ درجه طول البلد است، در مدت ۲۴ ساعت از مقابل شعاع آفتاب عبور می کند. بنابر این در مدت یک ساعت ۱۵ درجه طول البلد از مقابل شعاع آفتاب میگذرد.

$$(\text{طول البلد } 15^\circ = 360^\circ \div 24)$$

در صورت پیدا نمودن وقت یک منطقه، درجه طول البلد آن را از نقشه پیدا می کنیم. بعد تفاوت هر درجه را با شهر خود مقایسه می کنیم. چون هر درجه در چهار دقیقه از مقابل آفتاب میگذرد، آن را ضرب ۴ دقیقه می کنیم. به این صورت تفاوت وقت بین دو منطقه پیدا می شود.

حرکت انتقالی زمین:

- حرکت انتقالی زمین به دور آفتاب صورت می گیرد و مدار آن بیضوی است. آفتاب در یکی از محراقهای بیضوی قرار دارد. از این سبب فاصله زمین از آفتاب در تابستان و زمستان تفاوت دارد. نزدیکترین فاصله آن به آفتاب ۱۴۷ میلیون کیلومتر و دور ترین فاصله آن ۱۵۲ میلیون کیلومتر است. حرکت زمین در بالای مدار به سرعت ۳۰ کیلومتر فی ثانیه صورت می گیرد.
- در فصل بهار اشعه آفتاب بالای خط استوا عمود است و آن هم در اول حمل.
 - در اول سرطان شروع فصل تابستان شعاع آفتاب بالای دایره سرطان عمود می باشد.
 - در اول میزان، فصل خزان شعاع آفتاب بالای دایره استوا عمود می باشد.
 - در اول جدی شروع فصل زمستان، شعاع آفتاب بالای دایره جدی عمود می باشد.

فعالیت داخل صنف:



- شاگردان حرکت انتقالی زمین را ترسیم کنند و راجع به آن در صنف برای همصنفان خود توضیح دهند.

سوالها:



- زمین چند نوع حرکت دارد؟
- حرکت وضعی زمین چگونه یک حرکت است؟
- در مدت ۲۴ ساعت چند درجه طول البلد از مقابل شعاع آفتاب می گذرد؟
- ۱. دایره سرطان چه اهمیت دارد؟
- ۲. اعتدال بهار چیست؟
- ۳. انقلاب شمسی تابستان چه وقت صورت می گیرد؟

فعالیت خارج صنف:



مطلوبی در ارتباط با حرکات زمین تهیه کرده و در صنف ارائه نماید.

فصل دوم- جغرافیای افغانستان

درس بیست و چهارم: موقعیت و حدود افغانستان



افغانستان کشور بیست و هشتانی، که در جنوب بر اعظم آسیا در نیم کره شمالی موقعیت دارد. مساحت افغانستان بیش از (۶۵۲۰۰۰) کیلو متر مربع است. افغانستان از چهار طرف با خشکه احاطه شده و به بحر آزاد راه ندارد. نزدیکترین فاصله آن به بحیره عرب تقریباً به ۳۹۰ کیلو متر می‌رسد. به طرف شمال افغانستان، جمهوریت‌های تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان موقعیت دارند. سرحدات کشور ما در سمت‌های جنوب و شرق با جمهوری اسلامی پاکستان به واسطه خط تحمیلی دیورند نشانی شده که مردم افغانستان آن را به رسمیت نشناخته‌اند. به طرف غرب کشور ما جمهوری اسلامی ایران موقعیت دارد.

در سمت شمال شرق کشور ما، به یک فاصله کم با جمهوری چین هم سرحد می‌باشد. کشورهای آسیای میانه هم به بحر آزاد راه ندارند. ازین سبب تجارت آنها از راه افغانستان با ممالک جنوبی قاره آسیا صورت می‌گیرد که این موضوع به موقعیت افغانستان اهمیت خوبی می‌دهد.

جغرافیای طبیعی

یک بر سوم حصه کشور ما کوهستانی بوده و بخشی هم مناطق هموار را تشکیل داده است. سلسله کوه‌های هندوکش، کوه بابا، سفید کوه و سیاه کوه غربی، تیر بند ترکستان، سپین غر، تور غر

شرقی مناطق بلند را تشکیل نموده اند. این کوهها در نواحی مرکزی، شمال شرقی و شرق کشور قرار دارند. در مناطق بلند کوهستانی، زمستان هوای بسیار سرد دارد و بارنده گی زیاد آن به شکل برف می باشد، برف ها در کوهها ذخیره شده منابع اصلی آب دریاها را در موسم بهار و تابستان برای مناطق هموار می سازد.

در یاهای زیادی از این سلسله کوههای افغانستان سرچشمه می گیرد. در مسیر دریاها می توانیم بند برق بسازیم تا از یک طرف با استفاده از بندهای مذکور از برق آن استفاده کنیم و از طرف دیگر از ذخیره آب آن به آبیاری زمین های زراعتی بپردازیم.

اراضی همواریکه در بین کوهها واقع شده و نسبت به مناطق اطراف خود بلندتر باشند، به نام سطح مرتفع یاد می شوند. مشهورترین سطوح مرتفع کشور ما عبارتند از سطح مرتفع پامیر و واخان و سطح مرتفع مرکزی.

سطح مرتفع پامیر در مرکز براعظم آسیا موقعیت دارد که بلندی آن از سطح بحر بین (۶۰۰۰-۷۰۰۰) متر بوده، به نام بام دنیا شهرت دارد. یک قسمتی از این سطح مرتفع در خاک افغانستان واقع است.

ساحه جنوب غربی کشور که دارای آب و هوای گرم و خشک است. بارنده گی در آن کم است. در این نواحی دشت های مارگو، سیستان و بکوا واقع اند.

فعالیت داخل صنف:



از روی نقشه پیدا کنید که افغانستان با کدام کشورها بیشترین مرز سر حدی را دارد به ترتیب از بیشترین آغاز کنید:

سوالها:



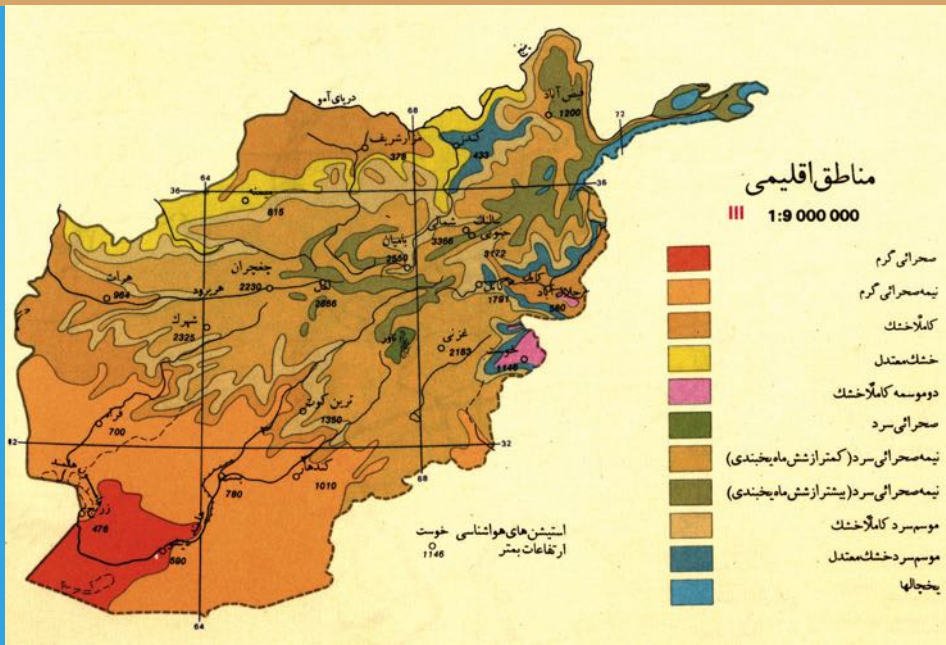
- ۱- افغانستان در کدام قسمت بر اعظم آسیا موقعیت دارد؟
- ۲- مساحت افغانستان چقدر است؟
- ۳- افغانستان محاط به خشکه است یا با بحر و نزدیکترین فاصله آن با کدام بحیره و چقدر است؟
- ۴- مشهور ترین کوه های افغانستان را نام بگیرید؟
- ۵- دشت های مهم کشور را نام بگیرید

فعالیت خارج صنف:



کشورهای اسلامی همجوار افغانستان را با سمت و موقعیت آنها در کتابچه های تان لست نموده فردا در صنف ارائه دهید.

راجع به اقلیم افغانستان چه می دانید؟



نقشه اقلیمی افغانستان با خطوط عرض البلد

افغانستان از نظر موقعیت جغرافیایی و ساختمان طبیعی به شش منطقه اقلیمی ذیل تقسیم شده است:

۱. اقلیم صحرائی:

نواحی جنوب غربی کشور مثل گرشک، نیمروز و جنوب فراه را در بر دارد. بارنده گی در این نواحی کم است. در زمستان برف در آن مناطق نمی بارد. گرمی زیاد و بارنده گی کم از خصوصیات آن است. تفاوت هوا بین شب و روز آن زیاد است. چنانچه شب ها خیلی سرد و هوای روزها بسیار گرم می باشد. دشت های مارگو، بکوا، خاشرود و سیستان در این مناطق واقع اند. در این نواحی انواع بته های خاردار که در مقابل خشکی و کمی رطوبت مقاومت دارند، می روید.

۲- اقلیم کوهستانی

در مناطق بلند کوهستانی با هوای سرد مواجه می شوید. بخش زیاد بارنده گی در این نواحی به صورت برف می باشد. این برفها در کوهها ذخیره شده، منبع اصلی دریاها را تشکیل می دهد. آب و هوای مناطق مرکزی هندوکش و سالنگ ها نمونه این نوع اقلیم در کشور است.

۳- اقلیم مدیترانه یی:

منطقه اقلیم مدیترانه یی، تابستان خشک و بسیار گرم دارد. بارنده گی آن اکثراً به شکل باران در زمستان صورت می گیرد. برنج، نیشکر و میوه های خاندان ستروس (نارنج) در آن می روید. ولایات ننگرهار و لغمان دارای اقلیم نوع مدیترانه یی است.

۴- اقلیم مونسون

بعضی مناطق ولایات پکتیا، خوست و ننگرهار دارای اقلیم مونسونی است. در این نواحی در تابستان باران می بارد. هوای مرطوب این نواحی مساعدترین منطقه برای رشد درخت های ارچه، بلوط، جلعوزه و قهوه می باشد. اکثر جنگل های طبیعی وطن ما در همین منطقه واقع شده است.

۵- اقلیم استپ (علفزار):

بارنده گی در این مناطق بیشتر در زمستان صورت می گیرد. در این مناطق علفزارها خوب نشو و نما دارند. این مناطق برای پرورش حیوانات بسیار مناسب است. در این مناطق ولایات بغلان، قندز، فاریاب، پروان، غزنی، کاپیسا، کابل و هرات شامل اند.

۶- اقلیم توندرا- آلی

مناطق بلند که ساحه جنگل ها و درختها در آن به پایان رسیده و نباتات به شکل علف وبته در آن روییده باشد اقلیم توندرا را تشکیل میدهد. در این مناطق برف زیاد می بارد و زمستان آن بسیار سرد و طولانی و تابستان آن معتدل و کوتاه است. به دلیل سردی زیاد هوا درخت در آن نمی روید. مناطق پامیر در بدخشان و نقاط مرتفع هندوکش و ناور غزنی در این منطقه موقعیت دارند.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد اقلیم و اقلیم صحرایی، گروپ دوم در مورد اقلیم کوهستانی و اقلیم مدیترانه ای، و گروپ سوم در باره اقلیم مونسونی، اقلیم استپی و اقلیم توندرا آلی، باهم بحث نموده، هر گروپ موضوع خویش را در پیش روی صنف شرح دهند.

سوالها:

۱- اقلیم را تعریف کنید؟

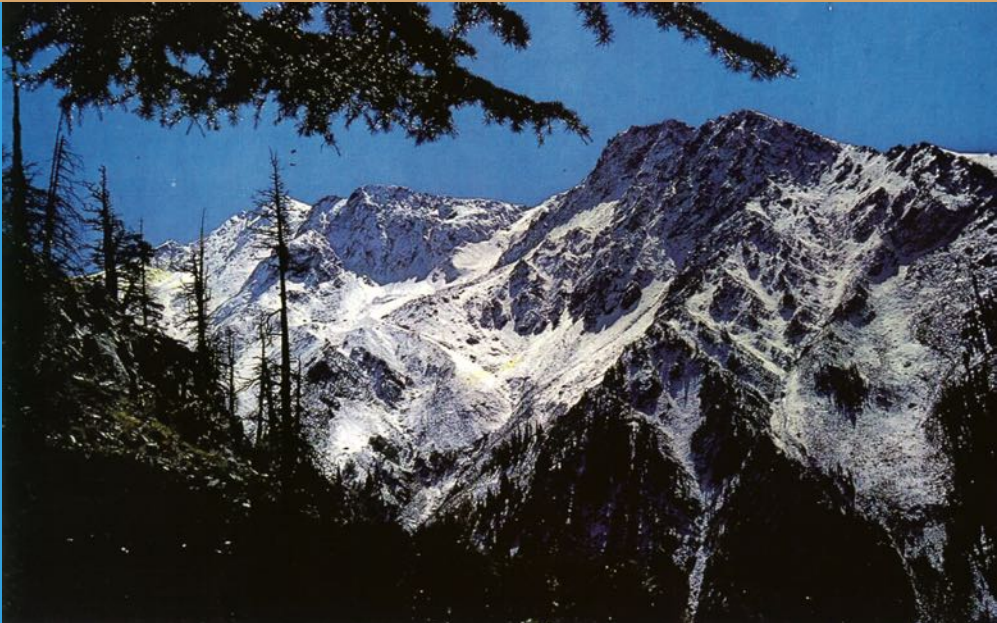
۲- جدول اقلیمی افغانستان را در کتابچه های خود تکمیل کنید.

نام اقلیم	خصوصیات	پوشش نباتی
اقلیم صحرایی		
	بارش زیاد برف و باران	
		میوه های خاندان ستروس
اقلیم مونسونی		
	بارنده گی در زمستان	

فعالیت خارج صنف:

محل سکونت شما دارای کدام نوع اقلیم می باشد؟ در چند سطر در کتابچه های تان بنویسید و فردا در صنف با همصنفان تان بخوانید.

کوه‌های مهم افغانستان



گوشه‌یی از طبیعت

افغانستان کشور یست کوهستانی، که تقریباً $\frac{1}{3}$ حصهٔ خاک آنرا کوهها در بر گرفته است. این کوه‌ها بیشتر در ساحهٔ مرکزی و شرقی افغانستان واقع اند. بعضی از کوه‌های وطن ما پوشیده از جنگل است. در کوه‌های بلند کشور ما، برف‌های دایمی وجود دارد. این برف‌ها در فصل‌های گرم سال آب شده، منبع دریاها را می‌سازد.

۱- هندوکش:

هندو کش بزرگترین کوه‌های افغانستان است که از پامیر خورد در شمال شرق افغانستان شروع شده به طرف جنوب غرب تا درهٔ بامیان امتداد دارد. این سلسله کوه در حصص مرکزی ساحهٔ وسیعی را در بر گرفته است. هندوکش برای مطالعهٔ خوب تر به دو حصه تقسیم شده است. هندوکش شرقی و هندوکش غربی.

هندوکش شرقی از درهٔ زیباک بدخشان تا کوتل خاواک امتداد دارد. هندوکش شرقی بلندی زیاد دارد. بلند ترین قلهٔ آن تراجمیر در چترال قرار دارد که (۷۷۵۰) متر ارتفاع دارد. بلند ترین قلهٔ آن در خاک افغانستان به نام نوشاخ یاد شده که (۷۴۸۵) متر از سطح بحر بلندی دارد. هندوکش غربی از کوتل خاواک تا درهٔ بامیان امتداد دارد. بلندی آن از هندوکش شرقی کمتر است. از همین سبب عبور و مرور از کوتل‌های آن نسبتاً آسان تر است. کوتل سالنگ به

ارتفاع (۳۴۰۰) متر و کوتل شیر به ارتفاع (۳۲۰۰) متر از کوتل‌های مشهور هندو کش غربی است که راه عبور و مرور مردم از شمال به جنوب و برعکس آن می‌باشد.

کوه بابا

کوه بابا در مرکز افغانستان از شرق به غرب از کوتل حاجی‌گک شروع شده تا جنوب کوه حصار امتداد دارد. بلندترین قله آن به نام شاه فولادی یاد شده که (۵۱۴۰) متر از سطح بحر ارتفاع دارد. قله‌های این کوه اکثر اوقات پوشیده از برف می‌باشد. در دامنه‌های شمالی و جنوبی آن چراگاه‌های خوبی برای تربیه حیوانات وجود دارد.

سپین غر:

سپین غر در شرق افغانستان واقع شده بلندترین قله آن سیکارام که (۴۷۵۵) متر از سطح بحر بلندی دارد. دامنه‌های شمالی و جنوبی آن پوشیده از جنگل‌های وسیع طبیعی است. دره معروف خیر که از لحاظ تاریخی و ارتباطی دارای اهمیت است در این رشته کوه قرار دارد. افغانستان کوه‌های زیادی دارد. کوه‌های مهم دیگر آن عبارت اند از: فیروز کوه یا سفید کوه غربی، سیاه کوه غربی، گل کوه، تیربندترکستان، کوه‌های سلیمان، چاگایی، تورغر یا سیاه کوه شرقی و غیره.

فعالیت داخل صنف:



شاگردان به سه گروه تقسیم شده بعد از بحث در موارد ذیل موضوع را در پیش روی صنف شرح دهند.

گروه اول: نقشه افغانستان را رسم کرده، کوه بابا را در آن نشان داده و در مورد آن معلومات دهند.
گروه دوم: نقشه افغانستان را رسم کرده سپین غر را در آن نشان داده و در مورد آن معلومات دهند.
گروه سوم: نقشه افغانستان را رسم کرده کوه هندوکش را در آن نشان داده و در مورد آن معلومات دهند.

سوالها:



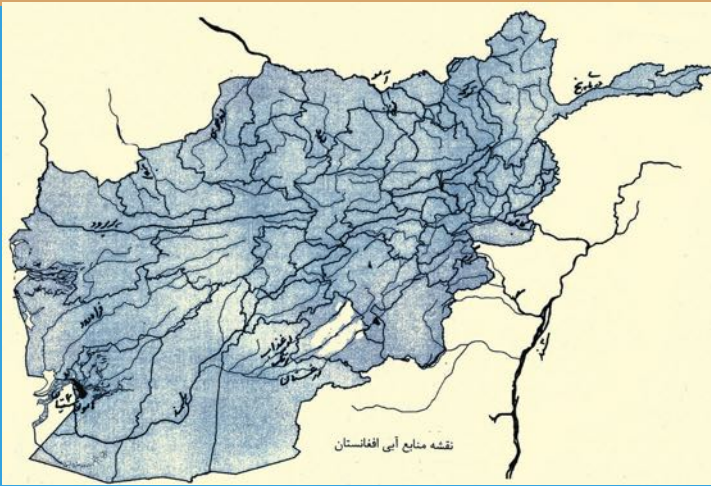
- ۱- کوه‌های افغانستان بیشتر در کدام منطقه موقعیت دارند؟
- ۲- کوه هندوکش در کدام قسمت وطن ما واقع است؟
- ۳- کوه بابا در کدام قسمت کشور ما واقع است؟
- ۴- کوه سپین غر در کدام قسمت کشور موقعیت دارد؟
- ۵- اهمیت کوه‌های افغانستان را شرح دهید؟

فعالیت خارج صنف:



نقشه افغانستان را در کتابچه‌های تان رسم نموده، کوه‌های مهم را از روی نقشه کتاب تان در آن نشانی کنید.

دریاهای افغانستان (به حیث شریان زراعتی و تولید انرژی)



نقشه دریاهای افغانستان به حیث شریان زراعتی و تولید انرژی

در درس کوه‌ها خواندیم که در بسیاری از کوه‌های بلند کشور ما، برف‌های دائمی وجود دارد. این برف‌ها در فصل گرمای سال آب شده، منبع آب دریاها را می‌سازد. دریاها در سرچشمه خود خورد بوده آب کم دارند. در مسیر راه آب چندین دره با هم یکجا شده، دریا بزرگتر شده می‌رود.

دریاهای بزرگ به صورت عمومی دارای معاونین و شاخه‌ها می‌باشند. معاونین دریاها در کنار راست و چپ دریا در جریان بوده، بالاخره آب آنها با دریاهای بزرگ یکجا می‌شوند. یکجا شدن این دریاهای کوچک با دریای بزرگ به نام سیستم دریاها یاد می‌گردد. علمای جغرافیه، افغانستان را از لحاظ جریان آبهای جاری به ۵ حوزه آبخیز تقسیم نموده اند که عبارت اند از:

- اول: دریاهای حوزه آمو.
- دوم: دریاهای حوزه کابل.
- سوم: دریاهای حوزه هلمند.
- چهارم: دریاهای حوزه هریرود.
- پنجم: دریاهای حوزه‌های بسته.

اول: دریاهای حوزه آمو

دریای آمو که یونانی‌ها آنرا به نام اکسوس و عربها آنرا به نام جیحون یاد کرده اند، بزرگترین دریای این حوزه می‌باشد که از پامیر خورد سرچشمه گرفته و در بحیرهٔ ارال می‌ریزد. این دریا از زرقول تا خم آب به طول (۱۲۰۰) کیلومتر سرحد طبیعی بین افغانستان و جمهوریهای تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد. معاونین آن از خاک افغانستان دریاهای کندز و کوکچه می‌باشند.

دوم: دریاهای حوزه کابل

بزرگترین دریای این حوزه دریای کابل است که از کوتل اونی کوه پغمان سرچشمه گرفته، از غرب به طرف شرق جریان دارد. از شهر کابل ولایت لغمان و ننگرهار گذشته در قسمت اتک پاکستان به دریای سند میریزد. معاونین دریای کابل عبارت اند از: دریای لوگر، پنجشیر،

لغمان (الیشنگ و الینگار) و دریای کنر. از آب دریای کابل در آبیاری زمین‌های زراعتی استفاده می‌شود. بند برق ماهیپر، نغلو، سروبی و درونته در مسیر آن ساخته شده که از برق آن برای تنویر شهرهای کابل و جلال آباد استفاده می‌شود.

- سوم: دریاهای حوزه هلمند

بزرگترین و طولیترین دریای افغانستان دریای هلمند است، که از دامنه‌های غربی کوه پغمان سرچشمه گرفته به طرف غرب جریان دارد. طول آن (۱۴۰۰) کیلومتر است. معاونین آن کادیرود، دریای موسی قلعه، ارغنداب، ترنک و ارغستان میباشند. بعضی از دریاها با هلمند یکجا نشده و در جهیل سیستان میریزند. عبارت اند از: خاشرود، فراه رود، ادرسکن یا هاروت. بالای دریای هلمند در منطقه گرشک بندبغرا اعمار گردیده است. این بند مناطق نادعلی و دشتی را که در غرب قلعه بست واقع است، آبیاری می‌کند.

چهارم: دریاهای حوزه هریرود

مهمترین دریای این حوزه، هریرود است که از غرب کوه بابا سرچشمه گرفته از شرق به طرف غرب جریان دارد. این دریا از اسلام قلعه تا ذوالفقار سرحد طبیعی بین افغانستان و ایران را تشکیل میدهد. هریرود در مسیر خود ولایت هرات را سرسبز می‌سازد. دریای مهم دیگر این حوزه دریای مرغاب می‌باشد.

پنجم: دریاهای حوزه‌های بسته:

دریاهای که از مناطق مرتفع کوهستانی سرچشمه گرفته و در یک مسیر بسته جریان دارند و با کدام دریای دیگر یکجا نمیشوند، بنام دریاهای حوزه بسته یاد می‌شوند و عبارت اند از: دریای غزنی که بعد از عبور از شهر غزنی به آب استاده غزنی می‌ریزد. دریاهای دیگر این حوزه عبارت اند از دریای بلخاب، دریای سمنگان، دریای اندخوی و دریای قیصار.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به چهار گروه تقسیم شوند، دو گروه در باره دریاهای حوزه آمو و دو گروه در مورد دریاهای حوزه کابل و حوزه هلمند طور جدا گانه با هم بحث نموده نماینده هر گروه موضوع را در پیش روی صنف تشریح نمایند.

سوالها:

- ۱- طولیترین دریای افغانستان کدام است؟
- ۲- دریاهای حوزه‌های بسته را نام بگیرید.
- ۳- هریرود از کدام کوه سرچشمه گرفته و کدام مناطق را سرسبز می‌سازد؟

فعالیت خارج صنف:

دریاهای حوزه باز مثل هلمند را با دریاهای حوزه‌های بسته مقایسه کنید و معلومات خود را در صنف ارایه کنید.

در باره جهیل‌های افغانستان چه میدانید؟



آب ایستاده را که چهار طرف آن خشکه باشد جهیل می نامند. وطن ما افغانستان در بعضی نواحی دارای حوزه‌های بسته بوده که باعث به وجود آمدن جهیل‌ها گردیده است. بعضی از این جهیل‌ها از لحاظ مساحت خورد و بعضی بزرگ میباشند.

یک تعداد از این جهیل‌ها در مناطق بلند و مرتفع از آب‌های یخچالی به وجود آمده و برخی در مناطق هموار و کم ارتفاع آبریزه دریا‌های منطقه یی را تشکیل داده و به نام‌های مختلفی چون هامون، کول، آب ایستاده و یا جهیل یاد میشوند.

هامون سیستان:

هامون هلمند، هامون صابری، هامون پوزک و گود زیره در گوشه جنوب غرب کشور در ولایت نیمروز آبریزه دریا‌های منطقه یی را تشکیل می دهند. ساحل این هامونها نظر به وضع آبخیزی دریاها فرق می کند. هامون هلمند قسمتی از سرحد طبیعی بین افغانستان و ایران را تشکیل داده است، طوریکه یک قسمت آن به افغانستان و یک بخش دیگر به ایران تعلق دارد.

جهیل شیوا:

جهیل شیوادر ولایت بدخشان موقعیت دارد. آب آن صاف بوده در موسم زمستان آنرا یخ میزند. ارتفاع جهیل شیوا از سطح بحر (۳۰۵۰) متر می باشد.

جهیل زرقول:

جهیل زرقول یا زرقول که به نام جهیل ویکتوریا هم یاد می شود، در سطح مرتفع پامیر در

قسمت خط سرحدی بین افغانستان و تاجکستان واقع است. این جهیل منبع اولی آب دریای پامیر و آمو را تشکیل میدهد. طول ساحل شمالی آن شش کیلومتر و از ساحل جنوبی آن ده کیلومتر و عرض آن چهار و نیم کیلومتر است. این جهیل هم یخچالی بوده در اکثر وقت سال آب آن منجمد و یخ بسته می‌باشد.

جهیل چقمقتین:

این جهیل هم در پامیر موقعیت دارد. دریای و اخان از این جهیل سرچشمه می‌گیرد. طول این جهیل هفده کیلومتر و عرض آن دونیم کیلومتر است. اطراف آن سرسبز و شاداب بوده چراگاه حیوانات مردم قرغز را تشکیل داده است.

آب ایستاده غزنی:

به سمت جنوب ولایت غزنی موقعیت دارد. دریای غزنی در آن میریزد. آب این جهیل طعم خوب ندارد.

جهیل نمکسار هرات در بین خط مرزی افغانستان و ایران موقعیت دارد. آب آن نمکی بوده و از آن نمک استحصال میکنند.

علاوه بر جهیل‌های فوق، یک تعداد بندهای طبیعی که جهیل‌های خورد منطقه‌ی را تشکیل داده اند نیز در کشور ما وجود دارند که مناظر زیبا و جالبی را تشکیل میدهند مانند بند امیر (بند هیبت، پنیر، پودینه ذولفقار و جداسل) در ولایت بامیان.

فعالیت داخل صنف:

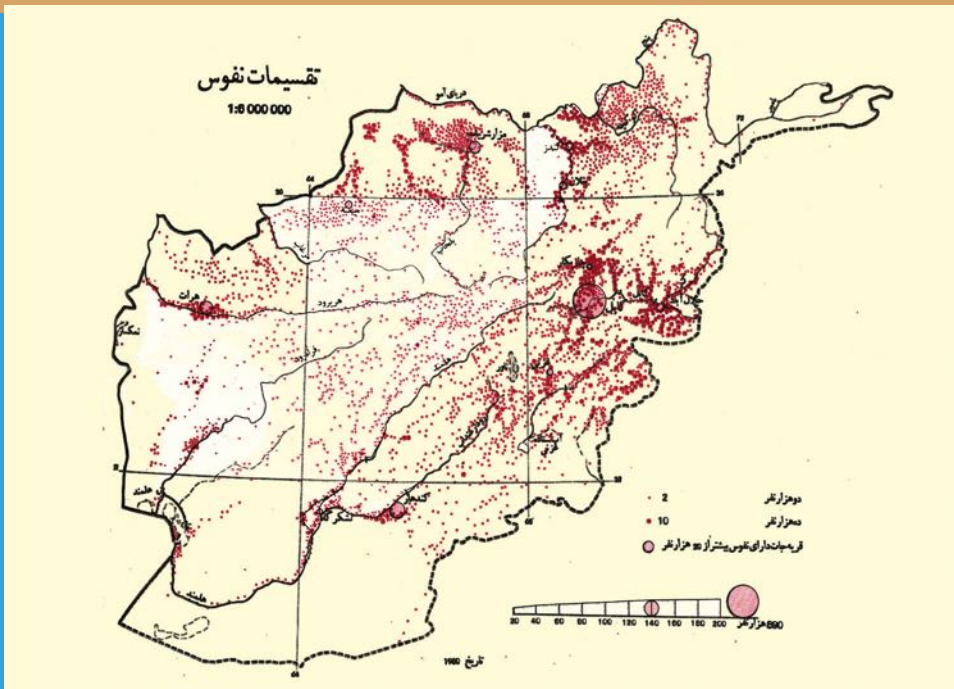
شاگردان به چهار گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد جهیل‌ها، گروه دوم در مورد هامون سیستان و آب ایستاده غزنی، گروه سوم در باره جهیل‌های ولایت بدخشان و گروه چهارم در مورد بند امیر با هم بحث کنند و نتیجه مباحثات خود را در پیش روی صنف شرح دهند.

سوالها:

- ۱- جهیل را تعریف کنید.
- ۲- جهیل‌های مناطق مرتفع و مناطق پست از هم چه تفاوت دارند؟
- ۳- هامون هلمند قسمتی از سرحد بین کدام کشورها را تشکیل نموده است؟
- ۴- جهیل زرکول در کدام قسمت افغانستان واقع است؟
- ۵- بند امیر در کدام قسمت افغانستان موقعیت دارد؟

فعالیت خارج صنف:

جهیل‌های را که خودتان دیده اید، نام گرفته، در مورد آن چند سطر در کتابچه‌های تان بنویسید و فردا در صنف با همصنفان تان ارائه دارید.



دانش جغرافیا به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که یکی از آن شاخه‌های اصلی جغرافیای بشری است که در موضوعات چون نفوس، اقوام، زبان‌ها و دین‌ها... بحث می‌کند.

نفوس:

افغانستان سرزمین پهناوری است که ۳۲ میلیون نفر جمعیت دارد. در سال ۱۳۹۴ تراکم نفوس افغانستان ۴۲ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد و پراکنده گی نفوس در افغانستان در تمام جاها یکسان نیست. در مناطق شرقی تراکم زیاد و در مناطق جنوب غربی و مرکزی تراکم نفوس کم است. باشندگان کشور بنابر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و اقلیمی از قریه‌ها و دهات بسوی شهرها مهاجرت میکنند که این امر سبب تراکم نفوس در شهرها گردیده است.

اقوام

کشور عزیز ما افغانستان به نام جمهوری اسلامی افغانستان و مردم وطن ما همه مطابق عنعنه تاریخی و روی ایجابات وحدت سیاسی (افغان) نامیده میشوند. اما از لحاظ ساختمان جغرافیای بشری، افغانستان از ملیت‌های مختلف چون ملیت پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، نورستانی و غیره تشکیل یافته است.

پشتونها و تاجک‌ها از نژاد آریایی و مردم اصلی این سرزمین می‌باشند. پشتونها و تاجک‌ها

در تمام نواحی کشور زنده گی میکنند. هزاره‌ها، ازبکها و ترکمن‌ها از جمله قبایل دیگر مردم افغانستان اند. نورستانی‌ها و پشه‌یی‌ها نیز از جمله اقوامی اند که از خود لهجه و زبان خاصی دارند و در ولایات شرقی زنده گی دارند. بلوچها به زبان بلوچی صحبت میکنند و در جنوب غرب افغانستان زنده گی می‌کنند.

زبانها

در افغانستان بیش از سی زبان و لهجه وجود دارد. که بعضی از آنها عبارت اند از: پشتو، دری، بلوچی، ازبکی، ترکمنی، پراچی، منجی، واخی، زیباکی، اشکاشمی، پشه‌یی، نورستانی، تیرایی، جتی، سندی، پنجابی و غیره که از میان آنها دو زبان پشتو و دری که اکثریت مردم کشور ما با آنها آشنایی دارند، زبانهای رسمی وطن ما می باشد.

دین:

مردم وطن ما پیرو دین مقدس اسلام هستند. اکثریت مردم ما پیرو مذهب حنفی اند. عده یی پیروان مذاهب جعفری و اسماعیلیه و یک تعداد محدود اهل هنود هم در افغانستان زنده گی میکنند

فعالیت داخل صنف:



شاگردان به چهار گروه تقسیم شوند. هر گروه در مورد یکی از موضوعات جغرافیای بشری چون: نفوس، اقوام، زبان‌ها و دین مردم افغانستان با هم بحث و مذاکره نموده، یک نفر از هر گروه موضوع را در پیش روی صنف تشریح نماید.

سوالها:



- ۱- چرا مردم افغانستان به نام افغان یاد می شوند؟
- ۲- به چه تعداد زبان‌ها در افغانستان موجود است؟ چند زبان آن را نام بگیرید.
- ۳- زبان‌های رسمی افغانستان را نام بگیرید؟
- ۴- پیروان کدام ادیان در افغانستان زیست دارند؟

فعالیت خارج صنف:



در ولایت و محل زنده گی شما مهاجرت از روستا به شهر زیاد است یا بالعکس آن، در چند سطر بنویسید و به صنف ارائه دهید.



نقشه زراعتی افغانستان

رشد و نموی نباتات به هوا، آب، خاک، آفتاب و مواد غذایی خوب و مختلف ضرورت دارد. خاک زمین تکیه گاه نباتات، در خود مواد مختلفه غذایی را دارد. افغانستان کشوری است که در حدود ۸۵٪ مردم آن از محصولات زراعتی امرار حیات می کنند. شیوه زراعت در کشور ما از دوران آریایی ها تا بحال بشکل عنعنه یی قلبه کردن زمین توسط حیوانات و کار پر زحمت دهقانی توسط دست صورت می گیرد. در بعضی ولایات ندر تا از ماشین و آلات عصری نیز استفاده می شود. حاصلات زراعتی در کشور ما شامل حبوبات، گندم، جو، جواری، برنج، ارزن، لوبیا، نخود، ماش، مشنگ، باقلی و غیره می باشد.

گندم:

زرع گندم به شکل آبی و للمی در فصل خزان و بهار در زمینهای زراعتی کشور ما صورت می گیرد. گندم خزانی در مناطق گرم سیر در ارتفاع ۲۵۰۰ متر و گندم بهاری بشکل آبی و خشکه الی ارتفاع ۳۳۰۰ متر زرع می گردد. در مناطق سرد سیر در یک سال یک فصل یا دو فصل حاصل می دهد و در بعضی مناطق گرم سیر مثل ننگرهار در یک سال از یک زمین زراعتی سه فصل حاصل گرفته می شود.

گندم للمی در برج حوت و حمل در دامنه های تپه ها، و زمینهای هموار کشت می شود که از آب باران های بهاری سیر آب می گردد.

در افغانستان با داشتن ۶۶ میلیون هکتار زمین فقط تا بحال ۳,۳۷ میلیون هکتار زمین برای کشت گندم اختصاص داده شده است.

تولید مجموعی غله در سال ۱۳۸۶ هـ ش ۵,۶ میلیون تن حساب شده و غرض خوراکه مردم ما به تولید ۵۲۷ هزار تن گندم دیگر ضرورت بود. با استفاده از ماشین آلات زراعتی محصولات گندم در هر هکتار زمین ۲,۶ تن بوده و تولید گندم در سطح کشور ما در سال ۱۳۸۶ هـ ش به ۴,۵ میلیون تن افزایش یافته است.

برنج

زرع برنج باریک و لک که در جمله مواد غذایی مردم ما بعد از گندم می باشد در ساحه ۲۱۴ هزار هکتار زمین صورت می گیرد. زرع نبات برنج در مناطقی که اقلیم گرم و مرطوب و دارای آب فروان باشد، خوب حاصل می دهد. برنج باریک باره بغلان، برنج پشد کتر، برنج باریک لغمان، و برنج باریک خان آباد، کندز و مزارشریف شهرت دارد.

جواری:

جواری از جمله مواد خوب غذایی مردم وطن ماست که زرع آن الی ارتفاع ۲۶۰۰ متر و ساحه کشت آن ۵۰۰ هزار هکتار زمین را در بر می گیرد که زیاد تر در ولایات پکتیا و ننگرهار کشت می گردد.

فعالیت داخل صنف:



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. هر گروه در مورد یکی از فعالیت های زیر باهم بحث و گفتگو کنند و یک نفر به نماینده گی از گروه خود نتیجه مذاکرات خود را در پیش روی

صنف شرح دهد:

- راجع به کشت گندم معلومات دهید.
- راجع به کشت برنج معلومات دهید.

سوالها:



- ۱- مهمترین محصولات زراعتی کشور را نام گیرید.
- ۲- در مورد گندم آبی و اوقات کشت آن معلومات دهید.
- ۳- در مورد کشت گندم للمی معلومات دهید.
- ۴- در مورد کشت برنج و انواع آن چه میدانید؟

فعالیت خارج صنف:



در منطقه شما کدام محصولات زراعتی کشت می شود، معلومات خود را به همصنفان خود ارائه دهید.



مزرعه نیشکر

مزرعه زعفران



الف: نباتات صنعتی:

با توجه به موقعیت جغرافیایی و اوصاف طبیعی افغانستان، نباتات صنعتی و طبی فراوانی در این کشور می روید. نباتات صنعتی در کشور ما عبارت اند از پنبه، لبلبو و نیشکر.

۱- پنبه: نبات پنبه شامل تریشه بنام لیفه و پنبه دانه می باشد که در فابریکات نساجی از هم جدا ساخته شده از لیفه آن، محلول جدا شده و در فابریکات نساجی از آن اقسام تکه های نخ، شطرنجی، جوال و ریسمن می سازند.

از پنبه دانه آن روغن نباتی، صابون کالا شویی و از تفاله آن کنجاره حیوانی تهیه می گردد. قبل از جنگهای داخلی در کشور ما فابریکات نساجی بگرامی، گلپهار، پلخمري، کندز، مزارشريف، بلخ، هرات، هلمند، قندهار و ننگرهار فعالیت و تولیدات داشتند.

نبات پنبه در برج ثور کشت و در اواخر خزان به درجه های اول، دوم، سوم و چهارم حاصل آن توسط دست چیده می شود. نبات پنبه در بهار با باران زیاد و تابستان گرم حاصل خوب می دهد. ولایاتی که نبات پنبه در آن کشت می گردد عبارت اند از: بغلان، کندز، تخار و بدخشان که نود فیصد پنبه کشور را تهیه می کند. نبات پنبه در ولایات سمنگان، بلخ، هرات، هلمند، ننگرهار، لغمان، پروان و کاپیسا نیز زرع می شود. یک قسمت پنبه محلول در بازارهای داخلی کشور غرض پر کردن لحاف، دوشک و بالش ب فروش می رسد.

۲- لبلبو:

لبلبو در زمین‌های که دارای مواد آهکی و بدون سنگ باشد، برای کشت مناسب است. ساحة وسیع کشت آن در ولایات بغلان و کندز می‌باشد. در فابریکه قند بغلان از لبلبو بوره و از تفاله آن گنجره حیوانی تهیه می‌کنند.

۳- نیشکر:

نبات نیشکر در هوای گرم و مرطوب که دارای آب فراوان باشد، می‌روید این نبات بیشتر در ولایات ننگرهار، لغمان، و کتر زرع می‌شود که از آن گر تولید می‌گردد و تفاله آن خوراکه حیوانات است. در این اواخر قلمه آن از هند وارد و در ولایات کندهار و هلمند نیز زرع می‌شود.

شماره	نام نبات	ساحة کشت به جریب
۱	پنبه	۲۷۲۸۷۰
۲	لبلبو	۲۲۵۹۰
۳	نیشکر	۱۱۸۴۰

ب- نباتات طبی:

در جمله نباتات طبی زعفران و جوانی و بادیان در فصل‌های زراعتی کشت و متباقی نباتات مثل شیرین بویه، هنگ، کاسنی، پنیرک، مستار، اسپند، ختمی، خاکشیر، شیر خشت، گربه خورک، ملنگان، اسفرزه، پیاز و سیر کوهی تماماً به شکل خود رو در دامنه‌های کوها، تپه‌ها، دشت‌ها و کنار جویبارها و در مزارع زراعتی سرسبز می‌شوند و بحیث ادویه شفا بخش به نام ادویه یونانی در بازارهای داخلی به فروش می‌رسند. زعفران، شیرین بویه، هنگ و بعضی دیگر نباتات طبی قلم مهم صادراتی کشور مارا تشکیل می‌دهند.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد پنبه و طرق استفاده از آن، گروپ دوم در باره لبلبو و نیشکر و استفاده از آن و گروپ سوم در مورد نباتات طبی و استفاده از آن بحث نموده یک نفر به نماینده گی از گروپ خویش نتایج مورد بحث خود را در یش روی صنف برای هم‌مصنفان خود بیان کند.

سوالها:

- ۱- ولایاتی که پنبه در آن کشت می‌شود، نام گیرید؟
- ۲- از لبلبو چی استفاده می‌شود؟
- ۳- نیشکر در چه نوع آب و هوا خوب رشد می‌کند؟
- ۴- نباتات طبی را نام ببرید.

فعالیت خارج صنف:

در منطقه شما چه نوع نباتات صنعتی و طبی رشد می‌کند در کتابچه‌های تان بنوسید و فردا آن را با هم‌مصنفان خود شریک سازید.

از مالداري، علفچرها و جنگل‌های افغانستان چه میدانید؟



حيوانات اهلي - گاو و گوسفند



الف - مالداري:

نگهداري حيوانات يکي از منابع مهم ثروت کشور ما است که به دو نوع تقسيم می شوند.
۱- حيوانات اهلي: گوسفند، بز، گاو شيري و قليه يی، مرکب، اسب، اشتر و مرغهای خانه گي می باشند.
 گوسفند: گوسفند هزاره گي، ترکي و قندهاري به رمله‌های خورد و بزرگ نزد زميندارها و کوچي‌ها که توسط چوپان‌ها چرانیده می شوند، نگهداري می شود. از گوشت، پوست، پشم و روده آن استفاده می گردد. پشم، پوست و روده آن به خارج صادر می شود که روده گوسفند ترکي خريدار زياد دارد.

گوسفندهای قره قل که زياد تر نزد مالداران صفحات شمال کشور مثل سمنگان، بلخ، جوزجان، فارياب، کندز و هرات نگهداري می شود. از پوست گوسفند پوستين و پوستينچه ساخته می شود که به ممالک سرد سیر مثل کانادا، روسيه، ايالات متحده امريکا زيادتر به فروش می رسد. از پوست بره قره قل به نام پوست سور، کبود چه، سياه تفر به ممالک اروپاي غربی ايالات متحده امريکا، هند و کانادا صادر می شود.

گاو شيري: از شير آن لبنیات به دست می آيد و زيادتر نزد زمين داران و دهاقين در دهات نگهداري می شود.

اسب: اسب قطغني، مزاری، ترکمني و هراتي مشهور است و برای سواري، بزکشي، نيزه بازي، باربري، دهقاني و در کراچي و گادي از آنها استفاده می گردد.

اشتر: زيادتر نزد کوچي‌ها نگهداري می شود و در موقع کوچ کشي به سرزمين‌های سرسبز و علفچر آنها بار بندي می کنند و می گویند اشتر حيوان وفادار است که خار می خورد و بار می برد.
مرکب (خر): مرکب (خر) که برای بارکشي بکار ميرود، زياد تر نزد دهاقين و خر کاران نگهداري می شوند. مرکب صفحات شمال قوي و جسامت بزرگ دارد.

حيوانات وحشي: در کشور ما ۱۲۰ نوع حيوانات پستاندار وجود دارد که از جمله پلنگ برفي، پلنگ تازی، شير، گرگ، روباه، شغال، خرگوش، و غيره بوده و در حدود ۵۰۰ نوع پرنده گان مختلف و از آن جمله کلنگ، قاز، شاهين، مرغ آبي، کبک، مرغ دشتي و اقسام

گنجشکان پیدا می‌شود.

علفچرها:

چراگاه‌های افغانستان در حدود ۳,۲ میلیون هکتار زمین را در بر می‌گیرد. چمن زارهای مناطق گرم سیر در صفحات شمال، جنوب و شرق کشور، چراگاه‌های دایمی حیوانات را تشکیل می‌دهد. در ساحه جنگلات، دره‌ها، دامنه‌های سلسله کوه هندوکش و کوه‌های دیگر افغانستان واقع در شمال، ولایات مرکزی، شرقی و جنوبی دشت ناهور غزنی وطن ما در هوایی معتدل بهار و هوای گرم تابستان چراگاه‌های خوبی برای مالداران و کوچی‌های مالدار می‌باشد. این ثروت خدا داد از ارزش مهم حیاتی برخوردار است.

ج - جنگل‌ها:

در افغانستان حدود دو میلیون هکتار زمین را ساحه جنگلات در بر می‌گیرد. مناطق جنگلزار در کشور ما در ولایات نورستان، کنر، ننگرهار، لغمان، پکتیا، پکتیکا، بدخشان، بغلان، سمنگان، سرپل، بادغیس و هرات می‌باشد. چوب چار تراش کنر و نورستان خریداران در سطح جهانی دارد و قلم مهم صادراتی کشور ما را تشکیل می‌دهد. توجه جدی دولت در ممانعت از قطع درختان در این اواخر صورت گرفته و غرس اقسام نهالها در این نقاط لازم می‌باشد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به چهار گروپ تقسیم شوند. هر گروپ بالای یکی از موضوعات (گاو، گوسفند، حیوانات وحشی، علفچرها و جنگلات طبیعی) بحث نمایند.

سوالها:

شاگردان عزیز در جدول زیر به دقت متوجه شده، اعداد پهلوی کلمات و اصطلاحات را به الفباً مربوط توضیحات آن در کتابچه‌های خود برسانید مثلاً عدد ۴ به حرف الف ارتباط دارد.

۱	اشتر	الف	پوست آن قلم مهم صادراتی کشور ماست.
۲	گاو شیری	ب	برای پیدا کردن چراگاه‌ها از یک جا به جای دیگر کوچ می‌کنند.
۳	کوچی‌ها	ج	از آن در سواری، بارکشی، بزکشی، نیزه بازی استفاده می‌شود.
۴	گوسفند قره قل	د	حیوان وفادار است که خار می‌خورد و بار می‌برد.
۵	اسب	هـ	مناطق سرسبز و علف دار است که رمة‌های گوسفند، بز، اسب، گاو و خر در آن می‌چرند.
۶	جنگلات	و	از آن لبنیات به دست می‌آید.
۷	پسته و بادام	ز	از جمله میوه‌های صادراتی کشور ماست.
۸	چراگاه	ح	ثروت طبیعی و دارایی ملی ماست.

فعالیت خارج صنف:

حیوانات وحشی را نام گرفته و هم مطلبی در کتابچه‌های تان بنوسید که در برابر آن‌ها چی باید کرد؟



معدن زغال سنگ

زغال سنگ: زغال سنگ منشأ نباتی داشته، از جمله احجار رسوبی بحیث مواد سوخت حساب می شود. بعد از اختراع ماشین بخار توسط جیمزوات (انگلیسی) در ۱۷۵۰م مورد توجه جدی و استفاده قرار گرفت.

معدن زغال سنگ کشور ما همزمان با تشکیل کوه هندوکش، درختان، بته ها، علوفه جنگلات در لابلای احجار قرار گرفته و به اثر فشار و حرارت زیاد در نبودن هوا در زمان طولانی به کتله های زغال سنگ مبدل شده که اکنون در دره صوف سمنگان، کرکر پلخمري، آشپشته دره سیغان، کرخ هرات و بنگی خان آباد کندز ذخایر بزرگ آن بدست آمده است. قبل از جنگ های داخلی در کشور ما از معدن زغال سنگ در فعال ساختن فابریکات، گرم کردن منازل در فصل زمستان، پخت و پز مواد غذایی مؤسسات عسکری و لیلیه های ملکی به کار برده می شد.

معدن زغال سنگ دره صوف از دوره امیر عبدالرحمن خان به شکل ابتدایی مورد استفاده قرار گرفته و در حدود ۷۶ میلیون تن ذخیره آن تثبیت شده است.

ذخیره معدن زغال سنگ کرکر پلخمري که جنس خوب کوک دارد در حدود چهار میلیون

تن است. ذخیره زغال سنگ کرخ هرات واقع زیر کوتل سبزک که توسط شرکت خصوصی مورد استخراج قرار گرفته در حدود ۱۴۰۰ تن تخمین گردیده است. و ذخیره زغال سنگ بنگی خان آباد هنوز دست ناخورده باقی مانده است.

نفت: منشأ حیوانی داشته، از گندیده شدن و پوسیدن اجساد حیوانات بحری در نبود هوا، تحت فشار زیاد در زمان‌های طولانی در بین طبقات رسوبی زمین بوجود می‌آید. از تصفیه نفت، تیل طیاره، تیل دیزل برای سوخت ماشین‌های دیزلی، تیل پترول برای سوخت ماشین‌های سوخت پترولی، تیل خاک، تیل سیاه و دیگر مشتقات آن مثل مبلایل، گریس، وایکم، قیر، واسیلن و غیره به دست می‌آید. تفحصات نفت و گاز طبیعی در افغانستان از سال ۱۳۱۴ هـ.ش تا ۱۳۴۳ هـ.ش صورت گرفته و نتیجه بر آن شد که از ولسوالی رستاق تخار الی سرحد ایران شرق و غرب و جنوب آمو دریا تا دامنه‌های شمالی تیربند ترکستان هندوکش غربی و کوه بابا برای پیدایش نفت مساعد است.

ذخایر نفت در رستاق، تالقان، آبدان میرعلم، شیرغان، میمنه، هرات و هلمند تثبیت گردیده است.

گاز طبیعی: در شیرغان در مناطق خواجه گوگردک (یتیم تاق) خواجه برهان و جرقودق موجود است که از وقت استخراج آن توسط روس‌ها یک مقدار آن توسط پایپلین به شوروی سابق صادر گردیده است..

از سوخت گاز طبیعی در گرم کردن منازل در زمستان، پخت و پز مواد غذایی و روشن کردن چراغ‌های گازی به کار برده می‌شود

فعالیت داخل صنف:

اعضای محترم هر گروه به سوال مربوط خویش مختصر و با مفهوم جواب بنویسند.

۱- صورت تشکیل زغال سنگ در کشور ما و صورت استفاده آن را بنویسید.

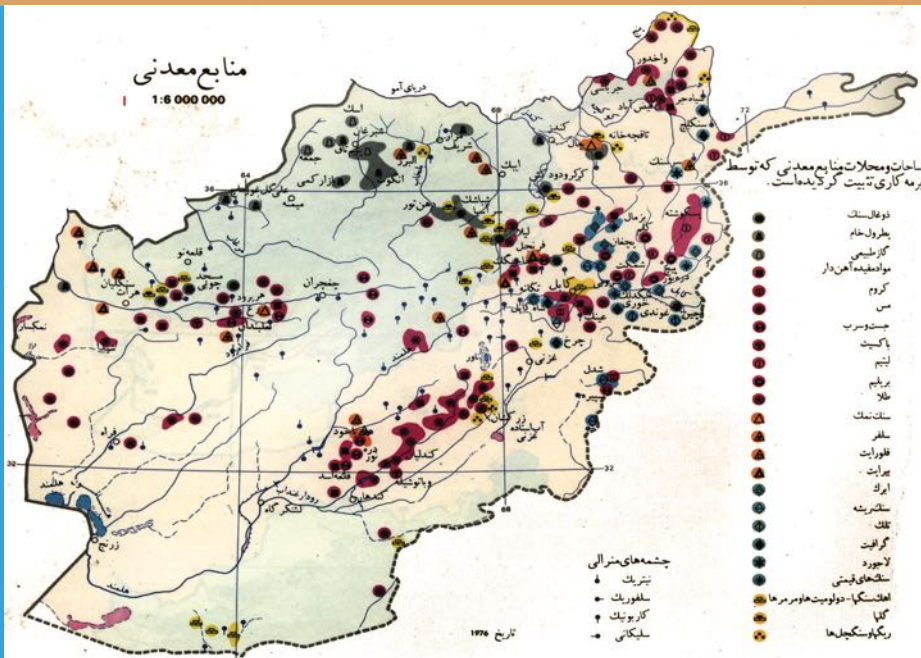
۲- نفت چطور تشکیل می‌شود و بعد از تصفیه به کدام اجزا تبدیل می‌شود؟

۳- معادن نفت گاز طبیعی در کدام مناطق کشور ما پیدا می‌شود؟

۴- از گاز طبیعی چه استفاده می‌شود؟

فعالیت خارج صنف:

۱- اگر تیل طیاره، پترول، دیزل و گاز طبیعی به کشور ما وارد نه گردد، چه مشکلات را بار خواهد آورد؟



نقشه معادن افغانستان

افغانستان دارای معادن مختلف نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، آهن، مس، طلا، نقره، سرب، جست، نمک، سلفر، سنگ های قیمتی و سنگ مرمر می باشد.

آهن: آهن به رنگ های نضواری، سرخ، قهوه یی و سیاه، زرد لیمویی در قشر زمین فراوان پیدا می شود. معادن آهن در کوتل حاجی گک بامیان، همچنان در ولایات ارزگان، خاگزیز قندهار، فیض آباد فاریاب، پکتیا، هرات و جبل السراج پروان موجود است. آهنگران کشور ما در صنایع دستی از آهن آلات و ابزار دهقانی، نجاری و کار آمد خانه ها را می سازند.

مس: در زمان قدیم جای اسلحه و افزار سنگی و چوبی را فلز نرم سرخ رنگ مس گرفت و انسانها یک گام به سوی ترقی گذاشتند. معادن آن در کشور ما در عینک لوگر، کهنه خمار میدان، منارچکری کابل، خاگزیز قندهار، غوربند، بدخشان و مزار شریف موجود است. مس هادی قوی برق و حرارت است و از سیم های آن در لین های برق استفاده می شود. مسگران وطن ما از مس دست داشته شان دیگ های خورد و کلان مسی، چلو صاف، مجمع، آب گردان، ملاقه، کفگیر و قاشق می سازند.

طلا: فلز قیمتی، رنگ و جلای مقبول و قابل توجه دارد و زنگ نمی گیرد و بحیث پشتوانه

بزرگ پولی بوده و اقسام زیورات آن زینت خانم‌ها را تشکیل می‌دهد.

طلا در کشور ما در مناطق زابل، قندهار و در بستر دریای کوکچه پیدا می‌شود.

نقره: نقره مثل طلا زنگ نمی‌گیرد و هادی قوی برق و حرارت بوده، بحدیث زیورات استعمال زیاد دارد. معادن آن در مناطق پنجشیر، سیم کوه هرات و بی بی گوهر قندهار وجود دارد.

سنگ‌های قیمتی: لاجورد در کوه‌های بدخشان از زمان‌های قدیم شناخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است. لاجورد کشور ما شهرت جهانی دارد و بدرجات ۱ الی ۵ درجه تقسیم شده و در خارج به فروش می‌رسد. یاقوت، لعل و لاجورد بدخشان و زمرد پنجشیر زیاد مشهور است.

معادن سرب و جست: معادن آن در هزاره جات، دامنه‌های هندوکش، مزارشریف، بدخشان و قندهار یافت می‌شود.

معادن نمک: معادن نمک در مناطق تالقان تخار، اندخوی جوزجان، هرات، مزارشریف، مقررغزنی و نمک سنگی کوهی سبز رنگ در هزاره جات پیدا می‌شود. از معادن نمک تالقان و سنگی هزاره جات در مواد غذایی زیاد استفاده می‌گردد در این اواخر از نمک آیودین دار نیز استفاده می‌شود.

سلفر: معدن سلفر یا گوگرد به ذخیره ۶۰۰ تن در مزارشریف و یک مقدار در اشکاشم بدخشان تثبیت شده است.

فعالیت داخل صنف:

دانش آموزان به چهار گروپ تقسیم شوند، هر گروپ راجع به دو عنوان از معادن افغانستان با هم صحبت کنند و نتایج را در صنف ارایه کنند:

سوالها:

- ۱- معدن مس افغانستان در کدام ولایت موقعیت دارد؟
- ۲- معدن طلا در کدام مناطق دست یاب می‌شود؟
- ۳- اهمیت معدن آهن را بیان کنید.

فعالیت خارج صنف:

هر شاگرد راجع به معدن منطقه خود معلومات تهیه نموده در ساعت درسی آینده جغرافیه در صنف ارایه نماید.



راه مواصلاتی خشکه

اهمیت راه‌ها و وسایط حمل و نقل در زنده گی مردم افغانستان راه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- راه‌های خشکه ۲- راه‌های آبی ۳- راه‌های هوایی.

در افغانستان اقسام موتر در سرک‌های موتر رو و اقسام طیارات در راه‌های هوایی برای حمل و نقل مسافران و کالا در فعالیت اند. قبل از وارد شدن اقسام موتر در افغانستان، تجارت داخلی و خارجی در کشور ما توسط کاروان‌های حیوانی اشتر، اسب و قاطر صورت می‌گرفت. موتر در دوره امیر حبیب الله خان شهید در وطن وارد شد و بعدها اقسام زیاد موترهای باردار و تیز رفتار در کشور وارد گردید و به ساختن سرک‌های موتر رو اقدامات صورت گرفت. از آن زمان تا به حال ۱۵۰۰۰ کیلومتر سرک‌های موتر رو ساخته شده که اضافه تر از نصف آن سرک قیر و کانکریتی می‌باشد. و متباقی آن سرک‌های خامه اند که مناطق مختلف کشور را با هم ارتباط می‌دهد.

سرک‌های مهمی که کابل را به ولایات و بنادر کشور وصل می‌سازد عبارت اند از:

- سرک کابل، قندهار به طول ۸۴۳ کیلومتر قیر شده.
- سرک قندهار، هرات، تور غندی، به طول ۶۷۹ کیلومتر کانکریتی.
- سرک هرات، اسلام قلعه، به طول ۱۲۴ کیلومتر قیر شده.
- سرک قندهار سپین بولدک، به طول ۱۰۴ کیلومتر قیر شده.
- سرک کابل، تورخم که اکثرا حمل و نقل اموال تجارتي توسط موترهای باربری از آن طریق صورت می‌گیرد و به طول ۲۳۱ کیلومتر قیر شده.



- سرک کابل شیرخان بندر به طول ۴۰۵ کیلومتر قیر شده.
 - سرک پلخمری، مزار شریف، شبرغان به طول ۳۶۰ کیلومتر قیر شده.
 - سرک کابل گردیز به طول ۱۳۲ کیلومتر قیر شده.
- حمل و نقل اموال تجارتي در افغانستان از طريق بنادر سرحدی تورخم، سپين بولدک، اسلام قلعه، تورغندی و بنادر آبی کنار دریای آمو تاشگذر، شیرخان بندر، بندر حیرتان، بندر کلفت صورت می گیرد که باعث انکشاف در زمینه های زراعتی، صنعتی و اموال تجارتي گردیده و ارتباط بین آسیای جنوبی و ممالک آسیای میانه را برقرار می سازد.

حمل و نقل هوایی:

مسیر راهیکه طیارات در فضای آسمان از شهری به شهر دیگر می پیماید، راه خطوط هوایی گفته می شود. طیاره، سریع ترین و راحت ترین وسیله مسافرت است که مسافران و اموال تجارتي قیمتی و نازک را در وقت کم از یک منطقه به مناطق دور و نزدیک دیگر انتقال می دهد.

بعد از کسب استقلال کشور در سال ۱۲۹۸ هـ ش چند پروند طیاره از کشورهای آلمان و روسیه خریداری شد و اولین میدان هوایی بنام خواجه رواس در کابل ساخته شد که ۱۸۰۰ متر از سطح بحر بلند تر واقع است.

امروز اقسام طیارات ملکی و نظامی در انتقال مسافرین و اموال تجارتي ملکی و نظامی در داخل و خارج از کشور در پرواز و فعالیت قرار دارند.

پروازهای داخلی از کابل به ولایات و مناطقی که میدان هوایی در آن ساخته شده صورت می گیرد. پروازهای خارجی از کابل به اسلام آباد، لاهور، پشاور، دهلی جدید، تهران، دوبی، شارجه، الماتا، مسکو، انقره، روم، پاریس، لندن، امستردام، فرانکفورت، و عکس آن از آن مناطق به میدان هوایی بین المللی کابل و قندهار صورت می گیرد. فعلا میدان هوایی هرات حیثیت بین المللی را نیز کسب کرده است.

شرکت های هوایی در کشور ما عبارت اند از: آریانا، کام ایر Kam air، صافی Safi air way بوینگ و طیارات نظامی می باشد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند هر گروپ راجع به یکی از راه های مواصلاتی صحبت کنند.

سوالها:

- ۱- قبل از وارد شدن موتر در افغانستان تجارت داخلی و خارجی توسط چه صورت می گرفت؟
- ۲- منظور از خطوط هوایی چیست؟
- ۳- راجع به مهم ترین شرکت های هوایی افغانستان معلومات دهید.

فعالیت خارج صنف:

- هدف از این درس چه بود، چگونه به زنده گی مردم ما ارتباط می گیرد؟



قالین

با صنایع در کشور خود آشنا شوید؟

صنایع دستی: از زمان قدیم که نیاکان ما آریائی‌ها از حالت کوچی گری به زراعت مشغول و مقیم شدند. برای رفع ضروریات شان به صنایع دستی رجوع کردند. این شغل یک مصروفیت خوب و وسیله عاید پولی برای رفع مشکلات مردم می‌باشد. ۶۰۰۰ سال قبل دهاقین بلخ گندم و جو رسیده را با داسی که از سنگ چقماق ساخته شده بود، درو می‌کردند. تا آخر قرن ۱۹ در حدود ۹۸٪ نفوس کشور ما به حیات روستایی اشتغال داشتند و از صنایع دستی کسبه کاران استفاده می‌کردند. ایشان فن پخت و پز، ریسیدن و بافتن را آموختند. از منابع حیوانی پشم، پت، پوست، ابریشم و از منابع نباتی پنبه و سند و از منابع معدنی آهن، مس، طلا و نقره در صنایع دستی کار می‌گرفتند.

قالین:

صنعت قالین بافی از زمانهای قدیم تا به حال در بین مردم صفحات شمال کشور ما رواج دارد. مردم دولت آباد فاریاب، اندخوی، آقچه و دولت آباد بلخ در بافتن و ساختن قالین جنس عالی به رنگ و دیزاین‌های مقبول و دلچسپ شهرت دارند و در قرقین، کندز و هرات نیز بافتن قالین رواج دارد. قالینی بنام مروی، دولت آباد فاریاب، اندخوی و آقچه خریداران داخلی و خارجی دارد.

• **صنایع دستی فلزی:** آهنگران کشور ما از آهن دست داشته‌شان افزار و لوازم دهقانی،

نجاری، و ضروریات خانه‌ها را مرفوع می‌سازند. بیل آهنگران ده دانای کابل، چاقو و کارد آهنگران چاریکار و تاشقرغان شهرت دارد.

فلز کاران وطن ما در ترمیم موتر، ساختن دروازه، کتاره، زینۀ آهنی و سیم کاری برای ساختمان تعمیرات مصروف اند.

– صنایع ماشینی در افغانستان

افغانستان از جمله کشورهای رو به انکشاف است که اقتصاد صنعتی آن زیر تأثیر تولیدات صنعتی ممالک بزرگ قرار دارد. صنایع ماشینی بار اول در دورۀ امیر شیرعلی خان بنیان گذاری شد و در دورۀ امیر عبدالرحمن خان دو فابریکۀ صنعتی بنام ماشین خانه و فابریکۀ پشمینه بافی تأسیس شد که فعالیت‌های تولیدی آن ضروریات عسکری را مرفوع می‌ساخت. بعداً چند فابریکۀ کوچک گوگرد سازی، چرم گری، بوت دوزی، حجاری و نجاری، جنگلک، دستگاه برق آبی پلخمري، چک وردک، ماهی پر، نغلو، سروبی، درونته، گرشک و کجکی، فابریکۀ قند بغلان، نساجی کندز، روغن سپین زر و صابون کالا شویی فعالیت داشت.

تجارت افغانستان

بعد از کسب استقلال در ۱۲۹۸ ه.ش، توجه به انکشاف تجارت کشور ما صورت گرفت. نماینده گان افغانی به مسکو، لندن، برلین، انقره و تهران فرستاده شدند تا سهولت در تجارت به میان آید و پیداوار افغانستان به پیمانه زیادتر صادر گردد. صادرات کشور ما به درجه اول شامل محصولات حیوانی پشم، پوست، روده، پوست قره قل، قالین، گلیم و به درجه دوم محصولات نباتی شامل میوه تازه و خشک، سنگ‌های قیمتی، نباتات طبی به ممالک مختلف آسیا، اروپا و بعضی ممالک امریکایی و افریقایی می‌باشد که روابط دوستانه تجارتي با آنها برقرار گردید.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به گروپ‌های مختلف تقسیم شوند. هر گروپ، راجع به یکی از انواع صنایع دستی یا ماشینی با هم صحبت کرده، نتیجه را به هم صنفان خود ارایه نمایند.

سوالها:

- ۱- صنعت قالین بافی در کدام مناطق کشور بیشتر رواج دارد.
- ۲- از مهم ترین صنایع ماشینی افغانستان نام ببرید.
- ۳- مهم ترین محصولات صادراتی افغانستان را نام بگیرید.

فعالیت خارج صنف:

در ولایت شما کدام صنایع دستی و یا ماشینی رواج دارد معلومات خود را تهیه و در ساعت درسی آینده جغرافیه در صنف بیان دارید.

درس سی و هفتم فصل سوم - براعظم آسیا موقعیت حدود اربعه و وضع طبیعی براعظم آسیا



نقشه براعظم آسیا با حدود آن

آسیا بزرگترین براعظم‌ها است که در بین طول البلد‌های ۲۵ درجه شرقی و ۱۷۰ درجه طول البلد غربی، ۱۰ درجه عرض البلد جنوبی و ۸۵ درجه عرض البلد شمالی واقع است. مساحت آن ۴۴,۲ میلیون کیلومتر مربع است. به طرف شمال براعظم آسیا، بحر منجمد شمالی، به طرف جنوب آن بحر هند، و به طرف شرق آن بحرالکاھل واقع اند. به طرف غرب سرحد طبیعی بین قاره آسیا و اروپا را کوه‌های یورال، دریای یورال، بحیره کسپین، بحیره سیاه، آبناى باسفورس، بحیره مارمورا و آبناى دردانیل تشکیل می‌دهد. به سمت جنوب غرب بحیره سرخ و کانال سوئز آسیا را از آفریقا جدا می‌سازد و بطرف شمال شرق آبناى بیرنگ آسیا را از براعظم امریکا جدا می‌سازد.

جغرافیای طبیعی

قاره آسیا دارای بلندترین کوه‌ها، سطوح مرتفع و وسیع‌ترین دشتهای می‌باشد. بلندترین سلسله کوه‌های آسیا عبارت از کوه همالیا در شمال هند می‌باشد که از شرق به غرب افتاده است. بلندترین قله آن بنام ایورست یاد شده که ۸۸۴۸ متر از سطح بحر بلندی دارد، کوه‌های هندوکش در افغانستان کوه‌های البرز و زاگروس در ایران کوه‌های قفقاز، کوه‌های پونیک و آناتولی در ترکیه می‌باشد. هم‌چنان به طرف شرق، کوه‌های بلند تیان‌شان و آلتایی در شمال چین است. سطوح مرتفع مغولستان، تبت، گوبی و پامیر که در مرکز براعظم آسیا موقعیت

داشته بزرگترین سطوح مرتفع آسیا را تشکیل می‌دهند. هم چنین براعظم آسیا دشت‌های وسیعی دارد، که عبارت اند از: دشت‌های مغولستان، دشت‌های کویر ولوت در ایران، دشت‌های سوریه، عراق و ربع الخالی در عربستان.

دریاها:

دریاهای مهم آسیا از ارتفاعات مرکزی آن منبع می‌گیرد:

۱- دریاهایی که از کوه‌های جنوب سایبریا سرچشمه گرفته به طرف شمال جریان دارند و به بحر منجمد شمالی می‌ریزند، عبارت اند از: دریاهای اوب (ob) ینسی و لینا. آب این دریاها بعضی اوقات در نزدیکی‌های بحر منجمد شمالی یخ بسته می‌باشند.

۲- دریاهایی که در شرق آسیا جریان دارند و به بحیره‌های بحر الکاهل می‌ریزند، به ترتیب از شمال به جنوب عبارت اند از: دریای آمور که از کوه‌های شمال مغولستان سرچشمه گرفته به بحیره اخوتسک می‌ریزد. دریای هوانگهو که از کوه‌های چین مرکزی سرچشمه گرفته و در خلیج چیهلی که در غرب خلیج کوریا واقع است، می‌ریزد. دریای میکانگ از کوه‌های چین جنوبی سرچشمه گرفته و در جنوب کمبودیا به بحیره چین جنوبی می‌ریزد.

۳- دریاهایی که به بحیره‌های بحرهند و بحیره عرب و خلیج فارس می‌ریزند، از شرق به غرب عبارت اند از: ایراودی در قسمت میانمار به خلیج مارتبان می‌ریزد. دریای گنگا در قسمت بنگله دیش به خلیج بنگال می‌ریزد. دریای سند که در نزدیکی کراچی به بحیره عمان می‌ریزد. دریای کارون و دریاهای دجله و فرات که شط العرب را تشکیل داده و بعداً به خلیج فارس می‌ریزند.

۴- دریاهایی که در جھیل‌های داخلی آسیا می‌ریزند، عبارت اند از: آمو (جیحون) و سیر دریا (سیحون) که به جھیل ارال می‌ریزند. دریای اورال که در سرحد بین آسیا و اروپا قرار دارد، به بحیره کسپین می‌ریزد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و گروه اول راجع به کوه‌ها و گروه دوم راجع به دریاهای آسیا معلومات خود را ارایه نمایند.

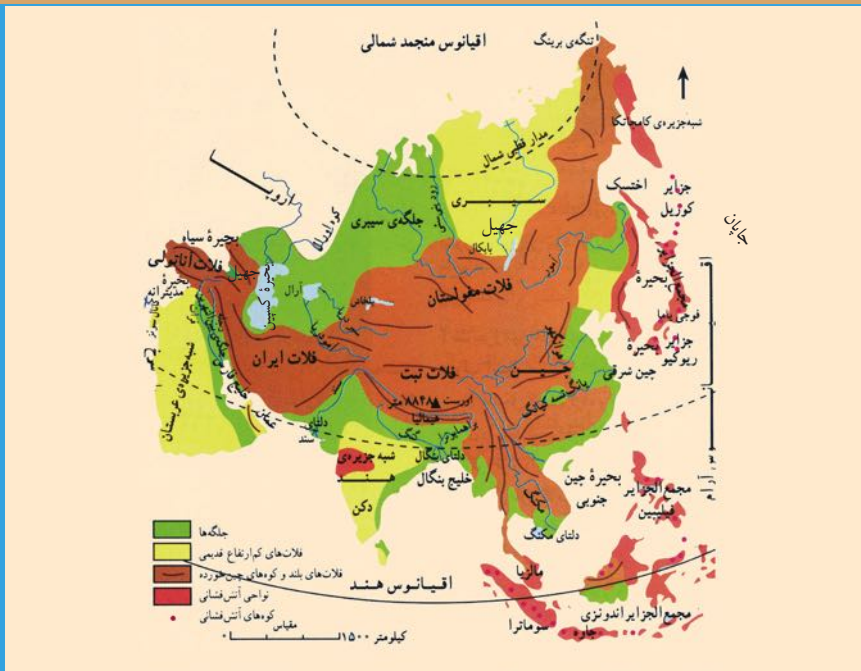
سوالها:

- ۱- سلسله کوه‌های هندوکش در کدام کشور واقع است؟
- ۲- کوه‌های همالیا در کدام قسمت آسیا موقعیت دارد؟
- ۳- دریاهای را که به بحر الکاهل میریزد، نام بگیرد.

فعالیت خارج صنف:

شاگردان در روی نقشه سطح مرتفع پامیر را نشانی کرده و از چند سلسله کوه آسیا نام بگیرند

جھیل‌ها، بحیرہ‌ها و خلیج‌های براعظم آسیا



جھیل‌های مهم آسیا در سایبریا، چین، قزاقستان، آسیای مرکزی و جنوب شرق آسیا موقعیت دارند، که از مهمترین آنها نام میگیریم:

- **در سایبریا:** جھیل بایکال در امتداد دریای انگارا از شمال شرق به استقامت جنوب غرب امتداد دارد و دارای آب منرالی است، طول اعظمی آن تقریباً هفتصد کیلو متر و عرض آن ۱۳۰ کیلو متر می‌باشد.

جھیل خانکا در شرق منچوریا، در قزاقستان جھیل بالخاش و جھیل ارال معروف اند. در قرغزستان جھیل بسیک کول شهرت زیاد دارد.

در افغانستان جھیل چقمقین، جھیل شیوا، جھیل‌های بند امیر، آب استاده غزنی و جھیل‌ها مون سیستان خیلی معروف اند.

- در جنوب ایران جھیل ارومیه شهرت تورستیک دارد.

- در ترکیه جھیل (وان) در شرق و جھیل‌های دیگر در غرب آن موقعیت دارند.

سواحل آسیا بریده گي‌ها و انحناهای زیاد دارد. از این سبب تعداد زیاد خلیج‌ها در اطراف سواحل آسیا دیده میشوند که بعضی از آنها برای کشتی رانی زمینه مساعد را تشکیل میدهند.



خلیج‌های سواحل شمالی آسیا: معروف تر آن خلیج اوب بوده اما خلیج‌های خورد دیگر نیز وجود دارد. **خلیج‌های سواحل شرقی آسیا:**، خلیج کوریا معروف است. - **خلیج‌های سواحل جنوبی آسیا:** خلیج سیام، خلیج بنگال، خلیج تایلند، خلیج فارس، خلیج عدن و غیره. در سواحل غربی آسیا، خلیج کوچکی بنام خلیج عقبه وجود دارد. بحیره‌های خورد و بزرگی در آسیا دیده میشوند. بعضی در داخل قطعه آسیا و یک تعداد آن در اطراف سواحل آسیا موقعیت دارند. بحیره کسپین در داخل آسیا از بزرگترین بحیره‌های داخل قطعه آسیا می‌باشد.

بحیره‌های شرق آسیا: بحیره بیرنگ، بحیره اخوتسک، بحیره جاپان، بحیره زرد و بحیره چین شرقی. **بحیره‌های جنوب آسیا:** بحیره چین جنوبی، بحیره جاوا، بحیره اندامان، بحیره عرب و بحیره عمان که اهمیت تجارتی زیاد دارند. **در غرب آسیا:** بحیره احمر بیشتر قابل اهمیت است.

فعالیت داخل صنف:



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند، گروه اول نقشه جھیل‌های آسیا، گروه دوم نقشه خلیج‌های آسیا و گروه سوم نقشه بحیره‌های آسیا را ترسیم کنند و در پیش روی صنف آنرا نشان دهند.

سوالها:

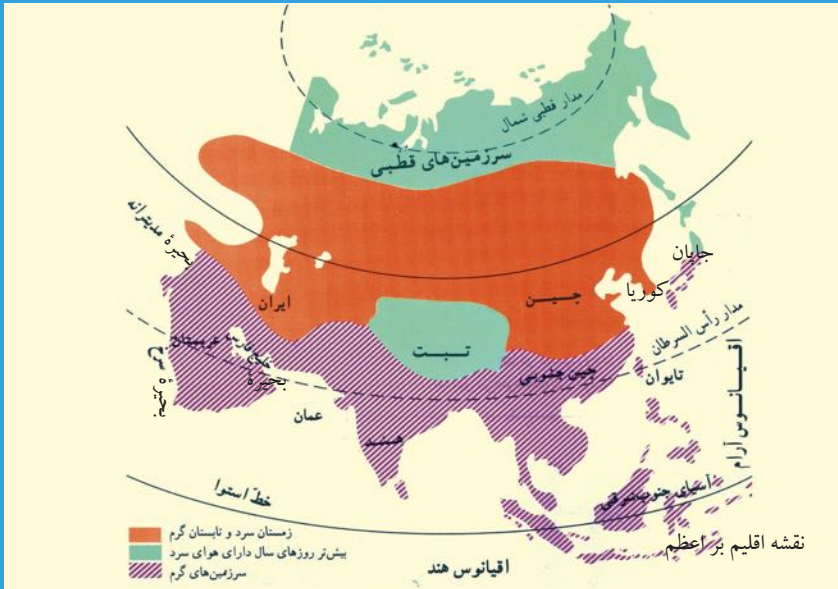


- ۱- از سه بحیره شرق آسیا نام بگیرید.
۱ - ۲ - ۳
- ۲- بحیره جاپان کدام کشورها را جدا میکند؟
۱- ترکیه و سوریه ۲- جاپان و کوریا
- ۳- بحیره کسپین در کدام حصه آسیا موقعیت دارد؟
- شرق جنوب شمال غرب
- ۴- چرا در کنار سواحل آسیا جھیل‌های زیاد وجود دارد؟

فعالیت خارج صنف:



هر شاگرد نقشه آسیا را ترسیم و در آن نام بحیره‌ها و خلیج‌های مهم را بنویسند.



انواع مختلف اقلیمی آسیا از این قرار است:

- ۱- **اقلیم ساحه قطبی و یخچالی** که در امتداد سواحل شمالی براعظم آسیا از عرض البلد های $۶۶\frac{۱}{۴}$ درجه شمالی الی ۸۵ و نود درجه قطب انکشاف یافته که این ساحه اقلیمی را به نام منطقه تند را یاد میکنند. بته‌های پست قامت در اینجا زیاد بوده، خاک حاصل خیز ندارد و توام با یخ و برف می‌باشد. حرارت آن بسیار کم است که تقریباً به (۶۰- درجه سانتی گرید) پایین می‌آید.
- ۲- **اقلیم تحت قطبی:** این منطقه اقلیمی از شرق به غرب ساحه وسیع سایبریا را در بر می‌گیرد، در تمام فصل‌های سال بارنده گی دارد. زمستان آن بسیار سرد و تابستان کمی سردی دارد یعنی بین ۱۸ و ۱۹ درجه سانتی گرید می‌باشد. جنگلات سوزنی برگ همیشه سر سبز بوده در این منطقه اکثریت دارد.
- ۳- **اقلیم منطقه ستپ** آسیای مرکزی که از شمال غرب چین شروع شده مثل یک نوار بزرگ تا ترکیه امتداد دارد، کشورهای آسیای مرکزی را به شمول افغانستان و ایران احتوا میکند. در منطقه ستپ آسیای مرکزی صحرای نسبتاً بزرگ در اطراف بین النهرین و منگولیا هم دیده میشوند که مقدار بارنده گی آن خیلی کم بوده، تقریباً بین ۱۵۰ و ۲۰۰ میلی متر قرار می‌گیرد. حرارت آن در تابستان تقریباً ۴۰ درجه سانتی گرید و سردی زمستان به ۱۰ الی ۱۵ درجه سانتی گرید میرسد. شبیه این صحرای در ایران، افغانستان، و هند و پاکستان نیز به ملاحظه میرسد.
- ۴- **اقلیم کوهستانی و نقاط مرتفع:** سلسله همالیه، قراقرم، تیان شان، هندوکش، البرز و زاگروس اقلیم مناطق مرتفع و کوهستانی را تشکیل داده مقدار بارنده گی آن در زمستان، بهار و خزان زیاد می‌باشد، بارنده گی دایماً به شکل برف و باران می‌شود، این سلسله کوه‌ها منبع اصلی آب دریا های آسیا را نیز تشکیل میدهند.

۵- **اقلیم صحرائی:** شبه جزیره عربستان سعودی که در امتداد صحرای اعظم افریقا واقع شده ، درجه حرارت تابستان از ۴۵ درجه سانتی گرید بالای می رود و در زمستان به ۲۰ و ۱۵ درجه سانتی پایین می آید. در اکثر سالها بارنده گی دیده نمی شود. ندرتا بارنده گی آن به ۵۰ میلی متر میرسد که آنهم سیلابی و تخریبی می باشد.

۶- **اقلیم معتدله:** بارنده گی سالانه آن از ۴۰۰ میلی متر اضافه تر بوده و حرارت وسطی زمستان از ۱۵ درجه سانتی گرید بلند تر و تابستان آن به ۳۰ درجه سانتی گرید میرسد. تمام کشور چین، جنوب همالیه و شمال هند در این جمله شامل است.

۷- **اقلیم مدیترانه یی:** یک حصه محدود سواحل ترکیه، حصه شمال شرق عراق، یک ناحیه کوچک ساحل جنوب شرقی بحیره کسپین و ساحل شرقی مدیترانه در جمله اقلیم مدیترانه شامل است. زمستان آن بارانی و معتدل و تابستان آن نسبتاً خشک و گرم است حرارت آن در همه فصلهای سال از ده درجه سانتی گرید اضافه تر است. نباتات ستروس (نارنج، مالته، لیمو) و مدیترانه یی در این جا به کثرت میروید.

۸- **اقلیم سوانای استوایی:** بارنده گی تابستان آن خیلی زیاد بوده از ۸۰۰ میلی متر زیاد تر می باشد. حرارت تابستان و زمستان آن آنقدر زیاد اختلاف نداشته بین ۲۰ و ۳۰ درجه سانتی گرید در تحول می باشد. جزیره نمای هند و چین حصه زیادتر نیم قاره هند دارای همین نوع اقلیم استوایی سوانا می باشد. بتهای بلند قامت و اشجار مثمر و غیر مثمر در آن میروید.

۹- **اقلیم جنگلات بارانی استوا:** جزایر شرق الهند، سواحل غربی هند و چین بشمول جنوب بنگله دیش و یک حصه شمال غربی هند در این جمله شامل است. بارنده گی سالانه آن خیلی زیاد است و در هر ماه از ۵۰۰ میلی متر اضافه تر بارنده گی دارد. سنگاپور بهترین مثال این منطقه اقلیمی است. فصل سال درینجا وجود ندارد، حرارت وسطی سالانه آن بین ۲۵ و ۳۰ درجه سانتی گرید است. عمل یخبندی و برف باری درینجا دیده نمی شود. دایما گرم و مرطوب است. درخت رابر از پیداوار مهم آن می باشد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و هر گروه یکی از مناطق اقلیمی آسیا را مورد بحث قرار داده، نتیجه را برای همصنفان خود توضیح کنند.

سوالها:

- ۱- اقلیم تندرا در کدام منطقه آسیا وجود دارد؟
- در ساحل شرقی - در ساحل غربی - در جنوب هند - در حاشیه شمال بر اعظم آسیا
- ۲- اقلیم جنگلات استوایی دارای چه اوصاف است؟
- بارنده گی زیاد با درجه حرارت گرم () - بارنده گی کم و حرارت تحت صفر ()
- ۳- بنگله دیش دارای کدام نوع اقلیم است؟
- اقلیم قطبی - اقلیم تحت قطبی - اقلیم استوایی - اقلیم صحرائی.
- ۴- اقلیم صحرائی در کدام حصه آسیا اکثریت دارد؟

فعالیت خارج صنف:

شاگردان نقشه اقلیمی آسیا را ترسیم کنند و موقعیت افغانستان را در آن نشان دهند.

لیست کشورهای براعظم آسیا

شماره	نام کشور	پایتخت	مساحت به کیلومتر مربع	نفوس به نفر	طرز حکومت
۱	افغانستان	کابل	۶۵۲۰۰۰	۳۲۰۰۰۰۰۰	جمهوری اسلامی
۲	امارات متحده عربی	ابوظبی	۸۳۶۰۰	۴۲۱۴۰۰۰	فدراسیون (۷)امیرنشین
۳	اندونیزیا	جاکارتا	۱۹۰۴۲۳۳	۲۲۲۷۳۱۰۰۰	جمهوری اسلامی
۴	اردن	عمان	۸۹۳۲۶	۵۵۰۵۰۰۰	شاهی مشروطه
۵	ازبکستان	تاشکند	۴۴۷۴۰۰	۲۶۳۸۳۰۰۰	جمهوری
۶	ایران	تهران	۱۶۴۸۱۹۵	۷۰۴۷۲۸۴۶	جمهوری اسلامی
۷	بحرین	منامه	۶۹۴	۷۲۷۰۰۰	شاهی
۸	برونئی	بندر سری بگاوان	۵۷۶۵	۴۷۵۰۰۰	شاهی
۹	بنگله دیش	داکه	۱۴۷۵۷۰	۱۳۸۸۳۵۰۰۰	جمهوری
۱۰	بوتان	تیمپو	۴۷۰۰۰	۷۹۰۰۰۰	شاهی مشروطه
۱۱	پاکستان	اسلام آباد	۷۹۶۰۹۵	۱۵۶۷۷۰۰۰۰	جمهوری اسلامی فدرال
۱۲	تاجیکستان	دوشنبه	۱۴۳۱۰۰	۷۰۶۳۰۰۰	جمهوری
۱۳	تایلند	بنکاک	۵۱۳۱۱۵	۶۴۶۳۲۰۰۰	شاهی مشروطه
۱۴	تایوان	تاییی	۳۶۰۰۰	۲۲۸۱۵۰۰۰	جمهوری
۱۵	ترکمنستان	عشق آباد	۴۸۸۱۰۰	۴۸۹۹۰۰۰	جمهوری
۱۶	تیمور شرقی	دیلی	۱۴۸۷۴	۱۰۳۲۰۰۰	جمهوری
۱۷	ترکیه	انقره	۷۷۹۴۵۲	۷۲۹۳۲۰۰۰	جمهوری
۱۸	چین	پکنگ	۹۵۷۲۹۰۰	۱۳۱۱۳۸۱۰۰۰	جمهوری
۱۹	روسیه	مسکو	۱۷۰۷۵۴۰۰	۱۴۲۳۹۴۰۰۰	جمهوری فدرالی
۲۰	جاپان	توکیو	۳۷۷۸۱۹	۱۲۷۷۱۶۰۰۰	شاهی مشروطه
۲۱	سريلانکا	کلمپو	۶۵۶۱۰	۱۹۸۷۹۰۰۰	جمهوری
۲۲	سنگاپور	سنگاپور	۶۴۱	۴۴۰۸۰۰۰	جمهوری
۲۳	سوریه	دمشق	۱۸۵۱۸۰	۱۸۵۴۲۰۰۰	جمهوری

شماره	نام کشور	پایتخت	مساحت به کیلومتر مربع	نفوس به نفر	طرز حکومت
۲۴	عراق	بغداد	۴۳۸۳۱۷	۲۸۵۱۳۰۰۰	جمهوری
۲۵	عربستان سعودی	ریاض	۲۲۴۰۰۰۰	۲۳۶۸۷۰۰۰	شاهی مشروطه
۲۶	عمان	مسقط	۳۰۹۵۰۰	۲۵۱۶۰۰۰	شاهی مطلقه
۲۷	فلسطین	قدس	۶۲۶۳	۴۱۴۱۰۰۰	جمهوری
۲۸	فلیپین	مانیلا	۳۰۰۰۰۰	۸۵۵۶۳۰۰۰	جمهوری
۲۹	قبرس	نیکوزیا	۹۲۵۰	۱۰۰۴۰۰۰	جمهوری
۳۰	قرغزستان	بیشکک	۱۹۸۵۰۰	۵۱۹۲۰۰۰	جمهوری
۳۱	قزاقستان	استانه	۲۷۱۷۰۰	۱۵۲۴۲۰۰۰	جمهوری
۳۲	قطر	دوحه	۱۱۴۷۱	۸۳۸۰۰۰	امارتی شیخ نشین
۳۳	کمبودیا	پنوم پن	۱۸۱۰۳۵	۱۳۶۴۸۰۰۰	شاهی مشروطه
۳۴	کوریای جنوبی	سیول	۹۹۶۴۶	۲۸۱۳۸۰۰۰	جمهوری
۳۵	کوریای شمالی	پیونگ یانگ	۱۲۲۷۶۲	۲۲۵۸۳۰۰۰	جمهوری
۳۶	کویت	کویت	۱۷۸۱۸	۳۰۸۴۰۰۰	شاهی مشروطه
۳۷	لاوس	وین تیان	۲۳۶۸۰۰	۵۷۵۱۰۰۰	جمهوری
۳۸	لبنان	بیروت	۱۰۴۰۰	۳۸۳۴۰۰۰	جمهوری
۳۹	مالدیو	ماله	۲۸۹	۳۰۰۰۰۰	جمهوری
۴۰	مالیزیا	کوالا لامپور	۳۲۹۷۵۸	۲۶۶۴۰۰۰۰	شاهی مشروط فدرال
۴۱	مغولستان	اولان باتور	۱۵۶۶۵۰۰	۲۵۸۰۰۰۰	جمهوری
۴۲	میانمار	رنگون	۶۷۶۵۷۷	۴۷۳۸۳۰۰۰	جمهوری
۴۳	نیپال	کتمندو	۱۴۷۱۸۱	۲۷۶۷۸۰۰۰	شاهی مشروطه
۴۴	ویتنام	هانوی	۳۳۱۰۴۱	۸۳۴۵۸۰۰۰	جمهوری
۴۵	هند	دهلی جدید	۳۱۶۵۵۹۶	۱۱۱۹۵۳۸۰۰۰	جمهوری
۴۶	یمن	صنعا	۵۵۵۰۰۰	۲۰۶۷۶۰۰۰	جمهوری